

فرهنگ ۵۲
شهر



از پشت پنجره خانه مان
دومین مسابقه نقاشی کودکان تهران
شهری که من دوست دارم ببینم



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی



گزارش دومین دوره مسابقه نقاشی کودکان تهران

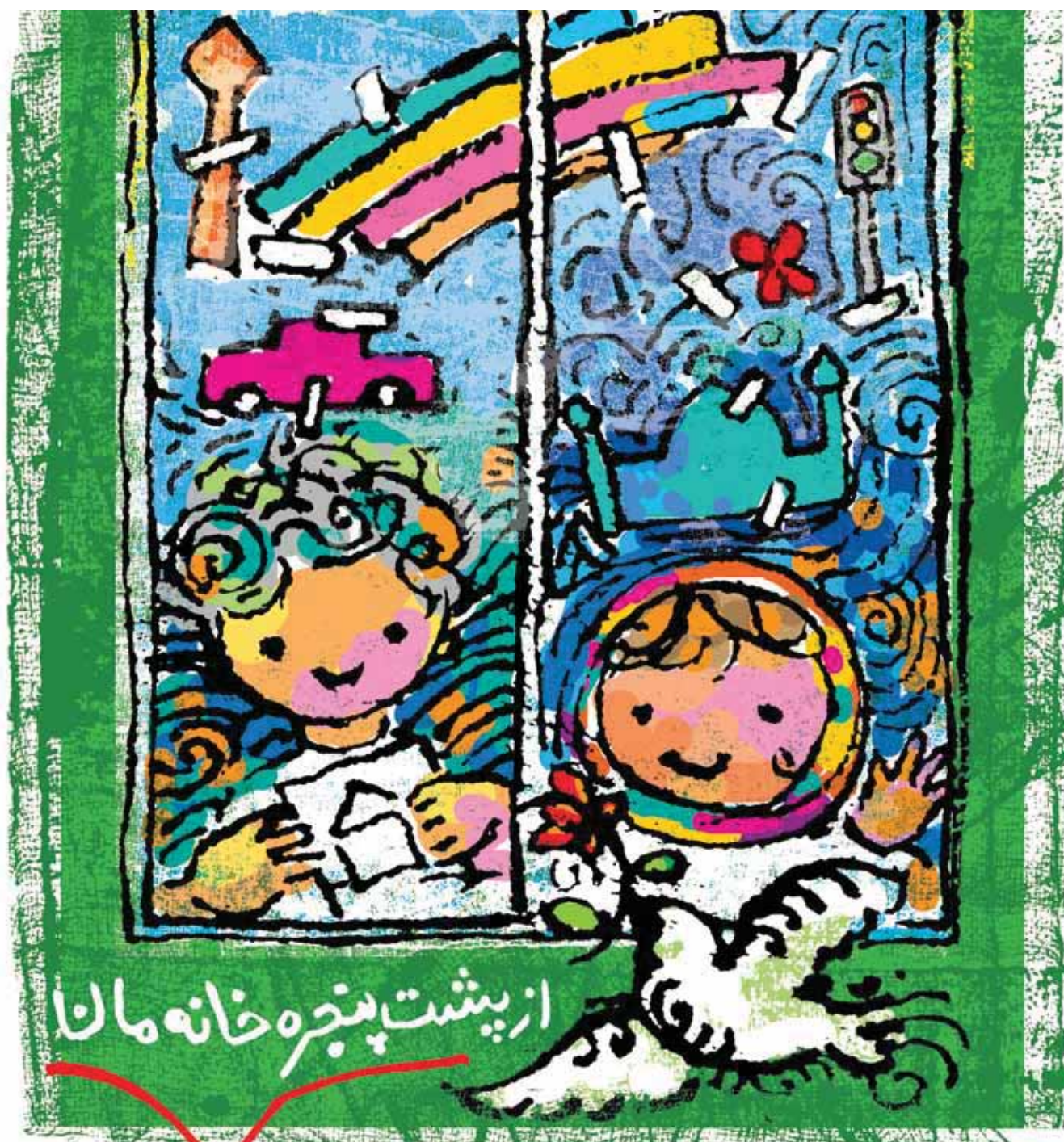
شهری که دوست دارم از پشت پنجره خانه مان ببینم



اداره کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران

زمستان ۱۳۹۹

تهیه و تنظیم:
فاطمه مقدسی



از پشت پنجره خانه ما

شهری که من دوست دارم ببینم
دو بین مسابقه نقاشی کودکان تهران



شناسنامه

■ عنوان:

دومین دوره مسابقه نقاشی کودکان تهران / شهری که من دوست دارم از پشت پنجره خانه مان ببینم

■ شورای سیاستگذاری:

محمد رضا جوادی یگانه، مجتبی دانشور، مجتبی حاجی زاده
فاطمه تنهایی، ناهید اخیانی، جمال الدین اکرمی

■ هیئت انتخاب:

منیژه حاتمیان، معصومه فاضلی، اعظم اسدی، مجتبی حاجی زاده، فاطمه تنهایی

■ هیئت داوران:

ایرج طهماسب، جمال الدین اکرمی، محمدعلی بنی اسدی، آتوسا صالحی، حدیثه قربان

■ زیر نظر:

سهیل سلیمیان، متین رمضان خواه

■ تهیه و تدوین:

فاطمه مقدسی

■ همکاران:

مرضیه موذنی، منصوره کارگران، الهام اسلامیان، نیلوفر آرامی، فاطمه ابراهیم شمیرانی
امیر یحیایی، تینا ابوالقاسمی، مهرانوش قربانعلی، مهراناز قربانعلی، منیژه حاتمیان
هادی ملکی، امیرحسین رحمانی

■ با تشکر از همکاری:

اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران
معاونین امور اجتماعی و فرهنگی و مدیران آموزش های شهروندی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

■ امور اجرایی:

شهرزاد نخعی

■ طراح و صفحه آرا:

هادی محسنی آهویی

■ تاریخ تهیه:

بهار ۱۴۰۰

■ به سفارش:

معاونت و طراحی آموزشی، اداره کل آموزش های شهروندی

■ زمان انتشار:

بهار ۱۴۰۰



دو دوره از مسابقه‌ی نقاشی کودکان تهران با عنوان «شهری که من دوست دارم» و «شهری که من دوست دارم از پشت پنجره ببینم» در مسیر اجرای پروژه‌ی جهانی شهر دوستدار کودک در تهران طراحی و اجرا شده است. طرحی که در نهایت، استاندارد را برای شهرها از جمله تهران تعریف می‌کند تا در خدمت امنیت و آسایش کودکان درآیند.

اخذ نظرات ذی‌نفعان شهرهای دوستدار کودک، که کودکان مهم‌ترین آن‌ها هستند، از بخش‌های مهم طراحی شهر دوستدار کودک است، که بر همین مبنا، مجریان ملزم شده‌اند به دریافت نظرات و نگاه کودکان نسبت به شهر محل زندگی‌شان. تجربه‌ی تمامی کشورهای مشارکت‌کننده در طرح شهر دوستدار کودک نشان داده که برگزاری مسابقه‌های هنری و فرهنگی با محور شهر برای مخاطب کودک و نوجوان، بیشترین بازده را در این زمینه داشته و دارد.

دو دوره از مسابقه‌ی نقاشی کودکان تهران نیز با همین نگاه طراحی و برگزار شد که حاصل آن، ارائه‌ی نظرات کودکان شهروند تهران درباره‌ی مسایل مختلف شهرشان بوده است. استقبال از دوره‌ی اول این رویداد با رسیدن بیش از ۹۴۰۰ اثر به دبیرخانه، و دوره‌ی دوم با بیش از ۱۴ هزار اثر، منبعی گران‌بها بود برای پژوهش‌گران حوزه‌های شهری، تا بتوانند شهر را براساس نظرات ذی‌نفعان آن هدایت و بازتعریف کنند.

از آن جاکه برگزاری دوره‌ی دوم این مسابقه همزمان شد با شیوع کرونا و خانه‌نشینی کودکان و خانواده‌ها، موضوع و نحوه‌ی برگزاری مسابقه را نسبت به شرایط کودکان خانه‌نشین طراحی کردیم؛ «شهری که من دوست دارم از پشت پنجره‌ی خانه‌مان ببینم» به شکل مجازی برگزار شد. در این دوره علی‌رغم خوش‌بین‌ترین پیش‌بینی‌ها، نزدیک به ۱۴ هزار اثر به دبیرخانه رسید که حتی برای شرایط غیر کرونایی هم رقم بزرگی بود. مدیریت شهری و برنامه‌ریزان پایتخت، حال منبع مهمی در دست دارند: با نزدیک به ۲۵ هزار نقاشی کودکان زیر ۱۵ سال، می‌توانند بخش عمده‌ای از آرا و نظرات شهروندان کم‌سن تهران را بررسی، تحلیل و دسته‌بندی کنند. اتفاقی که در صورت استمرار و توسعه‌ی محتوا و رویکردها، می‌تواند به عنوان پلی رابط میان بخشی از شهروندان و برنامه‌ریزان نقش ایفا کند.

محمد رضا جواد ییگانه





۱۱ مقدمه

فصل یک

سیاست گذاری، اهداف و کارکرد برنامه

۱۲

۱۳ مبانی سیاستی مسابقه نقاشی

۱۴ اهداف محوری مسابقه نقاشی

۱۴ چرایی و کارکرد مسابقه نقاشی

فصل دو

مبانی و پیشینه مسابقه نقاشی

۱۵

۱۹ مشارکت کودکان

۲۰ تکنیک نقاشی، فرصتی برای شنیدن صدای کودکان

۲۱ پیشینه مسابقه نقاشی

۲۲ مروری بر عملکرد مسابقه نقاشی در سال ۱۳۹۸

فصل سه

بررسی عملکرد مسابقه نقاشی در سال ۱۳۹۹

۲۵

۲۶ طراحی و برنامه ریزی

۲۶ اطلاع رسانی

۲۷ آگاهی بخشی و گفت و گو

۲۸ گردآوری

داوری	۲۹
به نمایش گذاشتن	۳۳
تحلیل آثار	۳۴
اجرایی سازی	۳۴
استمرار مشارکت کودکان	۳۸

فصل چهار

۵۴

تحلیل شرکت کنندگان و نشانه شناسی آثار تحلیل اطلاعات شرکت کنندگان

تحلیل آثار از نگاه بازدید کنندگان	۵۸
نشانه شناسی آثار	۶۰
گروه سنی چهار تا هفت ساله ها	۶۱
گروه سنی هشت تا یازده ساله ها	۶۴
گروه سنی دوازده تا چهارده ساله ها	۶۷
فراگیرها	۶۹
جمع بندی نشانه شناسی	۷۰

فصل پنج

۷۲

تحلیل انتقادی عملکرد مسابقه نقاشی و پیشنهادات مدیریتی

انتقادات بر شیوه گردآوری آثار	۷۳
انتقادات بر فرم اجرایی برنامه: مسابقه محوری	۷۴
انتقادات بر شیوه تحلیل آثار	۷۶

کودکان

بیش از دو دهه از ابتکار شهرهای دوستدار کودک می گذرد و اکنون رفاه کودکان، در اکثر برنامه ریزی های شهری توانسته است به شاخص نهایی یک زیستگاه سالم، جامعه دموکراتیک و حاکمیت مطلوب تبدیل شود.

در پایتخت ایران، تهران نیز دغدغه برنامه ریزی شهری متناسب با نیاز کودکان و مناسب سازی فضای شهری برای کودکان بیش از یک دهه است که به دغدغه برنامه ریزان تبدیل شده است. تهران کلان شهری جوان به شمار می رود، شهری با بیش از ۲۵ درصد کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال (یک چهارم جمعیت کل)، و جمعیت کودکان بیش از ۳ میلیون نفر^۱. با این حال مسیر تبدیل شدن شهری چون تهران به شهر دوستدار کودک، مسیری دشوار است چرا که به دلیل توسعه نامتوازن کشوری، حجم عظیمی از مسائل شهری اعم از آلودگی های فزاینده، ترافیک، ازدیاد جمعیت و تراکم فضایی، فقر و حاشیه نشینی و ... آن را احاطه کرده است.

در چنین شرایطی برنامه ریزی برای تغییر و حرکت به سوی شناخت و تأمین دغدغه های کودکان نیازمند تلاشی همه جانبه و جمعی است. مصوبه «تهران، شهر دوستدار کودک» که در سال ۱۳۸۸ به تصویب شورای اسلامی شهر تهران رسید و آیین نامه اجرایی و جدول زمانبندی و عملیاتی آن در سال ۱۳۹۴ تصویب و در دستور کار اداره کل آموزش های شهروندی قرار گرفت و در همین رابطه، ابتکار عمل ایده پردازی و اجرای این برنامه ریزی را به اداره کل آموزش شهروندی، به عنوان متصدی حوزه کودک در معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهر تهران داد و این اداره در این مدت کوشیده است با اجرای ایده هایی در سطحی محلی و شهری، گفتمان کودک محوری را در حوزه عمومی و در میان برنامه ریزان شهری گسترش دهد.

یکی از برنامه های این اداره برای تحقق ایده شهر دوستدار کودک از سال ۱۳۹۸ تا کنون، اجرای مسابقه نقاشی با عنوان «شهری که من دوست دارم» در سال اول و «شهری که من دوست دارم» (از پشت پنجره خانه مان) ببینم» در سال دوم بوده است. دور از انتظار نیست که تهران امروز، شهر مطلوب و آرمانی کودکان و نوجوانان نباشد، این برنامه کوشیده است از دریچه نگاه هزاران کودک و نوجوان شهر تهران، تصویر شهر آرمانی آنها را بازشناسد و صدای چالش ها و مسئله هایشان را بلند کند.

در گزارش پیش رو که در پنج بخش تنظیم شده است، نگاهی خواهیم انداخت بر سیاستگذاری کلان برنامه، پیشینه، عملکرد اجرایی برنامه، تحلیل شرکت کنندگان و آثار آنها و در نهایت بررسی انتقادی عملکرد مسابقه نقاشی. این گزارش مبتنی است بر مصاحبه با ۱۵ نفر از مجریان، داوران و بازدیدکنندگان از نمایشگاه، تحلیل مستندات و گزارش های نمایشگاه، تحلیل آماری بانک اطلاعاتی شرکت کنندگان و تحلیل محتوای کمی آثار ۲۰۳ کودک با استفاده از نرم افزار مکس کیودا.

۱- درگاه ملی ایران، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵، جدول ۲- جمعیت برحسب سن، جنس و تابعیت به تفکیک استان

فصل یک

سیاست گذاری
اهداف
کارکرد برنامه

مبانی سیاستی مسابقه نقاشی

در حوزه سیاست گذاری شهر دوستدار کودک تهران، چند سند و برنامه بالا دستی نقشی تعیین کننده دارند و پروژه مسابقه نقاشی بر مبنای این اسناد کلان تعریف می شود: نخست سیاست گذاری های کلان یونیسیف به عنوان نهاد مجری و ناظر شهرهای دوستدار کودک و دوم مصوبه شورای اسلامی شهر تهران در حوزه شهر دوستدار کودک و آیین نامه اجرایی آن است و سوم شعار محوری شهرداری تهران با عنوان «تهران شهری برای همه». در ادامه به هر یک از این سه سیاست کلان و نسبت مسابقه نقاشی با آن خواهیم پرداخت.

■ یونیسیف و استراتژی های شهر دوستدار کودک:

اقدامات شهرداری ها در حوزه شهرهای دوستدار کودک، معمولاً در چارچوب یک یا چند هدف و استراتژی مورد توافق جهانی یونیسیف انجام می گیرد. این نهاد با اتکال بر پیمان نامه حقوق کودک ۵ هدف کلی را برای تبدیل شدن شهر ها، به شهرهای دوستدار کودک تعریف کرده است (یونیسیف، ۱۳۹۷: ۱۲):

۱. همه کودکان و جوانان ارزش و احترام داشته باشند و در اجتماع محلی و توسط مقامات محلی با آنها منصفانه رفتار شود (حق ارزشمند بودن و مورد احترام و رفتار منصفانه قرار گرفتن).
۲. نظرها، نیازها و اولویتهای همه کودکان و جوانان در قوانین عمومی مرتبط (در صورت امکان)، سیاست ها، بودجه ها، برنامه ها و تصمیماتی که بر آنها تأثیر میگذارند، لحاظ شود (حق شنیده شدن).
۳. همه کودکان و جوانان به خدمات اجتماعی ضروری با کیفیت مناسب دسترسی داشته باشند (حق برخورداری از خدمات اجتماعی).
۴. همه کودکان و جوانان در محیطی امن، مطمئن و پاکیزه زندگی کنند (حق برخورداری از امنیت).
۵. همه کودکان و جوانان، فرصتهایی برای بهره بردن از زندگی خانوادگی، بازی و تفریح داشته باشند (حق برخورداری از زندگی خانوادگی، بازی و تفریح).

یونیسیف برای رسیدن به این ۵ هدف کلان، ۷ استراتژی تعریف کرده^۱:

۱. ارزیابی وضعیت کودکان، تعیین اهداف و نظارت و ارزیابی و گزارش دهی و نظارت بر وضعیت پیشرفت
 ۲. مطالبه گری و آگاهی بخشی مستقل از حقوق کودکان در کل دولت و جامعه
 ۳. وضع قوانین و سیاست های دوستدار کودک و ارزیابی تأثیر اینها بر کودکان
 ۴. وضع برنامه اقدام استراتژیک در سطح شهر با تخصیص بودجه مشخص و پاسخگویی برای اجرا
 ۵. اطمینان از تخصیص واقعی بودجه و سهم کودکان از منابع خود
 ۶. جلب مشارکت، اطلاع رسانی و احترام گذاشتن به دیدگاه ها و تجربیات کودک و جوانان و به رسمیت شناختن آنها به عنوان شرکا، انسان هایی مستقل، دارای حق و شهروندانی برابر
 ۷. هماهنگی بین بخشی، راهبری و همکاری استراتژیک برای به حداکثر رساندن تأثیر سیاست ها و برنامه های دوستدار کودک.
- با اتکال بر مبانی سیاستی شهرهای دوستدار کودک، پروژه مسابقه نقاشی در چارچوب حق شنیده شدن صدای کودکان و در قالب استراتژی جلب مشارکت و احترام گذاشتن به دیدگاه های کودکان طراحی گردید. شنیدن صدای کودکان صرفاً کلامی نیست، صدای کودکان را می توان از سخن آنها، نوع پوشش آنها و نوع انتخاب ها و عدم انتخاب هایشان در فعالیت ها شنید. نقاشی کردن هم یکی از تکنیک های رایج در شنیدن صدای کودکان، به ویژه کودکان در سنین پایین تر است.

■ مصوبه شهر دوستدار کودک

مطابق آیین نامه اجرایی مصوبه «شهر دوستدار کودک»، شهر دوستدار کودک شهری است که در آن نیازهای اساسی کودک در اولویت قرار گرفته

و شرایط فرهنگی اجتماعی، شهرسازی معماری و زیست محیطی شهر همسو با نیازهای کودکان اصلاح و حقوق آنان در سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و بودجه‌ها رعایت می‌شود (آیین نامه اجرایی مصوبه شهر دوستدار کودک، ۱۳۸۸).

هدف اصلی مسابقه نقاشی بر این اساس شناخت نیازهای کودکان و کسب نظر و دیدگاه آنها نسبت به شهر و محیط زندگی خودشان و دخالت نظرهای آنها در مدیریت شهری و اداره شهر است. این هدف همان تحقق پیوست اجتماعی مصوب شهر دوستدار کودک است که در آن بر اخذ نظر و دریافت پیشنهادات کودکان در امور شهری، تأکید می‌شود.

■ تهران شهری برای همه

علاوه بر چهارچوب سیاستی شهرهای دوستدار کودک، پروژه مسابقه نقاشی در راستای شعار محوری شهرداری تهران در دوره اخیر یعنی شعار «تهران، شهری برای همه» قرار می‌گیرد. شعار تهران، شهری برای همه بر اصل حق بر شهر مبتنی است و در همین راستا پروژه مسابقه نقاشی را می‌توان وسیله‌ای برای فعلیت بخشیدن بر اصل حق بر شهر دانست:

حق بر شهر دو سطح دارد، سطح اول کنشگری شهروندان است که در آن تأکید می‌شود ما باید بستری امن و آرام برای کنشگری همه گروه‌های شهری اعم از سالمندان، کودکان، معلولین و ... فراهم کنیم و سطح دوم هدف‌گذاری و آینده‌نگری برای ساخت شهری است که نگاه، عقاید و خواست تمام گروه‌ها را تأمین بکند. به همین خاطر حق بر شهر یک حق جمعی و هدفمند است. یکی از اهداف مهم ما در مسابقه نقاشی، پوشش دادن به این آرمان یعنی حق بر شهر در حوزه کودکان بود. مسابقه نقاشی تلاش کرد از طریق به پرسش گذاشتن شهری که من دوست دارم، خواست کودکان را شناسایی کند و در سطح نخست حق بر شهر، یعنی کنشگر کردن کودکان برای بیان خواسته‌هایشان، فضایی برای شنیدن صدای کودکان فراهم سازد. سطح دوم هم هدف‌گذاری یک شهر ایدئال در آینده، برای کسانی است که فردا مخاطبان اصلی این شهر هستند و از چند سال دیگر به مهم‌ترین کنشگران شهر تبدیل می‌شوند. آنچه که امروز در مسابقه نقاشی انجام دادیم این بود که این دو هدف را پوشش دهیم، یکی استخراج نیازهای اساسی شهر و دوم ترسیم یک نما از شهری که در آینده این کودکان به دنبالش هستند (متین رمضان‌خواه).

اهداف محوری مسابقه نقاشی

بر این مبنا مهم‌ترین اهداف پروژه مسابقه نقاشی را می‌توان چنین عنوان کرد:

- جلب مشارکت و احترام گذاشتن به دیدگاه‌ها و نیازهای کودکان نسبت به شهر و محیط زندگیشان
- ایجاد بستری برای کنشگری کودکان
- هدف‌گذاری یک شهر ایدئال در آینده بر اساس خواسته‌های کودکان
- علاوه بر این اهداف اصلی، اهداف جنبی نیز مد نظر مجریان پروژه بوده است که عبارت‌اند از:
- ایجاد زمینه‌های لازم برای کشف استعداد و محک زدن کودکان با همسالان خود
- پر کردن اوقات فراغت کودکان

چرایی مسابقه نقاشی

حال پرسش اینجاست که چرا برای تحقق هدف شنیدن صدای کودکان و جلب مشارکت، از ابزاری همچون مسابقه نقاشی استفاده می‌کنیم؟ استفاده از نقاشی دو دلیل محوری دارد: آسان بودن استفاده از نقاشی برای ابراز بیان و قدرتمند بودن در چانه زنی.

■ نقاشی و ابراز بیان در کودکان

عموماً نظر سنجی کردن از کودکان غیر ممکن است در صورتی که اساساً نظر سنجی یک اصل مهم و مبنایی در برنامه ریزی است و به ویژه برای آینده نگری اهمیت زیادی پیدا می کند:

یک بحث مهم در حوزه مشارکت کودکان این است که چون نمی شود مستقیم از آنها نظراتشان را پرسید، باید از روش های غیر مستقیم استفاده کرد، روش هایی مانند نقاشی، بازی یا انشا نویسی. وقتی ما داریم درباره تهران صحبت می کنیم، عموماً کودکان در الگوی تهران شهری برای همه نقشی نداشتند، چون کودکان خودشان حضور ندارند، عموماً صاحب تریبون نیستند. ما برای جا انداختن مفهوم شهر دوستدار کودک، بسیار راه سخت تر و پیچیده تری را در پیش داریم حتی از معلولین. وقتی شما می خواهید مصوبه ی شهر دوستدار معلولین را بنویسید، به راحتی می توانید از خود معلولین نظر خواهی کنید و آنها می توانند از تجربه های زیسته شان صحبت کنند و می توانند به بسیاری از سوالات مسئولین پاسخ دهند اما ما این وضعیت را درباره کودکان نداریم یا مثلاً وقتی می خواستیم لایحه امنیت زنان را جا بیندازیم، زنان می توانستند خودشان از تجربه هایشان بگویند اما کودکان چون حرف نمی زنند، یکی از مسائل جدی ما این است که در سیاست گذاری ها مغفول می شوند. ما نمی توانیم زبان کودکان باشیم و باید به روش هایی فکر کنیم که خود کودکان با آن راحت تر حرف می زنند مانند نقاشی (متین رمضان خواه).

یکی از مهم ترین شیوه های دیده شدن نظر گروه های مختلف استفاده از ابزارهایی است که برای آن گروه جذابیت داشته باشد و همچنین فرد توانایی کار کردن با آن را داشته باشد. برای مثال نقاشی، نوشتن متن و ساخت بازی های خلاق، عموماً روش هایی هستند که بچه ها به راحتی از آن استفاده می کنند و به همین خاطر برای شناخت مسائلشان با جهان پیرامونشان هم به راحتی می توان از این مدیوم استفاده کرد (غلامحسین محمدی).

■ قدرتمند بودن نقاشی برای چانه زنی

طرح مطالبات کودکان به دلیل اینکه خود کودکان مستقیماً آن را مطرح نمی کنند، به طرح شواهد برای بالا بردن قدرت چانه زنی با مسئولین نیاز دارد: مسئله دوم هم این است که علاوه بر اینکه ما بدون ابزارهایی مثل مسابقه نقاشی مسائل کودکان را نمی شناسیم، توان جا انداختن مسئله را هم نداریم. در صورتی که نقاشی یک ابزار است برای اینکه اتفاقاً یک بار همین مسئولین را از پشت میزهایشان بیرون بیاوریم و با تصویر و نقاشی به عنوان یک ابزار نشان می دهیم که کودک چه چیزی را می خواهد. این مسابقه به ما در چانه زنی های سیاستی خیلی کمک می کند. برای مثال یکی از مسائلی که ما داشتیم با سازمان زیبا سازی بود که تأکید باید ترکیبات خاصی را در طراحی دیوارها استفاده کند اما بعد از اجرای مسابقه نقاشی متقاعد شدند که اتفاقاً باید المان های شهری را عوض کند، رنگ در دیوار شهر استفاده کند (متین رمضان خواه).

کارکردهای مسابقه نقاشی از نگاه صاحب نظران

به طور کلی علاوه بر شنیدن صدای دغدغه های کودکان که مهم ترین کارکرد این برنامه نیز بود، به باور صاحب نظران مسابقه نقاشی به صورت مستقیم و غیر مستقیم کارکردهای دیگری نیز دارد:

- به رسمیت شناخته شدن کودکان
- تقویت اعتماد به نفس در کودکان
- شکل دادن به چارچوب ذهنی کودکان و نهادینه ساختن توجه به شهر در کودکان
- آسیب شناسی مسائل کودکان درون خانواده و شهر
- ایجاد بستری برای اندیشه ورزی و تقویت خلاقیت در کودکان
- آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی



شهر بانو امانی

عضو کمیسیون عمران و حمل و نقل پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران



در کل دنیا هم اینطور هست که کودکان و سالمندان، حالا به طور خاص اینجا کودکان هدف ما هست، چون حق رای ندارند و به رسمیت شناخته نمی شوند و حتی در برنامه های انتخاباتی هم دیده نمی شوند، به هر شیوه و با هر ایده ای که بتوانیم حرفشان را به گوش مسئولین برسانیم، خودش قابل توجه است. یکی از روش هایی که بچه ها می توانند خواسته ها و آرزوهایشان را بیان کنند،

نقاشی هست. نقاشی هم هنری است که ماندگار است و هم از زوایای مختلف قابل تجزیه و تحلیل هست.

وقتی بچه ها با خانواده در نمایشگاه حضور دارند، حتی بچه های چهار پنج ساله احساس هویت و دیده و شنیده شدن و به رسمیت شناخته شدن بهشان دست می دهد و اعتماد به نفسشان را بیشتر می کند. به خصوص خانواده ها از سنین کودکی یاد می گیرند که به مطالبات کودکانشان توجه کنند. این یک معادله دو طرفه است، هم توجه مدیران را به خواسته های بچه ها جلب می کند و هم خانواده ها متوجه خواسته هایشان می شوند. این برنامه می تواند یک شبکه ارتباطی بین مدیران و برنامه ریزان و خانواده ها به وجود آورد. این برنامه چهار چوب ذهنی کودکان درباره شهر را شکل می دهد. من معمولاً کمربند ایمنی را مثال می زنم، تنها قانونی که در کشور نهاده شده و به یک فرهنگ تبدیل شد، استفاده از کمربند ایمنی بود. وقتی تصمیم گرفتند از کودکان در این زمینه کمک بگیرند، بچه ها هم پدر و مادر را ملزم کردند و هم خودشان یاد گرفتند. لذا اگر این را به نقاشی کودکان تسری دهیم، نقاشی کودکان هم همینطور تأثیر دارد. توجه کردن و اهمیت دادن به کودکان باعث می شود که توجه به شهر روی ذهن کودک حک شود و تبدیل به الگو شود. مثل همان قضیه ی کمربند ایمنی می شود و از همان ابتدا نهاده شده می شود.

حسن خلیل آبادی

عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران



نقاشی کودکان هشدارهایی را از شرایط جامعه، مشکلات داخل خانواده ها و نگرانی های آنان به ما منتقل می کند که در مدیریت شهری باید با مورد توجه قرار دادن این موارد در شهر دوستدار کودک، موارد مخاطره انگیز را رفع کنیم تا شهری آرام را برای کودکان رقم زنیم و احساس تعلق خاطر را در آنان افزایش دهیم.

جمال الدین اکرمی

نویسنده ادبیات کودکان و داور مسابقه



زمانی که یک اثر هنری از فضای منزل وارد جامعه می شود، برای کودک یک شگفتی خاصی دارد. حضور کودکان در کنار والدین خود در این نمایشگاه بسیار حائز اهمیت است. اینکه کودکان آثار خود را در کنار دیگر آثار مشاهده می کردند، حس و حال خاصی به نمایشگاه داده بود.

محمد جواد حق شناس

عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران



کودکان امروز از طریق نقاشی ها و ایده هایی که روی کاغذ نقش می بندد، به نوعی مسیر آینده خود را ترسیم می کنند. به طور قطع اگر بخواهیم به شهر و آینده شهر فکر کنیم، باید مبانی توجه و تأکید فکر و اندیشه صحیح و درست را روی کودکان سرمایه گذاری کنیم؛ یکی از مهم ترین ابزارها و شاید شیوه هایی که امکان اندیشه ورزی را در کودکان فراهم می کند، ایجاد بسترهای مناسب برای

پرورش استعداد های خلاقانه ای است که از پدر و مادر نشأت گرفته و مدیران شهری باید زمینه ساز رشد این استعداد ها باشند.

ابراهیم امینی

نایب رئیس پنجمین دوره شورای شهر تهران



مسابقه نقاشی کمک می کند که کودکان به مرور زمان با حقوق و تکالیف شهروندی خودشان آشنا شوند و حضور با نشاط و پر رنگی را در عرصه فرهنگی و اجتماعی شهرشان داشته باشند. در چنین شرایطی است که کودک فرصت پیدا می کند ایده های خود را نسبت به شهر محل زندگی اش به تصویر کشد و اینکه کودکان در خصوص اینکه چگونه شهرشان زیباتر شود و یا با مشکلات کمتری روبرو شوند، باعث اعتماد به نفس کودکان خواهد شد و استعدادهایشان را شکوفا خواهد کرد.

عبدالرضا گلپایگانی

معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران



بحث گفت و گوی شهر و شهروندان موضوع بسیار مهمی است که به پویایی زندگی و شادابی مردم کمک می کند. گفت و گوی شهری از طریق بسیج کردن برای واگویی آرزوهای کودکان یکی از روش هایی است که می توان پایتخت را به سمت شهر دوستدار کودک ببرد. نقاشی کودکان تابلوی آرزوهای نسل فردا است، همه باید تلاش کنیم تا آرزوهای کودکان را برآورده کنیم تا بتوانیم ایرانی سرافراز بسازیم. آثار کودکان نشان می دهد که نسل آینده شهری شاداب و سرسبز از ما طلب دارند و ما به عنوان خدمتگزاران مردم در شهرداری، باید تمام توان خود را بسیج کنیم که شهر بهتری به نسل آینده تحویل دهیم.

غلامحسین محمدی

رئیس مرکز ارتباطات و امور بین الملل شهرداری تهران



برگزاری نمایشگاهی مخصوص کودکان و استفاده از دیدگاه آنها در شهر برای مجموعه شهرداری تهران بسیار مهم است. همین که بچه ها در مورد شهر تهران نظر می دهند و اینکه دوست دارند، شهر به چه شکلی باشد و در مورد آن تصویرسازی می کنند، ما را در ساخت شهر دوستدار کودک یاری خواهد کرد.

مناف یحیی پور

نویسنده و مترجم



مسابقه نقاشی جزو بهترین ابزارها برای شنیدن صدای کودکان شهر است، ازین جهت که هم به تصویر می کشند بچه ها آنچه را که می خواهند و هم با این تصویر خودشان می توانند به نوعی آرامش برسند و هم اینکه به طور غیر مستقیم بعضی از خواسته ها و دغدغه هایشان را بیان می کنند.



فصل دو

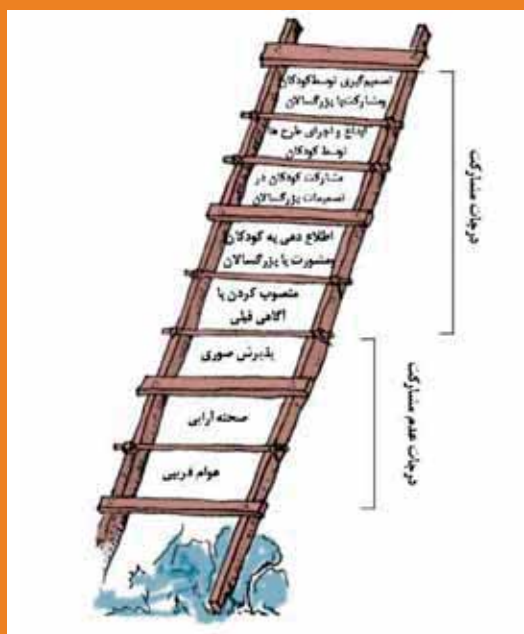
مبانی
پیشینه
مسابقه نقاشی

مشارکت کودکان

مشارکت کودک مستلزم لحاظ ظرافت هایی است که اگر در نظر گرفته نشود، می تواند آن را از معنی تهی سازد. مشارکت کودکان، مفهوم مبهمی است که گاه وجهه های عوام فریبانه به خود می گیرد و بسیاری برای موجه نشان دادن رفتار خود از آن بهره می برند. یکی از دغدغه های اصلی برگزار کنندگان مسابقه نقاشی، جلوگیری از صوری شدن مشارکت کودکان بود.

راجر هارت چهار چوب معروفی از سطوح مشارکت کودکان ارائه کرده است که با آن می توان تفکیکی میان آنچه به ظاهر مشارکت کودکان تلقی می شود و آنچه حقیقتاً کودکان در آن مشارکت دارند، ارائه کرد.

هارت از استعاره نردبان مشارکت برای نشان دادن سطوح آن بهره گرفته است که در نمودار رو به رو خلاصه ای از آن را می بینید. در سه سطح نخست که به ظاهر مشارکت خوانده می شود، هارت معتقد است هیچ گونه مشارکتی رخ نمی دهد و آنها را الگوهای عدم مشارکت می داند و در پنج سطح بعد که الگوهای مشارکت واقعی هستند به ترتیب بر میزان مشارکت کودک افزوده می شود. (هارت ۱۳۸۰: ۳۴)



سطح نخست که او به آن عنوان، عوام فریبی داده است، در شرایطی است که بزرگسالان به دلیل مقاصد و اهداف خود از کودکان استفاده ابزاری می کنند، برای مثال در تظاهرات های سیاسی از آنها استفاده می کنند. در سطح دوم به شیوه ای نسبتاً غیرمستقیم تر کودک را ابزار اهداف خود می کنند، برای مثال به وعده جایزه و هدیه، از کودک درخواست می شود که در برنامه ای شرکت کند. در سطح سوم که پذیرش صوری نام دارد، کودکان ظاهراً حق اظهار عقیده دارند؛ اما در واقع انتخاب چندانی درباره موضوع و فرصتی برای تنظیم عقاید خود ندارند. (هارت ۱۳۸۰: ۳۸-۳۳)

هارت چهارمین سطح را منصوب کردن با آگاهی قبلی می نامد. در این سطح، مسئولیت ها توسط بزرگسال تعیین می شود و شیوه انجام کار هم گفته می شود و کودک صرفاً در کاری که در آن گمارده شده است، مشارکت می کند. در سطح پنجم، بزرگسالان برنامه هایی را طراحی می کنند اما آنها را با کودکان طرح کرده و مشورت می گیرند و در نهایت

خود تصمیم نهایی را می گیرند. در سطح بعدی، مشارکت آنها در تصمیمات گرفته شده توسط بزرگسالان قرار دارد، که در آن اگرچه بزرگسالان مبتکر طرح ها هستند اما نوجوانان هم در تصمیم گیری ها سهیم اند، در یک سطح بالاتر از این کودکان هم خود مبدع طرح اند و هم اجرا کننده آن، چنانچه در بازی های خود چنین ابداع

و اختیاری را دارند و نهایتاً در بالاترین سطح کودکان تصمیم گیر، بزرگسالان را در طرح های خود شرکت می دهند، در این سطح علاوه بر اینکه ابتکار و اجرا با کودکان است، آنها برای به مشارکت طلبیدن بزرگسالان چانه زنی می کنند. (هارت ۱۳۸۰: ۴۸-۳۹)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که برای اجرای شکل ایدئال مشارکت وجود پنج عنصر را ضروری است:

۱- آگاهی دادن به کودک درباره اهداف کار

۲- مشورت کردن با آنها

۳- دادن قدرت تصمیم گیری به آنها

۴- دادن امکان ابتکار عمل و انتخاب شیوه کار

۵- به رسمیت شناختن آنها.



پروژه مسابقه نقاشی را می توان در پله چهارم مشارکت، یعنی مشارکت از طریق منصوب کردن با آگاهی قبلی قرار داد. در این پروژه سعی شده است تا با برگزاری کارگاه های مقدماتی در سه بستر کانون پرورش فکری، سرای محلات و آموزش و پرورش، آگاهی اولیه به کودکان در رابطه با شهر داده شود و به آنها اطمینان داده شود که نظراتشان شنیده می شود و به نمایش گذاشته می شود و در این فضا آنها را به طرح دغدغه ها ترغیب کند. شاید عنوان مسابقه نقاشی این تعبیر را به ذهن بیاورد که این برنامه تنها بخشی از آثار کودکان را پوشش میدهد اما تقریباً همه آثاری که معیارهای داوری (اصالت اثر، ارتباط موضوعی به فضای شهر و...) را داشتند بدون محدودیت تعداد، انتخاب و به نمایش گذاشته شدند.

در طراحی برنامه، تلاش شده است تا مسابقه، وجه پاداش محور نداشته باشد و بدین منظور تمهیدات زیر در نظر گرفته شد:

- در فراخوان و تبلیغات برنامه، هیچ تأکیدی بر جایزه محوری نشد و بیشتر سعی شد حس مشارکت بچه ها ترغیب شود.
- با تهیه یک بانک اطلاعاتی کامل، همه افراد شرکت کننده، از دست کم گواهی حضور در مسابقه برخوردار می شوند.
- علاوه بر این برای جلوگیری از امتیاز بخشی به برخی آثار به نسبت دیگر آثار، در نمایشگاه حضوری هیچ نشانه ای مبنی بر جایگاه (طلا، نقره، برنز) شرکت کننده گذاشته نشد و همه آثاری که از اصالت اثر برخوردار بودند و به مرحله نهایی داوری رسیدند بدون تفکیک در معرض عموم گذاشته شدند.

- تقدیر از برگزیدگان مسابقه بیشتر فرم نمادین فرهنگی داشت تا وجه مادی

- از سویی دیگر، کانون پرورش فکری کودک و نوجوان که یکی از همکاران اجرای این مسابقه است، به صورت مستقل به جهت تقدیر از کودکان برای آثار ارسالی از سوی کانون، نمایشگاه جداگانه ای (مهرواره) تدارک دید و تمامی آثار ارسالی به کانون را به نمایش گذاشت.

تکنیک نقاشی، فرصتی برای شنیدن صدای کودکان

تکنیک نقاشی، در کنار سایر تکنیک ها همچون مصاحبه، مشاهده، عکاسی، پیمایش، فوکوس گروپ و ... یکی از تکنیک های پر کاربرد در جلب مشارکت کودکان در پروژه های دوستدار کودک است. ویژگی و قابلیت خاص این تکنیک این است که برای تمامی سنین کودکی معنی دار است. نقاشی ابزاری است که ادراک کودکان از فضا، فعالیت هایشان، دامنه تحركاتشان درون شهر و مکان های دوست داشتنی یا دوست نداشتی از نگاه آنها را نشان می دهد و ترجیحات و عدم ترجیحات کودکان را به خوبی عیان می سازد.

نقاشی می تواند تکنیکی در کنار تکنیک مصاحبه فردی باشد یا خود مستقلاً به عنوان یک فعالیت تعریف شود. این تکنیک یکی از درگیر کننده ترین شیوه های گردآوری اطلاعات است که به خصوص برای شروع جلب مشارکت کودکان، می تواند فضا را تسهیل کند و اصطلاحاً یخ شکن است و در ادامه می توان با بهره بردن از این آماده سازی فضا، مصاحبه ها و فعالیت های بیشتری را با کودکان تعریف کرد (Edmonton:2017). با این حال نقاشی اگر بخواهد به تکنیکی کارآمد بدل شود باید نکات زیر را در بر گیرد (همان):

- **در هدف گذاری:** هدف از نقاشی در درجه نخست باید درگیر کردن کودکان در فعالیت خلاق و شاد باشد و در درجه بعد جلب ایده ها، دیدگاه ها و پایگاه اطلاعاتی بصری برای فهم زوایا و ابعاد مختلف فضای محلی و شهری هدف قرار گیرد.
- **در پیشینه سازی مشارکت:** توضیح کامل درباره فعالیت داده شود، در فرایند نقاشی مداخله صورت نگیرد، زمان و امکانات کافی به کودک داده شود، به همه نقاشی ها به یک اندازه ارزش داده شود، مالکیت نقاشی ها به خود کودکان داده شود، به کودک احساس احترام داده شود.
- **در فرایند اجرا:** آثار کودکان تحلیل و به بحث گذاشته، کپی و ذخیره شود.

پیشینه مسابقه نقاشی

در طراحی مسابقه نقاشی، تجربیات دیگر مسابقات نقاشی و هنری دنیا مورد مطالعه قرار گرفت. یکی از قدیمی ترین فستیوال های نقاشی جهانی در حوزه شهر، جشنواره نقاشی سازمان جهانی هبیتت (وابسته به سازمان ملل) است. این جشنواره از سال ۲۰۰۳ تا کنون هر ساله برگزار می شود و هر دوره، یک موضوع شهری انتخاب می کند. برای مثال موضوع جشنواره در سال ۲۰۱۹ «ایده هایی برای بهتر کردن شهر»، در سال ۲۰۱۸ «شهر ما و آب»، در سال ۲۰۱۴ «شهری برای همه» و در سال ۲۰۱۳ «حمل و نقل عمومی مناسب برای همه در شهر» بود.^۱

از دیگر سو از تکنیک نقاشی در پروژه های مختلف شهرهای دوستدار کودک در کشورها برای شناسایی نیازها و دغدغه های کودکان استفاده شده است. یکی از بارزترین نمونه ها کشور نیپال است. در این کشور در قالب باشگاه های کودکان (bal bhehas) که جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر در آن عضو هستند، کودکانی از گروه های سنی ۸ تا ۱۸ سال در سه سطح سنی در جلسات آن شرکت می کنند و در آن به کمک یک تسهیل گر و با استفاده از سه تکنیک در نقاشی، دغدغه ها شناسایی می شود. تکنیک نخست، نقاشی پسندها و ناپسندها^۲ در فضای شهری است و در آن کودکان یک نقاشی از وضع موجود نامطلوب و یک نقاشی از وضع ایدئالشان می کشند. تکنیک نقاشی بعدی، تکنیک نقشه ریسک^۳ منطقه است و در آن نقاط امن و پر خطر محل سکونت را ترسیم می کنند و در نهایت تکنیک چشم انداز^۴ که در آن آینده مطلوب خود را ترسیم می کنند.

علاوه بر مسابقات و فستیوال های نقاشی که مشخصاً با موضوع شهر برگزار شده اند، پروژه مسابقه نقاشی از تجربیات مسابقات نقاشی جهانی غیر شهری نیز در برنامه ریزی و الگو سازی استفاده کرده است. مسابقه جهانی نقاشی کودکان در ژاپن با عنوان IQA که با محوریت محیط زیست جهانی زیر نظر یونیف سالانه برگزار می شود، یکی از مسابقات نقاشی معتبر و قدیمی کودکان در دنیاست و از ۱۹۹۹ تا کنون ۲۰ بار برگزار شده است و کودکان رده سنی ۷ تا ۱۵ ساله را از سراسر دنیا (بیش از ۸۸ کشور)، در پروژه درگیر کرده است.^۵

قدیمی ترین مسابقه هنری کودکان در سطح جهانی، نمایشگاه بین المللی هنر های زیبای کودکان و نوجوانان (ICEFA Lidice) در کشور چکوسلوواکی است که برای بزرگداشت کودکان قربانی نازی های آلمانی و همه کودکان جنگ زده در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد و بیش از ۴۹ دوره، مسابقه هنری برای کودکان ۴ الی ۱۶ ساله در سطح جهانی برگزار کرد که با استقبال بیش از ۷۰ کشور رو به رو بود. موضوع مسابقات بر اساس پیشنهاد یونیف، یکی دغدغه های جهانی کودکان انتخاب می شود و از انواع تکنیک های هنری اعم از نقاشی در آن استفاده می شود.^۶

Image 1 Like/dislike drawing



Image 2 Visioning tool



1-https://www.fukuoka.unhabitat.org/gallery/art_2019/index_en.html

2-like/dislike drawings

3-risk mapping

4-visioning tool

6-<https://childrens-drawing.com/en/index.html>

7-<https://www.mdv-lidice.cz/en/>



مروری بر عملکرد مسابقه نقاشی در سال ۱۳۹۸

چنان که گفته شد مسابقه نقاشی شهرداری تهران با عنوان «شهری که من دوست دارم» در سال ۱۳۹۸ و «شهری که من دوست دارم» (از پشت پنجره خانه مان) بیستم» در سال ۱۳۹۹ برگزار شد و در هر دو دوره ۱۱ گروه سنی از ۴ تا ۱۴ سال به عنوان مخاطب برنامه دعوت به مشارکت شدند. در سال نخست اجرای مسابقه، شورای کودک متشکل از فعالان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و صاحب نظران حوزه های هنر و ادبیات کودکان و نوجوانان برنامه ریزی پروژه را بر عهده داشت.

در روند گردآوری آثار، با توجه به اهمیت آگاه سازی کودکان در رابطه با موضوع شهر و شهروندی، مجموعه کارگاه هایی در کانون پرورش فکری، سراهای محلات و مدارس توسط تسهیلگران برگزار شد. تسهیلگران توسط دبیرخانه مسابقه درباره روند جلب مشارکت کودکان در طول فرایند کشیدن نقاشی آموزش دیدند و برای هر منطقه ای جداگانه یک جلسه گذاشته شد (۲۲ جلسه) و نماینده های مربیان مناطق آموزش دیدند و در نهایت این نماینده ها برای مربیان مناطق کارگاه گذاشتند. در کارگاه های کودکان سعی شد از طریق قصه گوئی درباره شهر ذهن کودکان آماده شده و فضایی برای طرح سوالاتی درباره ی ماهیت و چیستی شهر، مشکلات کودکان و علائق و عدم علاقه مندی هایشان باز شود و پس از آن از کودکان خواسته شد تا بر اساس این گفت و گو ها تصویرشان از شهر ایدئالشان را بکشند.

۴۴۰ مربی در ۳۵۲ سرای محله در یک دوره برای کودکان کارگاه نقاشی با محوریت شهر گذاشتند و در طی این فرایند نقاشی های کودکان گردآوری شد. در کانون پرورش فکری نیز بیش از ۵۰ کارگاه در مراکز این نهاد در نقاط مختلف شهر برگزار شد.

در نهایت با اتکای بر کارگاه ها و تبلیغات شهری و رسانه ای، ۹ هزار و چهارصد اثر برای دبیرخانه مسابقه ارسال شد و در این میان ۵۱ اثر در روند پروسه داوری برگزیده شد اما با توجه به لزوم شنیدن ایده های کودکان، تعداد آثار نمایشگاهی سه برابر تعداد آثار برگزیده (۱۴۰ اثر) بود.

معیار های داوری عبارت بودند از: توجه کافی به موضوع مسابقه، تازگی در نگاه و زاویه دید، ترکیب بندی خوب، توجه به گوناگونی نمادهای شهری، کپی نبودن اثر و کمک نگرفتن از بزرگترها در کشیدن نقاشی، رعایت اصول زیبایی شناسی تصویری در خلق اثر، توجه به انسان به عنوان نماد اصلی شهرنشینی، طرح ایده های درخشان و بازنمایی شهر آرمانی، بومی بودن اثر یا نزدیک بودن به عناصر بومی.

در مرحله تحلیل آثار، نشانه شناسی کمی صورت گرفت و به ترتیب مهم ترین ایده های خلاق عبارت بودند از: ماشین پرنده برای حل مشکل ترافیک؛ مترو روگذر و کارخانه جذب دود. از میان نکات مورد توجه کودکان مهم ترین ها عبارت بودند از: دوچرخه سواری با دوچرخه نارنجی، شهر و ساختمان های رنگی، شهر و خانه های تمیز، گیاهان سرسبز و گل های فراوان، حوض و آب، توجه به حیوانات (و در مواردی ترس از گربه های خیابانی)، زندگی شبانه در تهران، مردم و خانواده های شاد و مهربان، پارک در نزدیکی خانه، آسمان آبی و هوای پاک (با نبودن خودرو)، کودکان کار، دستفروشان در مترو، سیگار نکشیدن، توجه به معلولان، سالمندان و کودکان و تردد آنها در شهر، کمک به رفتگران برای نظافت شهر، طبیعت اطراف تهران و گرانی در تهران در فاز اجرایی سازی ایده ها در سال گذشته، چند اقدام صورت گرفت: نخست اکران شهری آثار برگزیده بود که به مناسبت هفته کودک و در زمان ۱۵ تا ۲۱ مهرماه، ۱۴۰ اثر در ۲۴۸ تابلوی شهری در سطح شهر تهران و در مناطق ۲۲ گانه اکران شدند. این اکران شهری، برای نخستین بار آثاری از کودکان و نوجوانان را به عنوان شهروندان تهرانی، در سطح شهر و در معرض دید عموم قرار می داد.

در حوزه استمرار مشارکت کودکان پارسال با پایان مسابقه نقاشی عملاً جامعه درگیر کرونا شد و به نوعی همه تحت تاثیر قرار گرفتند و ارتباط مستمر با کودکان در ادامه دچار مشکل شد اما با توجه به گسترش تجربیات در فضای مجازی، امسال این خلأ جبران خواهد شد.

کارگاه آموزشی کودکان





اگران
شهری

فصل سه

بررسی عملکرد
مسابقه نقاشی
سال ۱۳۹۹

در سال دوم اجرای مسابقه، با توجه به شیوع کرونا، شورای کودک عنوان «شهری که من دوست دارم (از پشت پنجره خانه مان) ببینم» را برای مسابقه انتخاب کرد. مراحل اجرایی مسابقه نقاشی را می توان به نه مرحله تقسیم کرد:



طراحی و برنامه ریزی

طراحی و برنامه ریزی اولیه مسابقه نقاشی در اداره کل آموزش شهروندی در شورای کودک و نوجوان اداره صورت می گیرد. اعضای این گروه ۵ الی ۶ نفره (کسانی چون آقای طوفانی، آقای نوروی، خانم آذرووش) متشکل از رشته های مختلف روانشناسی کودک، هنر کودک، رسانه و ادبیات کودک هستند و هر سال می کوشند جشنواره به نحوی برگزار شود که مصداق کامل مشارکت کودک باشد.

طراحی عنوان این دوره مسابقه، با توجه به شرایط کرونا، به گونه ای بود که فرصتی برای طرح بسیاری از دغدغه های کودکان هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی فراهم می کرد و صرفاً شاهد دیدگاه کودکان درباره فضای شهر، کوچه و محله شان نبودیم، بلکه مسائلی از درون خانه و اتاق کودکان هم به چشم می آمد.

اطلاع رسانی

■ استراتژی های اطلاع رسانی

اطلاع رسانی امسال به دلیل شرایط کرونا با گذشته متفاوت بود. در سال گذشته مدارس و کتابخانه های کانون پرورش فکری و از همه مهم تر سراهای محله و کانون های کودک شهرداری که یک شبکه گسترده را در شهر سامان می داد، فضاهایی بودند که از طریق آنها مسابقه اجرایی شد و در آنها با تشکیل اجتماعات کودکان و تشویق مربیان و کودکان به تفکر و نقاشی کشیدن درباره شهر، آثار ارزشمندی گردآوری شد اما امسال با توجه به شرایط کرونا استراتژی تبلیغاتی تغییر کرد.

بنابر اظهارات مدیران اجرایی برنامه امسال در حوزه اطلاع رسانی و گردآوری، از پنج ظرفیت استفاده شد:

۱. **نخست از ظرفیت تبلیغاتی شبکه های اجتماعی پر طرفدار هنرمندان:** این شیوه از اطلاع رسانی یکی از ابتکارات اطلاع رسانی در این دوره بود و در جلب نظر کودکان تأثیر زیادی داشت و با استفاده از این ظرفیت تبلیغ گسترده ای در شبکه های اجتماعی انجام گرفت. بسیاری از هنرمندان مانند احسان کرمی و هوتن شکیبا، مهتاب کرامتی، لیلی رشیدی، الهام پناه نژاد شخصاً اطلاع رسانی کردند و خیلی دیگر از هنرمندان فراخوان و پوستر جشنواره را اطلاع رسانی کردند.

۲. **دوم ظرفیت رسانه ملی:** از طریق تعاملی که با شبکه ۵ صورت گرفت (البته تعامل من باب تخفیف بود و رایگان این اتفاق نیفتاد)، تیزر برنامه در نوبت های متنوعی در شبکه ۵ پخش شد و به نظر میرسد نقش بسیار زیادی در دریافت آثار داشت.

۳. سوم ظرفیت نهاد های آموزشی مانند شبکه شاد آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودک و نوجوان و آموزشگاه های

آموزش نقاشی آنلاین: یکی دیگر از استراتژی های اطلاع رسانی استفاده از بسترهای شبکه های اجتماعی که بچه ها در آن وجود دارند بود که مهم ترین بستر شبکه شاد بود و بر اساس تعاملی که با آموزش و پرورش شهر تهران صورت گرفت، تبلیغات مسابقه نقاشی و فراخوان مسابقه نقاشی در آنجا به اشتراک گذاشته شد. علاوه بر این در مراکز کانون پرورش فکری در سطح شهر و آموزشگاه های آنلاین آموزش نقاشی تبلیغات مسابقه منتشر شد.

۴. چهارم تبلیغات شهری: امسال شیوه تبلیغات شهری، استفاده از نصب پوستر در اماکن پر تردد مثل مترو، ایستگاه های اتوبوس و مواردی از این قبیل بود. با این حال به نظر می رسد این شیوه ها خیلی نمی توانند تأثیر بگذارند، به این دلیل که بچه ها در شهر تردد نداشتند و در یک پوستر و در یک نگاه خیلی نمی شود مفهوم مسابقه را رساند.

۵. پنجم ارتباط مستقیم با کودکان: از طریق تماس تلفنی مربیان کودکان در مناطق با خانواده های کودکانی که پارسال در مسابقه شرکت کرده بودند، گروهی از کودکان ترغیب شدند که حضور مجدد داشته باشند.

■ مخاطبان و نامخاطبان برنامه:

بر اساس اهداف مسابقه و مطالعه تجربیات پیشینی مسابقات نقاشی و هنری در جهان، کودکان در گروه سنی ۴ تا ۱۴ ساله به عنوان گروه هدف انتخاب گردیدند:

- در این گروه سنی نقاشی برای کودکان جذاب تر است و بیشتر به آن علاقه دارند، گروه سنی پایین تر شاید مفهومی از شهر و نقاشی به آن صورت نداشته باشند و گروه سنی بالاتر هم معمولاً سبک و سیاق نقاشی شان به سمت تخصصی تر شدن می رود و دیگر شاید نشود جنبه آماتوری به آن ها داد، در گروه سنی بالاتر کودکان حرفه ای می شوند و با گروه های سنی قبل تفاوت زیادی پیدا می کنند.

- پیشینه مسابقات نقاشی که در خارج از کشور برای مثال مثل نقاشی چک و مسابقه نقاشی ژاپن که یکی از قدیمی ترین مسابقات نقاشی دنیا هستند، معمولاً روی همین بازه سنی حالا با یکی دو سال اختلاف بالا و پایین کار می کنند.

از میان گروه های خاص کودکان، امسال بخش ویژه معلولین به نام بخش کودکان با نیازهای ویژه طراحی شد. در این بخش به طور خاص از ظرفیت کانون پرورش فکری و سازمان استثنایی استفاده شد که دسترسی بیشتری به این کودکان دارند. اگرچه تعداد آثار ارسالی به نسبت سایر گروه ها کم بود ولی کیفیت آثار خیلی خوب و راضی کننده بود.

با این حال در خصوص کودکان مهاجر و کودکان کار امسال برنامه ی خاصی طراحی نشد و به باور مجریان پروژه علت آن در این بود که در خصوص کودکان مهاجر و کودکان کار، شاید دسترسی به آنها برای اینکه در این حوزه بتوانیم صحت اطلاعات را دقیق بسنجیم و مطمئن شویم نسبت به دسته بندی این ها که کودک کار هستند یا کودک مهاجر، نیاز به ارتباط با مدارس، سازمان های مردم نهاد و کانون هایی که این تیپ بچه ها را نگهداری می کنند، داشت که بحث کرونا این امکان را به ما نداد (آ. دانشور).

آگاهی بخشی و گفت و گو**■ فرایند مهمتر از نتیجه**

در پروژه مسابقه نقاشی، فرایند دعوت و ترغیب کودکان به مشارکت، بیش از نتیجه کار اهمیت دارد. در این پروژه تأکید بر این است که مشارکت معنادار باشد و نقاشی ها در نتیجه یک فرایند مشارکتی تولید شود و جلب مشارکت و اخذ نظر از کودک فرایندی پیچیده و طولانی مدت است:

کودک به مانند بزرگسال نمی تواند به راحتی نظر خود را در هر زمینه ای بیان کند، نیاز به مقدمه چینی و ایجاد فضایی داریم که کودک در آن احساس فشار نکند و با علاقه و عشق درگیر مشارکت شود. از دل این شیوه از جلب مشارکت است که ایده های خوبی از کودکان گرفته می شود. به همین خاطر در پروژه مسابقه نقاشی معمولاً برای مربی های کودکان کارگاه هایی گذاشته می شود و آنها را نسبت به موضوع آگاه می کنند. آگاه سازی کودک و مربی از اینکه این موضوع چیست، به چه می خواهد پرداخته شود؛ تا بتوانند ذهن کودک را به سمت دغدغه هایش ببرند و فکر



و ذهن کودک برای اینکه بخواهد ایده هایش، چیزهایی که دوست دارد یا ندارد را رسم کند، آماده کند (خ. مؤذنی)

من همیشه می گویم جشنواره خودش خیلی مهم نیست، اندیشه‌ای که برای بچه‌ها ایجاد می کند خیلی مهم است و رقابت که شکل سالمی پیدا کند و دیگر اینکه جشنواره مفهوم آن آماده شدن قبل از جشنواره است، من فاصله بین جشنواره ها را خیلی مهم تر از خودجشنواره می دانم؛ یعنی مثلاً بین جشنواره سال گذشته و امسال باید کارگاه‌های مختلفی به وجود آید، آمادگی ایجاد شود که بچه‌ها بهترین بازخورد را داشته باشند اما معمولاً نهادهای ما مقطعی عمل می کنند و آن را موضوع و تلاش همیشگی نمی بینند و به همین خاطر فرایند کار را جدی نمی گیرند (آ. اکرمی).

■ کارگاه های برگزار شده

کارگاه های مسابقه در دو فضا به اجرا در آمدند، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شبکه شاد آموزش و پرورش تهران:

۱. کارگاه ها و ورکشاپ های مجازی مسابقه در ۵۳ مرکز کانون پرورش فکری در سطح شهر برگزار شد. این ۵۳ کارگاه هر کدام حداقل در یک دوره سه جلسه ای (سه هفته) به صورت مجازی اجرا شدند و هر کارگاه حداقل بین ۱۲ تا ۱۵ نفر عضو داشتند ولی چون کارگاه ها امسال مجازی بودند، ممکن بود ۳۰ نفر عضو هم بپذیرند. بنابر این دست کم بین ۶۵۰ تا ۷۰۰ هنرجو در کارگاه های مرتبط با مسابقه نقاشی در کانون شرکت کردند. خروجی این کارگاه ها حدوداً ۲۳۲ کار شد که از این تعداد ۱۰ اثر از فراگیر بود. این کارگاه‌های کانون تفکرمحور بوده و مربیان کانون پرورش فکری که هر کدام بالای ۱۵ سال سابقه کار دارند و برای هر نوع موضوعی معمولاً توان آموزش خوبی دارند، علی رغم مجازی بودن کارگاه ها به خوبی توانستند آنها را برگزار کنند. (خ. حاتمیان).

۲. از طریق پلتفرم شاد نیز، ۱۷۰۰ کارگاه برای کودکان شهر تهران برگزار شد و در تعاملی که با آموزش و پرورش وجود داشت تبلیغات و فراخوان مسابقه نقاشی و همچنین کارگاه‌هایی با این مضمون در شبکه شاد برگزار شد. کارگاه‌هایی که در آن در خصوص شهر و شهروندی با کودکان گفت و گو شد و فضایی برای مسئولیت پذیری کودکان در قبال شهر به وجود آمد و خروجی آن ورک شاپ‌ها که در قالب ویدئوهای ضبط شده بود، نقاشی‌هایی بود که به دبیرخانه ارسال شد (آ. دانشور).

گردآوری

در این دوره از مسابقه نقاشی به دلیل شرایط خاص بیماری کرونا، تغییراتی در شیوه گردآوری آثار به وجود آمد که عبارت اند از: (آ. دانشور)

■ دیجیتال شدن شیوه گردآوری آثار:

امسال به دلیل شرایط ویژه کرونا در شیوه گردآوری آثار تغییر اساسی به وجود آمد که بر خلاف سال گذشته، همه شرکت کنندگان در مرحله نخست، آثار را به صورت دیجیتال ارسال کردند و این ارسال از طریق سامانه‌ای که در «تهران من» و «تهران دات آی آر» تعبیه شده بود، انجام می گرفت و کودکان نقاشی های خود را آنجا بارگذاری کرده و مشخصات خود را پر می کردند. در نهایت آثاری که به مرحله دآوری نهایی برسد، نیاز به جمع آوری اصل آثار دارد. برای جلوگیری از تکرار در آثار یکی از گزینه‌ها این بود که کد ملی تکراری نباشد و با لحاظ این نکته می توان با تقریب ۹۹ درصد گفت که آثار متعلق به کودکان با کد های ملی جداگانه است. این شیوه اگرچه ارسال کار را برای شرکت کنندگان راحت تر کرد اما در فرایند ادامه کار، شرایط سخت تری به وجود آورد.



■ بارگذاری فردی به جای بارگذاری دسته ای:

شیوه ارسال و بارگذاری آثار به صورت فردی بود و تنها حوزه ای که کارها به صورت دسته ای می توانست بارگذاری شود حوزه مدارس و سامانه شاد بود. از مجموع ۱۴ هزار کار حدود ۱۷۰۰ کار از سامانه شاد به دست ما رسید که کارها را به صورت گروهی و کلاسیک ۲۰ تا ۳۰ نفر جمع آوری کرده بودند.

■ آمار آثار ارسالی (رشد بیش از ۵۰ درصدی نسبت به سال گذشته)

سال گذشته از ۹۴۰۰ کار بیش از ۶۰،۶۵ درصد کارها را از سرای محلات جمع کردیم ولی امسال این پاتوق ها نبود و برداشتم این بود که شاید آن تعدادی از بچه ها که پارسال می خواستند کار را پست کنند اگر امسال بخواهند از طریق سامانه ای که ترتیب شده بود کار را بفرستند به ۳،۴ هزار نفر با رشد منطقی برسد، ولی این رشد ما را شگفت زده کرد. امسال رشد بیش از ۵۰ درصدی نسبت به سال گذشته در دریافت کار داشتیم. پارسال ۹۴۰۰ اثر جمع کردیم امسال ۱۴۸۷۴ اثر جمع کردیم و علاوه بر این ۶۰۰ اثر هم بعد از تاریخ ارسال شده بود و در مجموع به ۱۵۲۰۰ اثر رسید.



داوری

در دوره دوم، هیئت داوران در سه مرحله آثار را داوری کردند و از میان ۱۴ هزار و هشتصد و هفتاد و چهار اثر ارسالی برای دبیرخانه، ۱۷۰۰ اثر وارد مرحله داوری دوم شد و از آن میان، ۲۰۳ اثر به مرحله نهایی راه پیدا کردند و در این میان ۹۹ اثر حائز مقام در سه سطح طلا، نقره و برنز و ۱۰۲ اثر به منظور اکران نمایشگاهی منتخب گردیدند.

■ مراحل و مشخصات داوران

داوری آثار در سه مرحله صورت گرفت که بدین شرح است:

در مرحله داوری اولیه که هیئت انتخاب است، کارها سنجیده می شود و جدا از اینکه کارها باید کیفیت حداقلی به لحاظ فنی داشته باشند، کارها توسط مربیان بیشتر در اینجا بررسی می شود. یک ارزیابی می شود که کار کودک هست یا نیست و با توجه به تجربه، اصول و فراخوان هم دقت می شود که بازه سنی حفظ شده باشد. اینجا یک تعداد از کارها حذف می شود مرحله دوم داوری باز توسط هیئت انتخاب هست که کارها مجدداً جدی تر بررسی می شود و کارهایی که انتخاب شود، وارد مرحله نهایی هیئت داوران می شویم که کاملاً تیم متفاوتی است، ترکیبی از نویسندگان کودک و نوجوان و اساتید آموزش نقاشی به حوزه کودکان و تصویرگر هستند که یک هیئت داوری ۵ نفره را تشکیل می دهند که کار داوری نهایی را انجام می دهند (آ. دانشور).

ترکیب داوران در مرحله اول و دوم بدین صورت بود:

دوستانی زیادی در داوری مرحله نخست کمکمان کردند که بیشتر کارشناس نقاشی کودک بودند. ۵ نفر داور در مرحله نخست داوری بودند: اسمهایشان هم خانمها معصومه فاضلی، مهناز ابراهیم پور و خانم حاتمیان، خانم حدیثه قربان و بنده (آ.اکرمی)

و ترکیب داوران در مرحله داوری نهایی بدین شکل بود:

ما سعی کردیم در داوری نهایی، گروه داوران طیف متفاوت تری نسبت به سال گذشته داشته باشیم. ما از یک تصویرگر کمک گرفتیم (خانم قربان)، چون خیلی از تصویرهایی که فرستاده می شود برای خودش شکل موضوعی دارد و روایت در آن هست و جزئیاتی دارد که بچه برای خودش موقع کشیدن، داستانی را سرهم کرده یا یک صحنه ای را مجسم کرده که تصویرگر می توانست به ما خیلی کمک کند. از یک نویسنده و شاعر به نام خانم اتوسا صالحی کمک گرفتیم به این جهت که یک دید متفاوت تری داشته باشیم؛ یعنی خیلی از کارها هست تم شاعرانه دارد و یک جوری آدم فکر می کند بچه توانسته از تجسم بیشتری استفاده کند و یک حس روایی به آن بدهد. وقتی روایت پیش می آید با تصویرگر و نویسنده ارتباط برقرار می کند. یک شخصیت دیگر ایرج طهماسب بود به عنوان یک کسی که با کودک ارتباط دارد و ممکن است ما با نقاشی کودک آشنا نباشد ولی دوست داشتیم یک نگاه بیرونی هم به موضوع داشته باشیم.



داوری





جناب آقای بنی اسدی است، هم نقاش هم تصویرگر هستند. حوزه کاری بنده (آ.اکرمی) هم کارشناسی نقاشی کودک و نویسندگی ادبیات کودک است که در کانون پرورش فکری هستیم. در زمینه نقاشی کودک سعی کردیم یک ارتباطی ایجاد کنیم که از جهت جنسیت خیلی تفاوت بین حضور زن و مرد نداشته باشد در این مورد تبعیضی قائل نشده باشیم. تلاش کردیم طیف‌های مختلف در دایره‌ی باشند و فقط به عنوان کارشناسان نقاشی کودک استفاده نکرده باشیم. (آ.اکرمی)

با این حال به نظر میرسید که بهتر بود در ترکیب داوران، یک کارشناس از حوزه‌های مرتبط با موضوع، برای مثال حوزه‌های جامعه‌شناسی شهری یا برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی حضور می‌داشت:

شاید بهتر بود که از حوزه‌های مرتبط با شهر یک کارشناس حضور می‌داشت، اگرچه در ترکیب فعلی داوران سعی کردیم حوزه‌های متنوعی را پوشش دهیم اما بودن فردی از حوزه‌های شهری می‌توانست کمک کند تا ایده‌ها و دغدغه‌هایی که از نگاه ما دیده نمیشد هم بررسی شود، با این حال خوب است در تحلیل و بررسی آثار حتماً از این حوزه‌ها استفاده شود (آ.اکرمی).

■ معیارهای داوری

معیارهای داوری مسابقه امسال را در هفت عنوان می‌توان خلاصه کرد:

۱. توجه به درونمایه‌های شهر و پنجره

۲. زیبایی‌شناسی اثر در ترکیب‌بندی و اجرای تکنیک

۳. عدم دخالت والدین و نزدیکان در خلق اثر

۴. کپی نبودن اثر

۵. متفاوت بودن در زاویه دید:

المان‌های شهری ما در درجه اول شامل انسان‌ها، ساختمان‌ها، وسایل نقلیه، طبیعت، مراکز آموزشی، مراکز خرید، مراکز تجمع و مراکز هنری است. ببینید در المان‌های شهری چقدر تنوع داریم؛ پارک بازی، شهربازی داریم. بیشتر بچه‌ها متوجه نیستند المان‌های شهری در نقاشی‌هایشان می‌تواند کنار هم باشد، مثلاً از پنجره که نگاه می‌کند طبیعت، بازار باشد یک وانتی ببیند یک گاری رشتی ببیند. چیزهای خیلی معمولی که در کوچه و محله‌ها دیده می‌شود، چون گفت‌وگو و کارگاه نیست ذهن و زاویه دید بچه‌ها خیلی بسته می‌شود و به چیزهای عامی فکر می‌کنند که بیشتر تجسمی و محدود است. مثلاً کودکی که کارت پنج نفرمان را گرفت کودکی بود که بخشی از پل عابر پیاده را کشیده بود و آدم‌هایی روی آن بودند، همه ما به خاطر نگاهش به او کارت دادیم؛ یعنی نیامده بود در شهرش مبالغه کند و عناصر ناآشنا را بگنجانند او شهرش را آن‌طوری دیده بود که واقعاً تجربه می‌کند. زاویه دید کودک خیلی اهمیت پیدا می‌کند که نشانه‌گذاری در اثر هنری‌اش تکراری نباشد و از زاویه تازه به آن نگاه کرده باشد (آ.اکرمی).

۶. توجه به عناصر بومی:

بیشتر بچه‌ها المان شهر تهران را برج میلاد گرفته بودند که ممکن بود حتی ساکن تهران نباشند. مثلاً از حاشیه تهران باشند، تهران مجموعه‌ای از حاشیه‌نشین‌ها است که آن‌ها هم ویژگی خودشان را دارند. حاشیه شهر تهران اسلامشهر، بهارستان، شهر قدس را دارد و خیلی از جاها هستند که در این حواشی متصل به تهران و جزء شهرداری تهران حساب می‌شوند ولی همه آن‌ها می‌آیند المان را برج آزادی یا برج میلاد می‌گیرند یا عناصری که در مرکز شهر دیده می‌شود. ما خیلی مایل بودیم که بچه‌ها یکسری فضاهای نزدیک به زندگی خودشان را هم در تصویر بیاورند؛ یعنی تهران فقط برج آزادی و برج میلاد نیست. فضایی که نزدیک خودشان است برای ما جذاب‌تر بود، به همین جهت عناصر بومی را را لحاظ کردیم (آ.اکرمی). در خیلی از آثار بچه‌ها، عناصر غیر بومی و کلیشه‌ای استفاده شده بود. برای مثال خیلی‌ها از تصاویری که در فضاهای مجازی هست تأثیر پذیرفته بودند، دختری کنار پنجره نشسته و دارد قهوه می‌خورد، این نشستن لب پنجره و خوردن قهوه مشکلی نیست چند المان دارد که ما را لو می‌دهد: یکی اینکه دختر با کفش نشسته و پوتین زمستانی دارد. ما معمولاً در فرهنگمان با کفش در خانه راه نمی‌رویم. دوم اینکه پشت سرشان یک مخته‌مانند است رویش گریه نشسته است که تقریباً اکثر این گریه‌ها یکسان نشسته‌اند. اصلاً خود این سیستم و مجموعه خیلی در فرهنگ ما نیست. وقتی تکرار می‌شود و شباهت‌هایی نزدیک به این هست معلوم است تصویر بیرونی بوده و روی بچه‌ها تأثیر گذاشته است (آ. بنی اسدی).

۷. خیال انگیز بودن و خلاقیت در اثر:

ما به همان اندازه که به نقاشی‌های واقع‌گرا اهمیت می‌دادیم به این اهمیت دادیم که کودک به خیال خودش مراجعه کند و شهر رؤیایی خودش

را بکشد. ما تصور می‌کنیم خیلی از بچه‌ها شهر را نمی‌شناسند. اینکه از خانه بیرون بروند و مناطق مختلف شهری را ببینند خیلی از بچه‌ها این را ندیدند در نتیجه می‌آیند شهر را بر اساس رؤیای خودشان و چشم‌اندازی که برای آینده می‌بینند ترسیم می‌کنند این هم برای ما با ارزش است. ما در داوری سعی کردیم هر دو نکته را توجه کنیم؛ یعنی هم پل هوایی که مثال زدم و یا شهری که ایده‌آل کودک است و تصور می‌کنیم بچه حق دارد کیفیت شهر خودش را خودش تجهیز و با آینده چک کند (آ. اکرمی).

■ کیفیت فرایند داوری

کیفیت فرایند داوری را از دو جهت می‌توان خیلی خوب ارزیابی کرد:

۱. نظم در دسته بندی آثار

یکی از بهترین اتفاقات این نمایشگاه از مرحله‌ی اول داوری تا روز افتتاحیه نمایشگاه، نظم و انضباط آن بود. بسیار برای من لذت‌بخش بود تمام آثار با گروه سنی‌های مشخص برای تیم داوری آماده‌سازی شده بود و در روز داوری نهایی نیز همکاران دبیرخانه همراه و همدل ما بودند در ثبت آثار برگزیده و دیگر اقدامات لازم. با اطمینان می‌تونم بگم با توجه به تعداد بالای آثار نقاشی رسیده به دبیرخانه حق هیچ اثری پایمال نشد به علت فراهم کردن شرایط خوب و منظم و دقیق داوری (خ. قربان).

۲. مشارکتی بودن و هم افزایی در داوری

کیفیت داوری جالب بود از این نظر که جداجدا هر کدام از داورها رأی و نظرشان را دادند و باز در جلسه‌ای نقاشی‌هایی که به مرحله آخر راه یافته بودند و امتیازات بالایی داشتند را توانستیم از نزدیک ببینیم و همه داوران رأی و نظر خودشان را می‌دادند و گفت و گو می‌کردند و از بین آن‌ها کاری که امتیاز بالاتری می‌آورد انتخاب می‌شد (خ. صالحی).

بودن داوران کنار هم این حسن را دارد که هر کس به نکته‌ای اشاره می‌کند و بقیه را متوجه برداشت خود می‌کند مثلاً یک کاری بود که با گفت‌وگو باعث شد دیگران به آن رأی بدهند. یا برعکس کاری بوده که خیلی جذاب بوده کارت زیادی به آن تعلق گرفته ولی یکی از داوران آمد گفت من عین این را قبلاً دیدم و سند آورده و ما را مجاب کرده که در این کار یا دست بزرگ‌تر رفته یا از چیزی گرفته شده است و در نتیجه کارت‌ها از روی تصویر برداشته می‌شد! گفت‌وگوی داوران باعث می‌شود زاویه دید تازه‌ای برای بقیه به وجود آید (آ. اکرمی).

با این حال امسال به دلیل مجازی بودن ارسال آثار و شرایط به وجود آمده به دلیل کرونا، دو مشکل در راه داوری به وجود آمد، مشکل نخست ازدیاد آثار بود و در درجه بعد دسترسی نداشتن به اصل آثار در داوری:

ارسال مجازی آثار برای بچه‌ها خیلی راحت‌تر است نیاز به پست کردن و هزینه کردن نیست و همین عامل باعث می‌شد خیلی از نقاشی‌هایی که ربطی به موضوع نداشت فرستاده می‌شد و به همین دلیل حجم کار بالا می‌رفت و اینکه شما بخواهید کارهای کیفی را بیرون بکشید نیازمند به یک بازنگری بیشتری بود و وقت بیشتری لازم داشت و کار را مشکل می‌کرد. علاوه بر این وقتی اصل آثار دست شماست جذابیت بیشتری دارد و با دقت بیشتری نگاه می‌کنید؛ یعنی با لذت بیشتری نگاه می‌کنید. خیلی از کارها و عکس‌ها چون مجازی و عکس گرفته شده بود و فرستاده شده بود، کیفیت خوبی نداشت و باعث می‌شد تا حد زیادی نادیده گرفته شود یا به خوبی دیده نشود (آ. اکرمی).

مسئله ازدیاد آثار، کیفیت داوری را تحت شعاع قرار می‌داد:

یک بحثی خیلی سال پیش به نام سندرم استاندارد مطرح شده بود؛ یعنی وقتی شما از یک تعداد کار بیشتر از حد نگاه می‌کنید ذهنتان بسته می‌شود. آدم دچار سوءهاضمه هنری می‌شود و از یکجایی به بعد دیگر درک نمی‌کند. در داوری مسابقه هم به نظرم حجم کارها بالا بود (آ. بنی اسدی).



نمایشگاه آثار برگزیده

با توجه به اهمیت دیده شدن آثار همه کودکان، تمامی آثار راه یافته به مرحله داورى نهایی بدون تفکیک از ۶ تا ۱۴ بهمن ماه در خانه هنرمندان ایران به نمایش گذاشته شد و با توجه به طولانی بودن طول دوره برگزاری نمایشگاه، کودکان و خانواده ها در فضایی امن و بهداشتی از نمایشگاه دیدن کردند و هر روز از جمعی از برگزیدگان تقدیر شد.

یکی از دغدغه های مجریان پروژه، حضور و مشارکت مدیران در نمایشگاه و در نتیجه دغدغه مند سازی آنها نسبت به نیازهای کودکان بود و علی رغم شرایط کرونایی، با پیگیری و دعوت ویژه از تمامی مدیران در سطوح مختلف شهری، نمایشگاه شاهد مشارکت بالای آنها بود: در فرصت دو هفته ای نمایشگاه، تمام تلاشمان را کردیم تا مدیران از رده های مختلف شهری حضور داشته باشند. در این دوره نمایشگاه بیش از ۳۰ مدیر کلان و میانی شهرداری، شورای شهر، وزارت خانه های بهداشت، دادگستری، وزارت کشور، آموزش و پرورش و قوه قضاییه حضور داشتند و نزدیک به ۳۰ نفر از شهرداران و معاونین شهرداری های مناطق در نمایشگاه حضور داشتند (خ.رمضان خواه).

تحلیل آثار

تحلیل آثار به صورت دقیقتر در فصل چهار این گزارش ارائه خواهد شد. به طور کلی در این دوره از اجرای مسابقه تحلیل به دو صورت انجام گرفت. تحلیل توسط صاحب نظران و بازدید کنندگان و همینطور تحلیل از طریق نشانه شناسی آثار که در آن به طور خاص آثار برگزیده به همراه متن توضیحی کودکان، کدگذاری شدند و دغدغه های کودکان بر حسب میزان تکرار در آثار شناسایی شد.

اجرایی سازی

به طور کلی در حوزه اجرایی سازی ایده ها، دو رویکرد کلی میان صاحب نظران وجود داشت. در یک رویکرد، نقاشی کودکان صرفاً به عنوان منبعی الهام بخش و برای شناخت مسائل شهر تلقی می شد ولی فاقد ایده های پرداخته شده و روشن بود و بهره برداری از نقاشی کودکان برای اجرای ایده ها، ادعایی گزاف به شمار می رفت:

واقعیت این است که من معتقدم نقاشی کودکان یکی از منابع تحلیل شهر است و آسیب ها و امیدهای کودکان را در آن می شود دید همان طور که باید از نگاه سایر گروه ها مانند سالمندان، دانشجویان و ... هم به شهر نگاه گرد اما اینکه بخواهیم ایده ای برای اجرا استخراج کرد خیر، فکر میکنم آثار کودکان بیشتر می تواند به مخاطب دید کلان بدهد (آ. مظاهریان).

اما در مقابل بسیاری از صاحب نظران معتقد بودند که نقاشی ها واجد ایده هایی عملی برای اجرا هستند. در میان مدیران بازدید کننده از نمایشگاه، هر دو رویکرد دیده می شد.

برنامه ریزان مسابقه نقاشی بر این باورند که در صورت تحلیل دقیق آثار کودکان، این هر دو رویکرد معتبر و قابل اتکا هستند اما هنوز گام هایی اساسی فراتر از سطح برگزاری نمایشگاه برداشته نشده است:

مسابقه نقاشی تا مرحله برگزاری مسابقه یک مشارکت پذیری و یک کار مشارکتی حداقلی است، منظور از حداقلی از طرف ماست چون بچه ها کار خودشان را کردند. اگر بخواهم بگویم تا به حال یک اقدام عملیاتی بر اساس ایده های مسابقه نقاشی انجام شد، خیر یک اقدام عملیاتی که بتواند ملموس باشد و ما بتوانیم اذعان کنیم این اتفاق اقدامیست که حاصل مجموع نظرهای بچه ها بوده است، انجام نشده است. یکسری اقدامات خرد در

محلات دوستدار کودک بر اساس نظرات بچه‌ها انجام شده ولی هنوز اول راه هستیم امیدواریم مشارکت کودکان را در حوزه اجرایی به کار ببندیم (آ. دانشور).

به باور مجریان پروژه و صاحب نظران به شیوه های زیر می توان از نقاشی های کودکان در اجرا بهره برد:

■ اکران عمومی نقاشی ها:

دیده و شنیده شدن ایده ها و دغدغه های کودکان، نخستین گام مشارکت و تأثیر گذاری کودکان است و اکران شهری آثار چنین فرصتی را فراهم می کند: سال گذشته موفق شدیم کارهای بچه‌ها را در دو نوبت در شهر تهران اکران کنیم. فکر کنم مجموعاً دو بازه زمانی حدوداً ۱۵ تا ۲۰ روزه بود. بالای ۴۰۰ سازه شهری درگیر این اتفاق در این اکران‌ها شد که خودش بحث مشارکتی دارد. ما از آثار و نقاشی بچه‌ها به اسم خودشان در نماسازی و زیبایی شهر استفاده کردیم و توانستیم آن‌ها را در تابلوهای تبلیغات قرار دهیم (آ. دانشور).

شهرداری و به طور خاص مرکز ارتباطات شهرداری تهران می تواند از فضاهای تبلیغاتی اش استفاده کند تا اینکه نظر بچه‌ها را منعکس کند. چنان که در سال گذشته، دوبار اولین دوره مسابقه نقاشی کودکان در شهر اکران شد و شهر شاهد این بود که برای اولین بار نظر بچه‌ها روی بیلبرد های شهری اکران عمومی پیدا می کند (آ. محمدی).

■ استفاده از ایده ها در دیگر پروژه های شهر دوستدار کودک

سال گذشته پروژه محله دوستدار کودک را پیش بردیم و در اجتماعی کودک محور کار کردیم در جاهایی که تراکم بچه‌ها بیشتر است، تعداد محلات تهران را انتخاب کردیم و برای آن کار مطالعاتی شروع کردیم. در آن پروژه ما نقش و نظر بچه‌ها را به شیوه‌های مختلف می گرفتیم. استفاده از این نقاشی‌ها و دیتا بیس اولیه که از نقاشی‌های سال گذشته جمع شده بود در آن حوزه خیلی به ما کمک کرد (آ. دانشور).

■ اجرای مستقیم ایده ها

عضو کمیسیون حمل و نقل شورای شهر (خانم امانی)، با محوریت دغدغه های کودکان در این حوزه، هم در سال گذشته و هم در سال جاری، تأکید زیادی بر بیرون کشیدن ایده های اجرایی از درون آثار کودکان داشت:

زیبایی این کار این است که در ادامه این کار ایده های کودکان در عمل در دستور کار مدیران قرار گیرد. اگر مدیران تصمیم بگیرند که بعضی از این ایده های نقاشی ها را با کمک خانواده ها اجرا کنند، تأثیر خیلی زیادی روی کودکان خواهد گذاشت. مدیران باید کودکان را به عنوان شهروندان قابل توجه و مدیران آینده ببینند، این کودکان در نقاشی هایشان محیط زیست را دوست داشتند، حیوانات و گل ها را کشیده بودند. توجه به این ایده ها به کاهش هزینه نگه داشت شهر کمک می کند. اگر توجهشان به کودکان به عنوان شهروندان کوچک آینده ساز باشد، طبیعتاً خودشان به عنوان مدیر جایی را در ذهنشان خواهند گذاشت که چه کار کنند که کودکان احساس کنند در شهر دیده می شوند. خیلی کار ها می شود کرد، مثلاً اینکه در پارک ها شرایطی فراهم کنند که کودکان جایی برای ابراز نظراتشان داشته باشند، مثلاً با گل یا نقاشی یا ... یا مثلاً با هماهنگی نهادهای ذی نفع، یک خیابان را یک روز در اختیار کودکان و خانواده بگذارند تا فضایی برای آشنایی کودکان با کودکان و همینطور خانواده ها فراهم شود. باید دوران پسا کرونا، باید به همچین فرصت هایی فکر کرد. الان تأثیری که این جنس برنامه ها گذاشته این است که نقاشی جداره شهر را پذیرفتند که مطابق خواسته های کودکان، شاد طراحی کنند.

تجربه سال گذشته در برگزاری مسابقه نقاشی، گویای این است که دست کم برخی مدیران بر لزوم توجه به ایده های کودکان همسو هستند و برای مثال سال گذشته از ۴ کودک در سطح ستادی تقدیر و ایده هایشان دستور اجرا گرفت، در یک مراسم معاون حمل و نقل و ترافیک از ایده یک کودک تقدیر خاص کرد.

■ تقسیم بندی موضوعی آثار برای ارجاع به مسئولین ذی ربط

در سال گذشته، مدیران بر حسب نیاز خود آثار مرتبط با حوزه موضوعی خود را از اداره دریافت کردند برای مثال شورای شهر در حوزه ترافیک اختصاصاً آثار ارسالی را گردآوری کرد یا مدیرعامل برج میلاد، نقاشی های مرتبط با برج میلاد را گرفت و روی آنها بررسی هایی انجام داد. امسال یکی از برنامه های اداره کل



اکران





آموزش های شهروندی برای استفاده بهتر از آثار این است که آنها را دسته بندی و به صورت موضوعی برای معاونت های شهرداری ارسال کند تا در صورت امکان ایده های اجرایی آنها بررسی و استخراج کنند. در فرایند تقدیر از کودکان هم با درگیر کردن معاونت ها، مقدمه دغدغه مند سازی مدیران فراهم شد.

■ دغدغه مندسازی مدیران نسبت به مسائل شهری

به طور کلی شاید ابتدایی ترین اتفاقی که در اثر برگزاری رویدادی مانند مسابقه و بعد از آن برگزاری نمایشگاه صورت می گیرد، ایجاد دغدغه در سطح عمومی و همینطور در سطح مدیران است که باید صدای کودکان را بشنویم. این تأثیر گذاری به صورت غیر مستقیم خواهد بود و این اثر گذاری را بیشتر می کند: یکی از نکاتی که ما در کار پارسال داشتیم و خیلی به ما کمک می کرد، این بود که مثلاً وقتی خود اعضای شورا یا سایر مسئولین می آمدند، خیلی جالب بود که بدون اینکه ما چیزی بگوییم خودشان می دیدند که کودکان چه نیازهایی دارند و چه آرزوهایی برای شهر دارند (رمضان خواه).

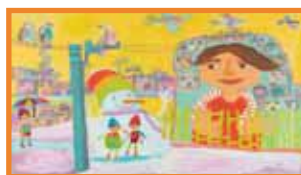
برای مثال معاون شهرسازی شهر تهران، معتقد بود که خیابان به عنوان اصلی ترین عنصر شهر برای کودکان جذابیت ندارد:

یکی از مسائلی که سیاست گذار در رابطه با شهر دارد، شناخت آسیب ها و کاهش دادن آن و برجسته کردن نقاط قوت است. نقاشی کودکان به آن معنی که کودک بی پرده حسی که می کند را به تصویر می کشد، به عنوان یکی از منابع برای تحلیل شهر می تواند استفاده شود و تحلیل نقاشی کودکان به ما میگوید که کودکان چه آسیب هایی را در شهر می بینند. منابع دیگری مثل نظر سنجی، بررسی های محیطی و... لطف نقاشی های کودکان این است که عواطف گروهی از جامعه که در حقیقت آینده شهر رو می سازند، را می توان در آنها دید. مثلاً اگر کسی بشمارد که در این نقاشی ها چند ماشین دیده می شود و در مقابل چند درخت در آن هست، چند خیابان، مدرسه، خانه و... نشان می دهد که کودکان شهر را چگونه می بینند و آنهایی که کمتر دیده میشود، نشان دهنده ی بی علاقه ی کودک به آنهاست. معمولاً کودکان، آن چیزهایی که دوستش ندارند را کمتر به تصویر می کشند. مثلاً خیابان به عنوان فضایی که آنها همیشه در آن آسیب می بینند و فضای دود، ماشین و مقیاس های غیر انسانی است، کمتر در آثار دیده میشود یا بیمارستان ها معمولاً در کار کودکان کمتر هست. تجربه جهانی نشان داده که کودکان بیشتر به سمت خانه گرایش دارند. من در آثار بیشتر فضای خانه را میدیدم، بنا براین نقاشی کودکان می تواند به عنوان یکی از منابع آسیب شناسی شهر مورد استفاده قرار گیرد (آ. مظاهریان).

در گفت و گویی که با رئیس مرکز ارتباطات شهرداری تهران داشتیم، تأثیر گذاری پروژه هایی مانند مسابقه نقاشی در رویکرد روابط عمومی شهرداری پیدا بود: ظرفیت مرکز ارتباطات شهرداری تهران می تواند از این جهت کمک کننده باشد که یک پرونده به نام حوزه کودک باز کند و کودکان را به عنوان ابژه گفت و گو در میدان بگذارد و از گروه های مختلف بخواهد در موردشان حرف بزنند، از والدین گرفته که نظراتشان را درباره ی مسائل و مشکلاتی که با کودکان در شهر دارند، یا نیازهایی که در شهر با فرزندانشان پیدا می کنند، در میان بگذارند، تا استفاده کردن از مدیوم های دیگه ای که نظرات خود کودکان را منعکس بکند، یعنی بستر هایی را بسازد که کودکان بتوانند در شهر کنشگری داشته باشند. مرکز ارتباطات با استفاده از تبلیغات محیطی، روزنامه ها، فضاهای چند رسانه ای و به پای میز آوردن گروه های مختلف به دلیل دسترسی دوگانه ای که دارد، از یک سو به سیاست گذاران و از سویی دیگر به مردم، می تواند میدان و تریبون سخن گفتن کودکان باشد. یکی از مهم ترین کارهایی که امسال مرکز ارتباطات انجام داد، گرفتن ویدئو از کودکان و صحبت کردن با آنها بود. برای اولین بار مرکز ارتباطات کودکان را به مثابه سایر گروه هایی که با آنها گفت و گو می کنه، پشت تریبون آورد و از آنها خواست که در محیط های مختلف شهری مثل شهر بازی ها، پارک ها و پاساژ ها قدم بزنند و نظرشان را درباره شهر ایدهآل خودشان اعلام کنند. کار دیگر ما امسال در کارناوال شادی و نشاط شهر تهران این بود که به طور خاص حوزه کودکان داشتیم و نه تنها به طور خاص بر کودکان در تمرکز کردیم بلکه از آن مهم تر بر این نکته تأکید شده که در برنامه گروه های مختلف کودکان مد نظر قرار گرفته بشود.

استمرار مشارکت کودکان

مشارکت کودک زمانی معنی دار است که استمرار داشته باشد، علاوه بر این ماهیت مسابقه و محدود بودن آن به یک شیوه ابراز بیان (نقاشی)، محدودیت هایی دارد که باید به شیوه های دیگر آن را جبران کرد. مسابقه وقتی ظاهراً به لحاظ اجرایی تمام می شود، دوری انجام می گیرد، آثار برگزیده انتخاب و نمایشگاه برگزار می شود و در نهایت کتاب آثار برگزیده چاپ و منتشر و توزیع می شود، شاید به نظر کار تمام شده برسد و پرونده مسابقه دیگر بسته شده است اما اگر از زاویه ای دیگر به موضوع نگاه کنیم مسابقه صرفاً می تواند یک رویداد منقطع نباشد. اگر مسابقه نقاشی را در دل یک برنامه کلی تر ببینیم و این مرحله را



خیابان به عنوان رایج ترین فضای عمومی شهری در نقاشی های کودکان



مرحله میانی از یک برنامه مستمر بینیم، مسئله متفاوت است. از آنجا که مسابقه نقاشی جزئی از برنامه کلان تر شهر دوستدار کودک است، به باور مدیران و صاحب نظران این حوزه می توان گام های زیر را به جهت استمرار مشارکت کودکان برداشت:

■ شناسایی و جذب کودکان دغدغه مند در محلات و ارتباط مستمر با آنها

وجود بانک اطلاعاتی کامل از کودکان شرکت کننده در مسابقه فرصت خوبی برای استمرار مشارکت کودک در قالب شوراهای کودکان را می دهد. سال گذشته چون خیلی از کارها به صورت دسته ای جمع آوری شده بود بانک اطلاعاتی مناسبی نداشت ولی امسال به دلیل مجازی بودن و فردی بودن شیوه ارسال، بانک اطلاعاتی مناسب است و می توان به بچه ها گواهی حضور داد و با آنها ارتباط گرفت (آ. دانشور)

علاوه بر این یکی از اقدامات اداره کل امسال این است که به مناطق دستور داده است تا بر اساس نتایج دآوری، جمعی متشکل از کودکانی منتخب، تشکیل دهند و همین جمع پایه ای برای شورای کودک منطقه باشد. چون این کودکان دغدغه مند هستند، ظرفیت خیلی خوبی هستند برای شورای کودک مناطق: اگر از هر منطقه ۱۰ تا ۲۰ کودک انتخاب شود و در شورای کودک درگیر شود ما جمعی بالغ بر سیصد کودک فعال در شهر خواهیم داشت. این موضوعی است که ما امسال حتما بعد از پایان بخش اجرایی کار، وارد آن خواهیم شد و در سه چهار ماه آینده به نتیجه می رسانیم. باید بتوانیم با این کارهایمان شورای کودک منطقه ای برگزار کنیم، آنها را جمع و اخذ نظر کنیم. با توجه به اینکه امسال ارتباط ما با کودکان به صورت مجازی فعال است و بانک اطلاعاتی خیلی خوبی هم داریم، شکل دادن به این شورا و پیگیری آن هم شدنی تر هست (خ. مؤذنی).

■ تحلیل و بررسی به همراه خود کودکان

یکی از اقدامات پیشنهادی برای استمرار مشارکت کودکان، تحلیل و بررسی آثار به همراه خود کودکان است:

کاری که می توانیم بکنیم این است که از یک طرف خود کودکان را تحریک کنیم که کار هنری شان را ادامه دهند و از طرف دیگر کودکان را بر انگیزیم به اینکه درباره کارهای دوستانشان کاری بکنند، می شود از آنها خواست، متنی درباره ی نقاشی خودشان یا نقاشی های دوستانشان بنویسند، برای نقاشی ها عنوان انتخاب کنند، نکات مهمی که در نقاشی ها به نظرشان می رسد را بنویسند، آثار را نقدی بکنند و کارهایی از این قبیل. اما جدای از آن باز می شود کارهای دیگری کرد، حتی شاید با وجود کرونا با هماهنگی خانواده ها، بتوان یک نوع جلسات جمعی برگزار کرد که درباره دغدغه های کودکان در نقاشی ها، صحبت کنیم. کودکان برگزیده را متناسب با سنشان، در گروه های مختلف تقسیم کنیم و بخواهیم درباره ی دغدغه هایشان صحبت کنند. از آنها بخواهیم درباره احساسشان در حین کشیدن نقاشی ها یا نکاتی کوچکی که ممکن است در کارها باشد ولی در تحلیل ها نیامده، صحبت کنند. می شود نشست مشترکی بین داورها و کودکان گذاشت، یا نشستی بین تحلیل گران، روانشناسان کودک، نویسندگان و روزنامه نگاران حوزه ی کودک با کودکان بگذارید. اینطور هم خود رویداد زنده می ماند و برای سال بعد آمادگی ایجاد می کند و هم حرف های تازه تری مطرح می شود (آ. یحیی پور).

شیوه های تکمیل کننده ایده مسابقه نقاشی برای جلب مشارکت کودکان در سال های اخیر به کار گرفته شده است، برای مثال از تکنیک مصاحبه یا نگارش و انشا نویسی در دیگر پروژه های شهر دوستدار کودک بهره گرفته شده است:

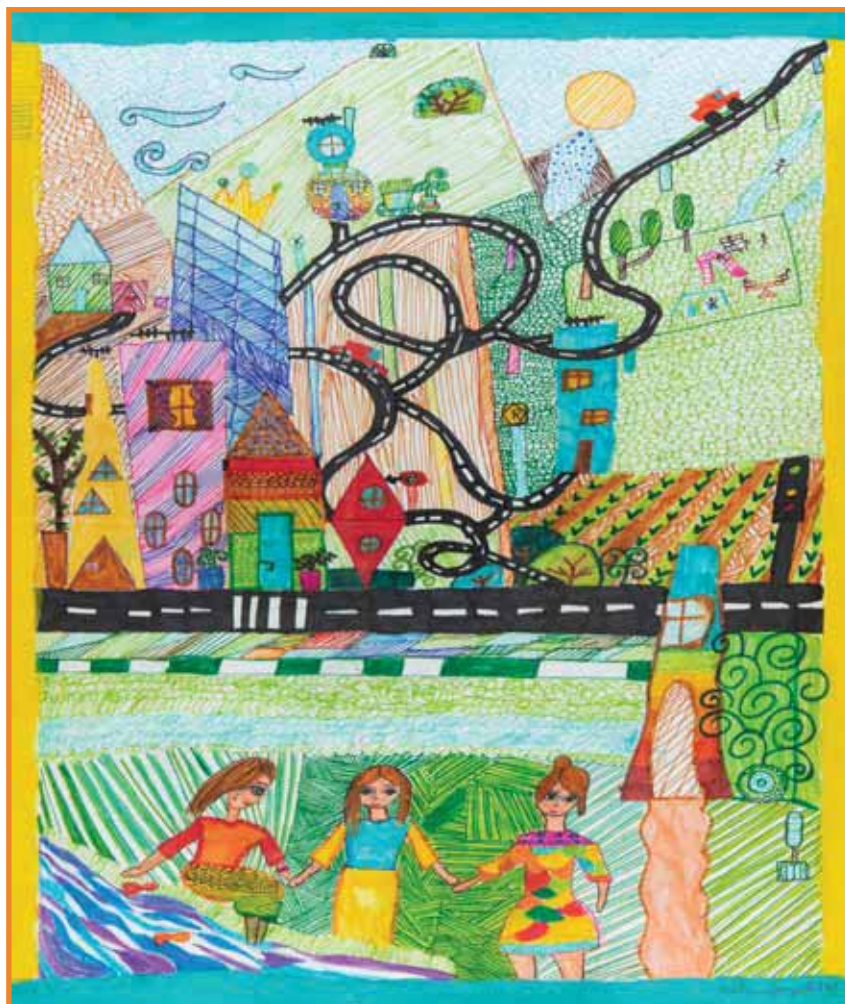
ما سال گذشته بعد از مسابقه نقاشی، مسابقه انشاءنویسی را داشتیم که شاید به تناسب نوع کار استقبالی مثل مسابقه نقاشی نشد ولی بالطبع بد نبود. حدوداً ۳۰۰ کار جمع شد. علاوه بر این مصاحبه هایی هست که در پروژه محله دوستدار کودک داریم انجام می دهیم. مثال بگویم ما در ۵ محله ابتدایی مان یک چیزی بالای ۸۰۰ ساعت مصاحبه داشتیم که بخش عمده ای از این ها مصاحبه هایی بود که با بچه ها داشتیم. در آن مصاحبه ها هم شیوه های مختلفی را به کار بردیم. بخشی از این ها شاید در قالب نقاشی بود. بخشی در قالب نگارش متن هایی در خصوص محله ای که دوست دارم، بود. بخشی در کارگاه ها و ورکشاپ ها بود. بنابراین ما صرفاً به نقاشی برای جلب مشارکت کودک بسنده نکردیم.

علاوه بر شیوه های استمرار مشارکت کودکان بعد از حضور در مسابقه نقاشی، اساساً استمرار خود این برنامه در طول سالیان نیز اهمیت زیادی در نهادینه سازی مشارکت کودکان دارد. در حقیقت تا زمانی که این شیوه از مشارکت صرفاً یک رویداد فرهنگی باشد، نمی توان آن را به عنوان تربیون کودکان تلقی کرد و زمانی می تواند به مدیومی برای ارتباط کودکان بدل شود که به عنوان یک برنامه مستمر و پایدار به آن بنگریم:

باید این برنامه را نهادینه کرد که آمدن و رفتن مدیران قائم به فرد نباشد و قائم به برنامه باشد و اثر گذاری این کار در این است که ادامه دار باشد. (خ. امانی)



استفاده از رنگ در فضای شهری



شادی در فضای شهر



حیوانات در فضای شهری



آلودگی هوای شهر

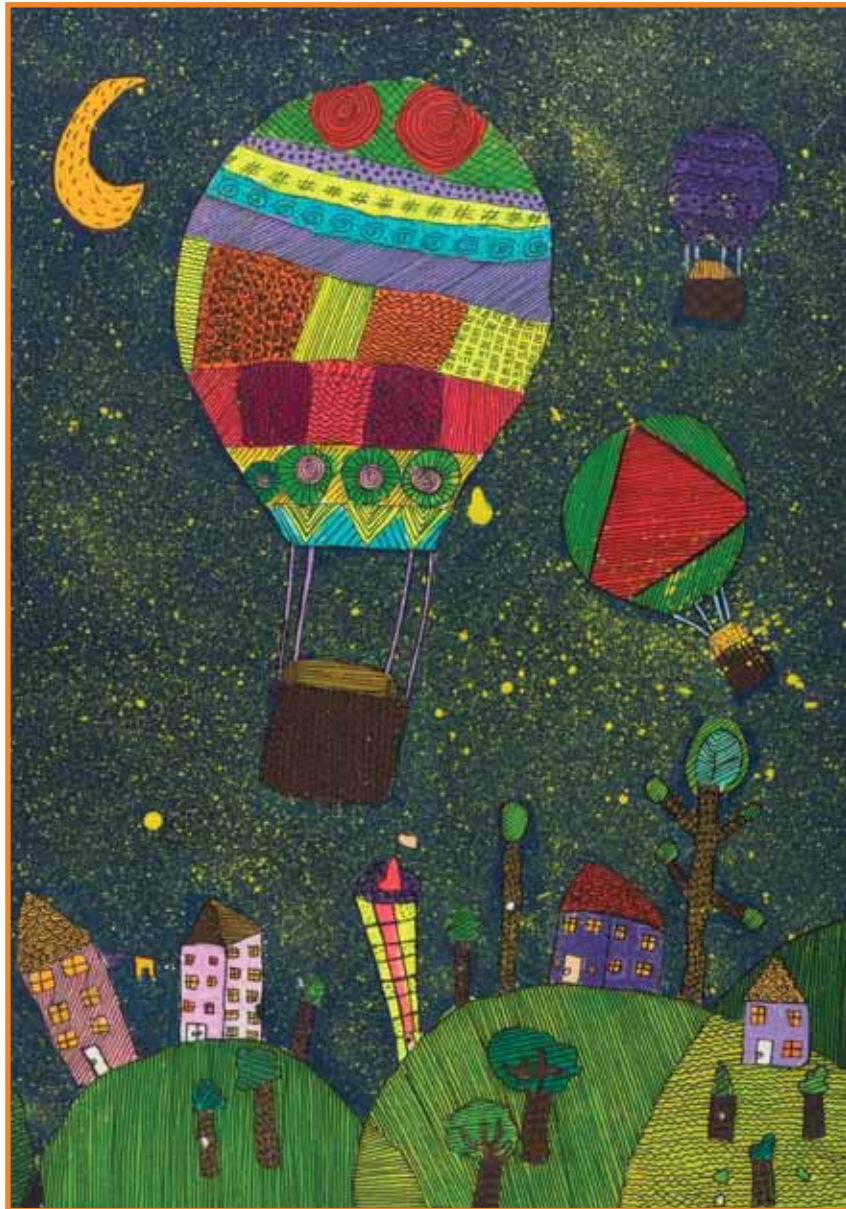




کرونا و محروم شدن از ارتباط با آدم ها



زیست شبانه



تبلیغات شهری





شبکه‌های
اجتماعی
پرطرفدار
هنرمندان

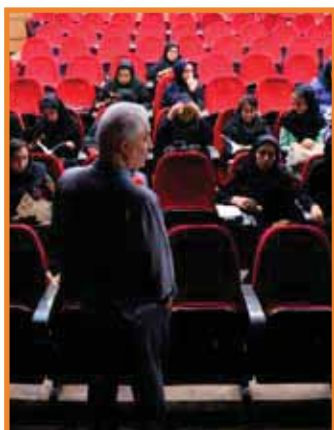


افتتاحیه





جلسات توجیهی





حضور
مدیران

نمایش آثار





کودکان در مسابقه



فصل چهار

تحلیل
شرکت کنندگان
نشانه شناسی آثار

تحلیل اطلاعات شرکت کنندگان

■ مقایسه سهم مشارکت کنندگان در طول دو دوره مسابقه نقاشی

میزان مشارکت	
دوره نخست	۹۴۰۰
دوره دوم	۱۴۸۷۴
نسبت افزایش از دوره اول به دوم	بیش از ۵۰ درصد

میزان مشارکت کودکان در دوره دوم به نسبت دوره نخست بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته است.

■ مقایسه جنسیت برگزیدگان:

بیش از سه چهارم برگزیدگان را دختران تشکیل می دهند و تنها یک چهارم برگزیدگان پسر هستند. اگرچه به طور معمول سهم مشارکت دختران در این جنس مسابقات بیشتر است اما با توجه به اهمیت شنیده شدن صدای همه کودکان، می توان به تمهیداتی اندیشید که سهم مشارکت پسران افزایش یابد.

جنسیت	درصد	فراوانی
دختر	۷۶/۴	۱۵۵
پسر	۲۳/۶	۴۸
کل	۱۰۰	۲۰۳

■ مقایسه گروه سنی کل شرکت کنندگان

از میان گروه سنی ۴ تا ۱۴ سال، بیشترین شرکت کنندگان به گروه سنی ۸ ساله و ۶ ساله تعلق داشتند و کمترین میزان مشارکت به گروه سنی ۱۲ و ۱۴ سال تعلق داشت. به طور کلی به نظر می رسد سهم مشارکت در گروه های سنی پایین تر بیش از گروه های سنی بالا بوده است، این عامل می تواند به شیوه اطلاع رسانی و تبلیغات مرتبط باشد و بهتر است برای دوره های بعد، به شیوه های برای بیشتر درگیر ساختن گروه های سنی بالاتر اندیشید.

سن	فراوانی	درصد
نامشخص	۱۷۹	۱/۲
۴	۱۰۹۹	۷/۴
۵	۱۸۵۱	۱۲/۵
۶	۱۹۶۱	۱۳/۲
۷	۱۵۸۸	۱۰/۷
۸	۲۱۴۷	۱۴/۴
۹	۱۳۴۳	۹
۱۰	۱۱۱۴	۷/۵



۷/۲	۱۰۷۵	۱۱
۵/۵	۸۲۳	۱۲
۶	۸۹۸	۱۳
۵/۳	۷۹۶	۱۴
۱۴۸۷۴		جمع کل

■ مقایسه گروه سنی برگزیدگان

از میان گروه های سنی ۴ تا ۱۴ سال که مبنای برگزاری این مسابقه بودند، دو گروه سنی ۱۱ و ۱۲ سال بیشترین سهم را در آثار برگزیده داشتند و دو گروه سنی ۴ و ۵ سال کمترین سهم را به خود اختصاص دادند.

سن	فراوانی	درصد
۴	۱۱	۵/۴
۵	۱۳	۶/۴
۶	۱۷	۸/۴
۷	۲۱	۱۰/۳
۸	۲۱	۱۰/۳
۹	۱۷	۸/۴
۱۰	۱۸	۸/۹
۱۱	۲۴	۱۱/۸
۱۲	۲۳	۱۱/۳
۱۳	۱۶	۷/۹
۱۴	۱۶	۷/۹
۱۵	۱	۵
۱۶	۱	۵
۱۷	۲	۱
۱۸	۱	۵
نامعلوم	۱	۵
کل	۲۰۳	۱۰۰

■ مقایسه میزان مشارکت مناطق شهر تهران و میزان مشارکت آموزش و پرورش در مسابقه نقاشی

آمار آثار ثبت شده مناطق تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۵			
ردیف	منطقه	تعداد اثر	نسبت از کل
۱	۳	۴۹۳۴	۳۷/۴
۲	۱	۱۰۴۰	۷/۹
۳	۱۹	۸۹۴	۶/۸
۴	۱۰	۶۵۶	۵
۵	۲	۵۹۹	۴/۵
۶	۵	۵۰۵	۳/۸
۷	۱۴	۴۹۰	۳/۷
۸	۱۲	۴۳۶	۳/۳
۹	۷	۳۹۸	۳
۱۰	۱۵	۳۸۰	۹۲
۱۱	۱۶	۳۷۴	۲/۸
۱۲	۱۷	۳۷۴	۲/۸
۱۳	۱۳	۳۶۶	۸۲
۱۴	۴	۳۳۸	۶۲
۱۵	۱۱	۲۵۷	۲
۱۶	۲۰	۲۲۹	۱/۷
۱۷	۶	۲۱۲	۱/۶
۱۸	۲۲	۲۰۳	۱/۵
۱۹	۱۸	۱۵۱	۵۱
۲۰	۹	۱۴۸	۱/۱
۲۱	۸	۱۳۲	۱
۲۲	۲۱	۵۸	۰/۴
جمع کل مناطق		۱۳۱۷۴	
آثار ارسالی آموزش و پرورش		۱۷۰۰	۴۱۱
جمع کل آثار		۱۴۸۷۴	

چنان که از جدول پیداست، بیشترین میزان مشارکت متعلق به منطقه ۳ (۳۷ درصد یا بیش از یک سوم آثار) و کمترین میزان مشارکت متعلق به منطقه ۲۲ (نزدیک به صفر) است. اگر چه نمی توان گفت، طبقه ی اقتصادی مهم ترین فاکتور در سهم مشارکت بوده است ولی می توان دید که تا حد زیادی، مناطق بیشتر برخوردار شهر، سهم مشارکت بالاتری دارند. شاید در تحلیل این فاصله زیاد مشارکت بتوان، تا حدی سهم هر یک از دلایل زیر را دید:



۱. با توجه به دیجیتال شدن بارگذاری آثار، ممکن است بخشی از جامعه که دسترسی راحتی به کامپیوتر نداشتند، در ارسال آثار با دشواری مواجه شده باشند:

ما امسال امکانات بارگذاری سیستمی نداشتیم و چون باید تاریخ تولد ثبت میشد، حتماً افراد باید خودشان در سایت بارگذاری می کردند. احتمالاً ممکن است یکی از مشکلاتی که مناطق پایینی داشته باشند عدم دسترسی به سیستم برای این کار بوده باشد. اگر کرونا باشد و سال دیگر بخواهیم این کار را بکنیم باید فکری به حال بارگذاری نیمه جنوبی شهر بکنیم (خ. مؤذنی).

۲. شیوه اطلاع رسانی در مناطق متفاوت بوده است.

۳. استطاعت مالی خانواده ها برای تهیه لوازم مورد نیاز نقاشی، متفاوت است و لازم است در گردآوری آثار به نیازهای خاص طبقات پایین بیشتر توجه شود.

به نظر می رسد، برای برابری بیشتر همه کودکان در دسترسی به این فرصت لازم است که برای سال آینده، دلایل مذکور مرتفع شود. علاوه بر این، سهم آموزش و پرورش در گردآوری آثار امسال بیش از گذشته بوده و بیش از ده درصد آثار را تشکیل می دهد.

تحلیل آثار از نگاه بازدیدکنندگان

به طور کلی دو رویکرد میان صاحب نظران در رابطه با تحلیل آثار کودکان وجود داشت، در یک سو عده ای معتقد بودند که اساساً هر گونه تفسیر اثر کودکان توسط بزرگسالان، بی معنی و سلیقه ای است و در سویی دیگر، کارشناسانی قرار داشتند که معتقد بودند می شود دغدغه های کودکان را از طریق تحلیل آثارشان متوجه شد. به نظر می آید که هر دو نگاه خالی از حقیقت نیست و در تحلیل آثار کودکان باید همیشه جانب احتیاط را رعایت کرد و از ادعاهای کلان و قاطع درباره آثار کودکان پرهیز کرد و از روش هایی برای افزایش اعتبار تحلیل استفاده کرد. از نگاه داوران و صاحب نظران بازدیدکننده از نمایشگاه، موضوعات محوری کودکان عبارت بودند از:

■ استفاده از رنگ در فضای شهری

یکی از نکاتی که بسیاری از بازدیدکنندگان بر آن اذعان داشتند، علاقه مندی کودکان به استفاده از رنگ های شاد و زنده در طراحی شهری بود: در نقاشی کودکان تهران بیشترین نکته ای که نمایان بود توجه کودکان به رنگ های شاد و زنده است. توجه به عناصر طبیعی و المان های محیط زیستی در شهر مانند حیوانات شهری و همچنین همزیستی با طبیعت کاملاً در نقاشی های کودکان به چشم می خورد. نقاشی ها نوعی امید به آینده را نشان میدهد، امید به اینکه بتوانند به جای آسمان خاکستری، محیط زیستی پاک و سرزنده و سرشار از رنگ و دوستدار کودک را داشته باشند (خ. شینا انصاری).

■ شادی در فضای شهر

نگاه خردسالان و همین طور کودکان را بیشتر این طور دیدم که در شهر به دنبال شادی بودند و آنچه را از پشت دریچه پنجره یا پشت دریچه نگاه خودشان به دنبال آن می گشتند، بیشتر شادی بود. تصاویری از عروسی، جشن، بادکنک، بادبادک و یا حتی ماشین های بستنی فروشی که در تصاویر می دیدم به نوعی نگاه و درخواستشان را انگار برای شادی بیشتر و فضای بازتری برای حرکت و تکاپو و اتفاق های شاد بود که می دیدم. البته در کنار آن توجه بچه ها به مسائلی مثل کرونا هم زیاد بود انگار ذهن بچه ها را خیلی درگیر کرده بود. تصاویر زیادی بود که بچه ها به صورت همه عابرین پیاده ماسک کشیده بودند و انگار این جزئی جدا نشدنی از تصاویر شهر شده بود (خ. صالحی).

فکر می کنم در آثار پارسال کارها شادی بیشتری داشت. این را از جهت خود کار، ضرب آهنگ رفتاری و نوع پرداخت به کار می گویم اما امسال فضای کاری کودکان غمگین تر بود (آ. بنی اسدی).

■ حیوانات در فضای شهری

یکی از دغدغه هایی که در نگاه اکثر بازدید کننده ها دیده می شد، علاقه مندی کودکان به حیوانات در فضای شهر بود: کودکان حیوان ها در فضای شهر را خیلی دوست دارند و نیاز است بستر هایی که حیوانات شهری بتوانند در آن باشند، فراهم شود. برای مثال ما پیشنهاد دادیم که در خیابان ولیعصر بخش هایی را لانه کبوتر درست کنیم یا فضا برای لانه گربه درست کنیم و... (خ. رمضان خواه)

در مورد اجرایی سازی حضور حیوانات در فضای شهر که یکی از دغدغه های کودکان در نقاشی ها بود، این کارها زمان بر هست اما این ایده های کودکان باید به عمل تبدیل شود. در خیلی از کشور ها پارک هایی طراحی شده است که حیوانات اهلی در آن آزادند و همین باعث میشود که کودکان دوستدار محیط زیست می شوند. پارک نارای ژاپن ۲۰۰ تا آهو آزادانه می چرخیدند و همچنین ایده هایی شدنی هست (خ. امانی).

■ خیابان به عنوان رایج ترین فضای عمومی شهری در نقاشی های کودکان

فضای عمومی تهران مثل خیلی از شهرهای جهان، برای زندگی اجتماعی مناسب نیست و صرفاً فردی است. در این زمینه اگر شهرها الگوهای درست مبتنی بر انسان محوری داشته باشند، خیابان کامل یکی از این الگوهاست. خیابان برای زندگی است و اگر بخواهیم شهر تهران را انسان مدار کنیم که دوستدار همه گروه ها باشد، خیابان باید برایشان قابل استفاده باشد. الان خیابان های ما برای کودکان ایمن نیست، حتی پیاده رو ها امن نیست و قطعاً یکی از دغدغه ها که در نقاشی های کودکان هم پیدا بود همین ایجاد خیابان کامل بود. با توجه به اینکه ذهن مدیران ما بیشتر سازه ای هست و باید تحول پارادایمی پیدا کند. در خیابان کامل، فضا ایمن هست، مغازه ها پر نشاط اند، اولویت خیابان با پیاده مداری، بعد دوچرخه، بعد حمل و نقل عمومی و بعد حمل و نقل شهری است. اینجاست که خیابان جذبه ای دارد برای حضور و در نقاشی های کودکان هم دیده می شود. وقتی پیاده مدار شویم، اقتصاد شهری هم رونق خواهد داشت و خیابان به جایی برای قرار های مشترک تبدیل خواهد شد. (خ. امانی)

■ کرونا و محروم شدن از ارتباط با آدم ها

کرونا در خیلی از کارها بود. بخش زیادی از آثاری که بچه ها ترسیم می کنند برگرفته از عکس و فیلم است. بچه های در روستا یا خیلی از بچه ها از دیدن شهر محروم هستند. به خصوص بچه های حاشیه تجسمی از شهر ندارند در نتیجه برای اینکه به حال مراجعه کنند یکی همان عنصر کرونا و بیماری بود که با ماسک در تصویر بودند و خیلی ها شهر را بدون انسان کشیده بودند. خیلی جالب بود! شاید ناخودآگاه دنیایی را مجسم کردند که آدم ها در خیابان نیستند. شاید اولین سؤال این است آدم ها کجا هستند؟ ما نمی دانیم در ذهن بچه ها چه می گذرد؟ در نتیجه شاید خیلی از آن ها شهر خالی از انسان را کشیدند. طبیعتاً یکسری از عناصر انسانی در کار حذف شد و این نیازمند است جمع داوران به این نکته توجه داشته باشند که شهر بدون انسان به معنای حذف یکی از عناصر نیست بلکه به خاطر شرایطی است که امسال در سال ۹۹ وجود داشته است (آ. اکرمی).

وقتی شما دارید درباره شهر کار می کنید بسیاری از کارهایی که در این دوره بود اختصاصش به ویروس کرونا بود، حالا ممکن است شما بگویید ما نمی خواهیم درباره این نگاه حرف بزنیم ولی وجود دارد. مناسباتی که الآن وجود دارد در کار بچه ها می آید و بچه ها هم به نوعی یک برخورد عاطفی با مسائل دارند و آن ها را در کارهایشان لحاظ می کنند (آ. بنی اسدی).

اما موضوعات محوری کودکان بیشتر فضای شهریشان بود. بخشی از کودکان کاملاً رئال به موضوع نگاه کرده بودند و بخشی از کودکان کاملاً فراواقعی نگاه کرده بودند، پنجره ای باز می شد رو به باغ وحش و این نشون میداد که این بچه ها چقدر در این روزهای کرونایی دوست دارند، با طبیعت و فضای پارک و باغ وحش ارتباط بگیرن (خ. قربان).

نکته قابل توجه در تمامی نقاشی ها این بود که کودکان به بحث مشارکت اهمیت ویژه ای می دهند و شیوع بیماری کرونا باعث شد تا کودکان مشارکت های اجتماعی بیشتری را شاهد باشند (آ. محمدی).

در نقاشی های سال گذشته که کرونا نبود جا برای همه بود، نقاشی های زیادی می شد دید که همه شهروندان با بینش های مختلف در شهر حضور دارند، دختر های با چادر و بدون مقنعه، پسر های مختلف و خانواده های با فرهنگ های مختلف در زندگی مسالمت آمیز کنار هم زندگی می کردند. در سال ۹۹ که اپیدمی کوید ۱۹ بود و از پنجره بچه ها نقاشی هایشان را کشیده بودند، آمل و آرزوهای بچه ها به خوبی نمایان بود، امسال بچه ها نیازشان به بودن با دیگران و بازی را کشیده بودند (خ. امانی).



■ آلودگی هوای شهر

در این نمایشگاه شاید پنج درصد از کارها از نظر موضوعی به هم شبیه بودند که آن هم بر می گرده به ضمیر ناخودآگاه بچه‌ها. اما اگر بخواهم همان بخش مشترک موضوعی را اشاره کنم، به نظرم مهم ترین دغدغه ی بچه ها به نظرم آلودگی هوا بود، این نشون میده که بچه ها چقدر از آلودگی هوا رنج می برن. (خ. قربان)

■ زیست شبانه

مسئله زیست شبانه با وجود اینکه زیاد مطرح نیست، خیلی از بچه ها شهر در شب را نقاشی کشیده بودند و فضاهای زیبای شهر در شب را کشیده بودند و باید این علاقه مندی بچه ها را جدی گرفت. (خ. رمضان خواه)

■ نشانه شناسی آثار

آثار برگزیده کودکان (۲۰۳ اثر) به همراه متن آنها (عمدتا یک پاراگراف نوشته کوتاه کودکان درباره آثارشان)، در نرم افزار مکس کیودا کدگذاری شده و در نهایت کدها در قالب دسته بندی های کلی ارائه خواهد شد. برای تحلیل آثار کودکان، شاید بهتر باشد که به جای یک تحلیل کلی از همه، گروه های سنی کودکان را جدا کنیم. علت این جدا سازی، از یک سو این است که آثار کودکان کوچک تر، خلاقانه تر و کمتر کلیشه ایست و از سویی دیگر توانایی های شناختی و اجتماعی کودکان در سنین مختلف، دغدغه های مختلفی را در حوزه شهری پدید می آورد که شاید بهتر باشد با لحاظ این تفاوت سنی آنها را تحلیل کرد. در این رابطه دو نفر از داوران معتقد بودند که :

بین بچه های مختلفی که کارها را نقاشی کرده بودند هر چه گروه سنی کوچک تر بود خلاقیت و نگاه تازه تر بود ولی انگار هر چقدر بزرگ تر می شدند، حالا یا تأثیرات سیستم آموزشی هست یا دخالت بزرگ ترها یا بیشتر دوست دارند در چارچوب هایی که پذیرش بیشتر هست حرکت کنند، از آن نگاه شخصی به خلاقیت دور می شدند و البته در کارهای خردسالان می شد گفت یک مقدار تمرکز کمتر بود ولی در عین حال آن شادابی و طراوت و استفاده از رنگ های شاد بیشتر بود (خ. صالحی).

ما هر چقدر کارهای گروه سنی پایین تر را میدیدیم، به نظرم می رسید که بچه ها در گروه های سنی پایین تر با موضوع رها تر برخورد کرده بودند و خودشان را محدود نمی کردند. در گروه سنی بالاتر، رنگ ها تیره تر می شد و زوایای کار خیلی خطی بود. یکسری ویژگی ها در گروه سنی پایین (۴، ۵ سال) به صورت ناخودآگاه وجود داشت، مثلا بزرگنمایی و اغراق، استفاده از رنگ آمیزی راحت و آسان، توجه به جزئیات در اطراف و.... که با بالاتر رفتن سن از این موارد دور می شدند (خ. قربان).

■ دسته بندی سه گانه گروه سنی

در این جا مهم ترین نظریه رشد شناختی، یعنی نظریه پیاژه را معیار قرار دادیم و بر آن اساس گروه بندی سنی کودکان انجام گرفت. پیاژه رشد شناختی را به چهار دسته تقسیم می کند که دست کم سه دسته از آنها مخاطبین شرکت کننده در این مسابقه بودند. (وندر زندن، ۱۳۹۳: ۹۳)

سن	مرحله
از تولد تا ۲ سالگی	حسی-حرکتی
از ۲ تا ۷ سالگی	پیش عملیاتی
از ۸ تا ۱۱ سالگی	عملیات عینی
از دوازده سالگی به بالا	عملیات صوری

در ادامه به ویژگی های شناختی هر یک از گروه های سنی اشاره خواهیم کرد. با این حال لازم است با توجه به موضوع مسابقه نکته ای را بررسی کنیم، عنوان

انتخاب شده برای مسابقه «شهری که دوست دارم از پشت پنجره ببینم»، عنوانی است ناظر به یک وضعیت خیالی و تصور آن چیزی که از واقعیت زمان حال بهتر و والاتر است. چنانچه در ادامه خواهیم دید، از میان سه گروه سنی پیش عملیاتی، عملیات عینی و عملیات صوری، تنها یک گروه، یعنی نوجوانان (دوره عملیات صوری)، به لحاظ شناختی قادر هستند تا با نقد واقعیت عینی پیش رو، شهر ایدئالشان را به تصویر بکشند. در دوره پیش عملیاتی و عملیات عینی، کودک به طور کامل قادر به تصور آینده دور یا وضعیت فرضی و ایدئال نیست و قاعدتاً بخش زیادی از آثار بیشتر تصویر کودک از شهر کنونی را نشان میدهد تا یک وضعیت آرمانی. بنابراین اگر در مقولات و کدهای گروه های سنی مذکور، نشانه هایی از این قابلیت شناختی دیده می شود، به احتمال زیاد به دلیل مداخله و راهنمایی مربی و والدین است.

■ گروه سنی چهار تا هفت ساله ها:

مشخصاً در آثار گروه سنی نخست شرکت کننده در این مسابقه یعنی گروه سنی چهار تا هفت ساله ها، ویژگی های مرحله پیش عملیاتی شناخت کودکان دیده می شود. در این مرحله کودک می تواند دنیای بیرون را به کمک سمبل ها و نمادها مجسم کند. با این حال در دوره پیش عملیاتی، کودک از نظر استدلال و فرایند های تفکر محدود است و عملاً امکان تفکر منطقی در وی کم است. دو ویژگی مهم این دوره، یعنی خود مداری و تک جنبه نگری در چگونگی نقاشی کودکان اثر می گذارد. تفکر کودک در این مرحله، خود مدار است، بدین معنی که نیاز های خود را نیاز های همه می بیند و آنقدر جذب احساس های خود است که نمی تواند بفهمد افکار دیگران متفاوت از اوست. تک جنبه نگری نیز در این گروه سنی موجب می شود کودک خردسال تنها روی یکی از جنبه های موقعیت متمرکز شود و بقیه را نادیده بگیرد. (وند زندن، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۸)

در این گروه سنی، پر تکرار ترین مقولات، توجه به فضاهای عمومی شهر و به کار بردن المان های اصلی شهر در آثار است:

مجموع	توجه به نیازهای گروه های خاص	توجه به فضای تعاملی شهر	توجه به کرونا	ایده هایی برای تغییر	توجه به محیط زیست شهر	توجه به المان های شهری	توجه به فضاهای عمومی شهر	
۱۹	۰	۱	۲	۶	۷	۲	۱	چهار ساله ها
۳۱	۰	۲	۳	۵	۷	۳	۱۱	پنج ساله ها
۴۵	۱	۴	۹	۲	۵	۱۱	۱۳	شش ساله ها
۷۹	۰	۳	۲	۱۰	۱۴	۱۸	۳۲	هفت ساله ها
۱۷۴	۱	۱۰	۱۶	۲۳	۳۳	۳۴	۵۷	مجموع

در مقایسه میان این چهار گروه سنی، پیداست که توجه به المان ها و فضاهای عمومی شهر و به طور کلی دغدغه مندی در حوزه مسائل شهری، سال به سال افزایش پیدا کرده است.

زیر مقولات محوری در گروه سنی چهار تا هفت ساله ها:

■ ایده هایی برای تغییر

در این گروه سنی، به کارگیری رنگ (اعم از رنگ بندی خانه ها، رنگ بندی سطوح های زباله و به کار بردن رنگ در پارک ها) از مهم ترین ایده ها برای بهتر کردن شهر بود.



فرآوانی	کد	رنگ
۷	به کارگیری رنگ برای نشاط شهری	●
۲	افزایش دوچرخه سواری در شهر	●
۱	افزایش ماشین های برقی و غیر فسیلی	●
۱	کتابخوانی در فضای باز	●
۱	نقاشی کشیدن کودکان در فضای باز	●
۱	استفاده از نمادهای ملی برای زیباسازی شهر	●
۱	استفاده کردن از جوی های تمیز برای قایق بازی کودکان	●
۱	رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی	●

■ کرونا

در زمینه کرونا، بیشترین نیاز کودکان، نیاز به ارتباط با دوستانشان بود.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	نیاز به تفریح	●
۱	نیاز به بیرون آمدن از ملال و خستگی	●
۲	نیاز به دوباره شاد بودن	●
۸	نیاز به ارتباط داشتن با بچه ها	●

■ فضاهای عمومی شهر

از میان فضاهای عمومی شهر، خیابان و مسجد بیشترین فرآوانی را داشتند.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	آتش نشانی	●
۱	بیمارستان	●
۱	مسیر دوچرخه سواری	●
۱	رستوران	●
۱	سالن تئاتر	●
۲	استادیوم فوتبال	●
۲	مدرسه	●
۳	شهر بازی	●
۳	فضای بازی کودک	●
۳	فروشگاه خرید و بازار	●

●	مسجد	۶
●	خیابان	۱۹

■ مهم‌ترین المان های شهری

از میان المان های شهری، کودکان این گروه سنی، برج نشینی و آپارتمان نشینی و برج میلاد را به عنوان نماد شهر تهران استفاده کرده بودند.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	پل طبیعت	●
۲	برج آزادی	●
۳	کوه دماوند	●
۱۱	برج میلاد	●
۱۴	برج نشینی و آپارتمان نشینی	●

■ محیط زیست شهر

از میان دغدغه های محیط زیستی کودکان، بیشترین دغدغه مربوط به افزایش فضای سبز در شهر و کاهش آلودگی هوا بود.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	از بین رفتن آلودگی های صوتی	●
۷	علاقه به وجود حیوانات در فضای شهری	●
۹	از بین رفتن آلودگی هوا	●
۱۰	افزایش گل و گیاه در محیط شهری	●

■ فضای تعاملی شهر

در حوزه فضای تعاملی و ارتباط انسان ها با هم، بیشترین دغدغه، نیاز به وجود جشن ها و فضاهای نشاط جمعی بود.

فرآوانی	کد	رنگ
۲	نیاز به تساهل و کنار هم بودن مردم با وجود تفاوت ها	●
۲	نیاز به همدلی و همکاری آدم ها در فضای شهر	●
۴	نیاز به وجود جشن ها و نشاط جمعی	●

■ توجه به نیازهای گروه های خاص

اشاره به این گروه در آثار کم بود و تنها یک مورد به سالمندان اشاره کرده بود.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	فضای استراحت سالمندان	●



■ گروه سنی هشت تا یازده ساله ها:

این دوره سنی، یعنی دوره عملیات عینی، زمان شروع فعالیت منطقی کودک است. با رسیدن به این مرحله، کودک می تواند اعمال منطقی متفاوتی انجام دهد: حساب کردن، درک روابط بین طبقات و مجموعه، اندازه گیری و درک ساختارهای سلسله مراتبی. عبارت عینی در اینجا به این دلیل به کار می رود که کودک به واقعیت فیزیکی بی واسطه وابسته است و نمی تواند از زمان حال تجاوز کند. در طول این مرحله، کودک هنوز در تجسم موقعیت های دور، آینده یا وضعیت فرضی مشکل دارد (وندر زندن، ۱۳۹۳: ۹۹). بنابراین کودک در این دوره سنی، منطقی و در زمان حال است و این دو ویژگی کمک می کند تا فهم بهتری از آثار کودکان داشته باشیم.

مجموع	توجه به نیازهای گروه های خاص	کرونا	مهمترین المان های شهری	فضاهای عمومی شهر	فضای تعاملی شهر	محیط زیست شهر	ایده هایی برای تغییر	
۷۲	۰	۳	۲۱	۲۴	۴	۷	۱۳	هشت ساله ها
۳۱	۰	۱	۱۰	۸	۲	۵	۵	نه ساله ها
۴۹	۰	۱	۱۳	۱۲	۷	۹	۷	ده ساله ها
۵۲	۱	۸	۱۳	۱۴	۳	۱۰	۳	یازده ساله ها
۲۰۴	۱	۱۳	۵۷	۵۸	۱۶	۳۱	۲۸	مجموع

در این گروه سنی، به کارگیری المان های شهری و نمادهای فضای عمومی شهر بیش از گروه سنی قبلی مورد استفاده قرار گرفته بود.

■ ایده هایی برای تغییر

در حوزه ایده های تغییر در شهر، این گروه سنی بیشتر به استفاده از دوچرخه در حمل و نقل شهری اشاره کرده بودند و بعد از آن پر تکرار ترین ایده به کارگیری رنگ برای نشاط شهری بود (لازم به ذکر است که صرفاً بودن هر دوچرخه ای در تصویر به عنوان کد محاسبه نشده است و تنها دوچرخه هایی که در فضای خیابان بود، حساب گردید).

فراوانی	کد	رنگ
۱	حذف کار اجباری کودکان	●
۱	منظم بودن طراحی خیابان ها	●
۱	افزایش سطل های دفع زباله	●
۱	به کارگیری نمادهای کهن ایران در فضای شهری	●
۱	کم کردن تراکم ساختمانی و مرتفع سازی	●
۱	حفظ زمین های کشت کشاورزی درون شهر	●
۱	افزایش استفاده از ماشین های برقی و غیر فسیلی	●
۱	حفظ خانه های قدیمی شهر	●
۱	کاهش جمعیت تهران	●
۱	ایجاد خط قطار هوایی	●

●	استفاده از موسیقی برای نشاط جمعی	۱
●	افزایش استفاده از وسایل نقلیه ی عمومی	۱
●	پیاده راه کردن کوچه ها برای جشن ها، مراسم های جمعی و بازی کودکان	۲
●	رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی	۲
●	به کار گیری رنگ برای نشاط شهری	۴
●	افزایش استفاده از دوچرخه در حمل و نقل شهری	۷

■ محیط زیست شهر

بیشترین دغدغه محیط زیستی کودکان در این گروه سنی، آلودگی هوای شهر بود و پس از آن حفظ فضای سبز شهر.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	کاهش ترافیک شهری	●
۱	رفع بوی بد فاضلاب شهری	●
۳	علاقه به وجود پرندگان در شهر	●
۳	علاقه به حمایت از گونه های حیوانی در فضای شهری	●
۱۱	افزایش رسیدگی به فضای سبز شهر	●
۱۲	رفع آلودگی هوای شهر	●

■ فضای تعاملی شهر

در این گروه سنی نیز، مهم ترین نیاز تعاملی و ارتباطی کودکان، نیاز به وجود جشن ها و برنامه های جمعی بود.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	نیاز به امنیت در فضاهای عمومی شهر	●
۲	نیاز به ارتباط با دوستان	●
۲	نیاز به ارتباط بیشتر با همسایه ها	●
۵	نیاز به همدلی بیشتر مردم با هم	●
۶	نیاز به وجود جشن های جمعی و نشاط در شهر	●
۱۲	رفع آلودگی هوای شهر	●



■ فضای عمومی شهر

در این گروه سنی، از میان فضاهای عمومی شهر، خیابان و پارک بازی کودکان بیشترین بسامد را داشت.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	بازار	●
۱	کلانتری	●
۲	اتوبوس و بی آر تی	●
۲	قطار شهری	●
۵	شهر بازی	●
۶	مسجد	●
۶	پارک و فضای سبز	●
۱۰	پارک بازی کودکان	●
۲۵	خیابان	●

■ مهمترین المان های شهری

آپارتمان نشینی و برج نشینی و پس از آن برج میلاد به عنوان رایج ترین نمادهای شهر تهران به کار برده شده بودند.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	خانه های های ویلایی	●
۱	دریاچه خلیج فارس	●
۲	پل طبیعت	●
۳	برج آزادی	●
۱۶	برج میلاد	●
۳۴	آپارتمان نشینی و برج نشینی	●

■ کرونا

در این گروه سنی بیشترین مسئله کودکان در دوران کرونا نیاز به دوباره تفریح کردن بود.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	نیاز به شادی های جمعی	●
۲	نیاز به کاهش اضطراب عمومی	●
۲	نیاز به دوباره ارتباط داشتن با بچه ها	●
۳	نیاز به کنار هم بودن و حمایت از همدیگر در گذر از کرونا	●
۵	نیاز به دوباره تفریح کردن	●

■ توجه به نیازهای گروه های خاص

در این گروه سنی نیز توجه به نیازهای گروه های خاص کمتر دیده شده بود و تنها یک مورد به معلولین اشاره کرده بود.

فراوانی	کد	رنگ
۱	تسهیل تردد معلولین در شهر	●

■ گروه سنی دوازده تا چهارده ساله ها

در این دوره سنی، فرد وارد مرحله نوجوانی می شود و به لحاظ شناختی در مرحله عملیات صوری است. نوجوان به کمک شیوه تفکر استدلالی در بررسی واقعیت می تواند از زمان حال فراتر رود و به رویدادهای فرضی یا خیلی دور نزدیک شود. او میتواند به ممکن ها فکر کند و در خارج از دنیای واقعی، دنیاهای مادی دیگری را نیز در ذهن خود خلق کند (وندر زندن، ۱۳۹۳: ۱۸۰-۱۸۱)

مجموع	کرونا	مهمترین المان های شهری	فضاهای عمومی شهر	فضای تعاملی شهر	محیط زیست شهر	ایده هایی برای تغییر	
۵۵	۴	۲۵	۱۰	۶	۶	۴	دوازده ساله ها
۲۹	۶	۵	۶	۰	۶	۶	سیزده ساله ها
۴۶	۲	۱۸	۴	۶	۹	۷	چهارده ساله ها
۱۳۰	۱۲	۴۸	۲۰	۱۲	۲۱	۱۷	مجموع

در گروه سنی نوجوان بیش از همه، المان های شهری و دغدغه های محیط زیستی درباره شهر تکرار شده بود.

■ ایده هایی برای تغییر

از میان مهمترین ایده های شهری، استفاده از دوچرخه و به کار گیری رنگ برای نشاط شهری در این گروه سنی نیز از بالاترین میزان اهمیت برخوردار بود.

فراوانی	کد	رنگ
۱	حفاظت از فضاهای هنری و فرهنگی شهر (سینما و سینما ماشین...)	●
۱	استفاده از موسیقی برای نشاط جمعی	●
۱	حفظ اماکن تاریخی شهر	●
۲	منظم بودن طراحی خیابان ها	●
۲	پیاده راه کردن خیابان های کوچک	●
۲	افزایش استفاده از وسایل نقلیه عمومی	●
۳	به کار گیری رنگ برای نشاط شهری	●
۵	افزایش استفاده از دوچرخه در حمل و نقل شهری	●

■ محیط زیست شهر

در حوزه محیط زیست شهر، بیشترین دغدغه در این گروه سنی نیز دغدغه آلودگی هوا بود.



فراوانی	کد	رنگ
۳	کاهش ترافیک شهری	●
۳	حمایت از گونه های حیوانی در فضای شهری	●
۷	افزایش رسیدگی به فضای سبز شهر	●
۸	رفع آلودگی هوای شهر	●

■ فضای تعاملی شهر

در این گروه سنی، دغدغه همدلی و کمک مردم به یکدیگر به عنوان مهم ترین نیاز در فضای ارتباطات انسانی دیده می شود.

فراوانی	کد	رنگ
۱	نیاز به ارتباط با دوستان	●
۱	نیاز به در کنار هم بودن مردم	●
۱	نیاز به وجود جشن های جمعی و نشاط در شهر	●
۲	نیاز به وجود آرامش در فضای شهر	●
۲	نیاز به امید دادن به مردم	●
۵	نیاز به همدلی بیشتر مردم با هم	●

■ فضاهای عمومی شهر

از میان فضاهای عمومی شهر، خیابان و شهر بازی بیشترین فراوانی را داشتند.

فراوانی	کد	رنگ
۱	اغذیه فروشی	●
۱	شهرداری	●
۱	اتوبوس و بی آر تی	●
۱	پارک بازی کودکان	●
۱	پارک و فضای سبز	●
۳	مسجد	●
۳	شهر بازی	●
۹	خیابان	●

■ مهم ترین المان های شهری

به مانند دو گروه قبلی، آپارتمان نشینی و برج نشینی و همینطور برج میلاد به عنوان مهمترین نمادهای شهر تهران استفاده شده بودند.

فرآوانی	کد	رنگ
۲	کوه دماوند	●
۲	پل طبیعت	●
۵	برج آزادی	●
۱۸	برج میلاد	●
۲۱	آپارتمان نشینی و برج نشینی	●

■ کرونا

کرونا، بیش از همه فرصت تفریح کردن را از این گروه سنی گرفته است.

فرآوانی	کد	رنگ
۱	نیاز به شادی های جمعی	●
۱	نیاز به کنار هم بودن و حمایت از همدیگر در گذر از کرونا	●
۱	نیاز به دوباره ارتباط داشتن با بچه ها	●
۳	نیاز به بیرون آمدن از انزوا و ملال کرونا	●
۳	نیاز به کاهش اضطراب عمومی	●
۳	نیاز به دوباره تفریح کردن	●

■ فراگیرها

آثار ارسالی این گروه از شرکت کنندگان (افراد دارای معلولیت)، کم تعداد بود و عمدتاً عناصر بسیار ساده ای را در بر می گرفت.

مجموع	فضای تعاملی شهر	مهمترین المان های شهری	فضاهای عمومی شهر	ایده هایی برای تغییر	فراگیر
۲۱	۱	۹	۹	۲	فراگیر
۲۱	۱	۹	۹	۲	مجموع

■ ایده هایی برای تغییر

فرآوانی	کد	رنگ
۱	افزایش استفاده از دوچرخه در حمل و نقل شهری	●
۱	افزایش استفاده از وسایل نقلیه عمومی	●



■ فضاهای عمومی شهر

فرآوانی	کد	رنگ
۱	قطار شهری	●
۳	پارک بازی کودکان	●
۵	خیابان	●

■ مهمترین المان های شهری

فرآوانی	کد	رنگ
۱	برج آزادی	●
۴	آپارتمان نشینی و برج نشینی	●
۴	برج میلاد	●

■ فضای تعاملی شهر

فرآوانی	کد	رنگ
۱	نیاز به همدلی بیشتر مردم با هم	●

جمع بندی نشانه شناسی

- چنان که گفته شد در گروه سنی ۴ تا ۷ ساله ها، مهمترین ایده ها برای تغییر به کارگیری رنگ (اعم از رنگ بندی خانه ها، رنگ بندی سطل های زباله و به کار بردن رنگ در پارک ها) بود اما در هر دو گروه های سنی بالاتر، در درجه نخست مهم ترین ایده افزایش استفاده از دوچرخه در حمل و نقل شهری و پس از آن به کارگیری رنگ برای نشاط شهری، بود.

وجه مشترک ایده پردازی های کودکان برای آینده شهر، به کارگیری تنوع رنگی در طراحی فضای شهری است و از سویی دیگر نشان میدهد که شهر موجود آنچنان که آنها دوست دارند، شاد و رنگین نیست.

- در زمینه اشاره به فضاهای عمومی شهر، در میان گروه سنی ۴ تا ۷ ساله، خیابان و مسجد بیشترین فراوانی را داشتند. در گروه سنی ۸ تا ۱۱ ساله ها از میان فضاهای عمومی شهر، خیابان و پارک بازی کودکان بیشتری بسامد را داشت و در گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ ساله ها، خیابان و شهر بازی بیشترین فراوانی را داشتند. توجه به عنصر خیابان در نقاشی ها که وجه مشترک همه گروه های سنی است، نشان میدهد که تقریباً اغلب کودکان در تصور شهر خیالیشان خیابان هایی پر رونق، شاد و مناسب برای پیاده ها و سواره ها را تخیل می کنند.

- در زمینه اشاره به المان های شهری در هر سه گروه سنی، برج نشینی و آپارتمان نشینی و برج میلاد را به عنوان مهم ترین نمادهای شهر تهران استفاده کرده بودند.

- در زمینه اشاره به دغدغه های محیط زیستی، مهم ترین دغدغه کودکان ۴ تا ۷ ساله، مربوط به افزایش فضای سبز در شهر و پس از آن کاهش آلودگی هوا بود و در دو گروه سنی بعدی بیشترین دغدغه محیط زیستی کودکان آلودگی هوای شهر و پس از آن حفظ فضای سبز شهر بود.
- در حوزه فضای تعاملی و ارتباط انسان ها با هم، در دو گروه سنی ۴ تا ۷ ساله و ۸ تا ۱۱ ساله بیشترین دغدغه، نیاز به وجود جشن ها و فضاهای نشاط جمعی بود. در گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ ساله مهم ترین دغدغه، همدلی و کمک مردم به یکدیگر بود.
- در زمینه دغدغه های مرتبط با کرونا، بیشترین نیاز کودکان در گروه سنی ۴ تا ۷ ساله، ارتباط با دوستانشان بود. در دو گروه سنی ۸ تا ۱۱ ساله و ۱۲ تا ۱۴ ساله نیز مسئله نیاز دوباره به تفریح کردن مطرح بود.
- در زمینه توجه به نیاز های گروه های خاص، کودکان در سه گروه سنی به سالمندان، معلولین و کودکان کار اشاره کرده بودند.



فصل پنچ

تحلیل انتقادی
عملکرد مسابقه نقاشی
پیشنهادهای مدیریتی

انتقادات بر شیوه گردآوری آثار

به نظر می‌رسد با توجه به شرایط جدید به وجود آمده در کشور به دلیل کرونا، آثار گردآوری شده امسال از جهت کیفیت در نسبت با سال گذشته، تفاوت قابل توجهی داشته است و شواهد و دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد نیاز است برای سال آینده، فضای بهتری برای جلب مشارکت آگاهانه کودکان فراهم شود. این دلایل عبارت اند از:

■ کلیشه ای بودن آثار ارسالی به دلیل نداشتن دید شهری

به باور دو نفر از داوران که در هر دو سال داوری آثار را بر عهده داشتند، زاویه دید و المان های به کار رفته در آثار نشان می دهد که کودکان بیشتر شهر را کلیشه ای توصیف کرده اند و از زاویه دید خودشان حرف زده اند:

در مرحله قبل و سال گذشته این شانس را داشتیم که خیلی از این بچه ها در کانون در شهر خودشان در کارگاه های کانون پرورش یا کارگاه های آموزشگاه خصوصی یا سرای محله یا جاهای مختلف می آمدند جمع می شدند آنجا کار می کردند و خیلی ها در خانه و خیلی ها در مراکز کار می کردند. خوبی کار کردن در مرکز این است که معلم بچه ها را در جریان موضوع شهر قرار می دهد. معتقدم قبل از جشنواره نقاشی نیاز به گفت و گو درباره شهر با بچه ها داریم و پارسال این نقش در کارها دیده می شد. وقتی کارگاه دارید مربی در فرهنگسرا، سرای محله، کانون پرورش یا آموزشگاه خصوصی گفت و گو انجام می دهد از بچه ها می خواهد بیرون را نگاه کنند و المان های ساده شهر و فضای خودشان را ببینند و این باعث می شود دیدگاه تازه ای به وجود بیاید و تصویرش از نقاشی شهر تهران، در ذهن او فقط برج ها نباشد، بلکه عناصر خیلی ساده اطراف خودش باشد. ممکن است حاشیه نشین باشند و فضای آلاچیق ببینند یا فضایی ببینند که برج یا ساختمان چند طبقه نداشته باشد، یک ساختمان کوچک باشد. این ها نشان دهنده این است که بچه ها امکان کارگاهی نداشتند که دورهم بنشینند صحبت کنند. مربی در مورد شهر و اهمیت آن حرف بزند ویژگی های شهر را بگوید. بیشتر بچه ها متوجه نیستند المان های شهری در نقاشی هایشان می تواند کنار هم باشد... چیزهای خیلی معمولی که در کوچه و محله ها دیده می شود، چون گفت و گو و کارگاه نیست ذهن و زاویه دید بچه ها خیلی بسته می شود و به چیزهای عامی فکر می کنند که بیشتر تجسمی و محدود است (آ. اکرمی). این مسئله در رابطه با آثار ارسالی کانون پرورش فکری نیز وجود داشت:

امسال به لحاظ کمی تعداد آثار کودکان در کانون پرورش فکری از سال گذشته کمتر بود (پارسال ۴۰۰ اثر و امسال ۲۳۲ اثر) از جهت کیفیت هم به نظر من کیفیت آثار به نسبت پارسال ضعیف تر بود و این به خاطر شرایط کتابخانه و فرهنگسراها نبود بلکه به دلیل مجازی بودن این اتفاق افتاد. در کلاس مربی به شکل مستقیم با بچه صحبت می کند بالای سر بچه است ولی وقتی مجازی باشد، طبیعی است که کیفیتش پایین تر باشد. حالا کار آموزش و پرورش و شاد را باید کلاً کنار می گذاشتید! طرف عکس را آورده است عکس جلد کتاب پارسال را برای مسابقه فرستاده است! شاید بگویم ۹۰ درصد کارها فاقد دقت بود، بحثم نسبت به تکنیک و متریال آن نیست، بحثم در مورد نوع نگاه بچه است. اصلاً پرت بود هیچ چیزی را عنوان نکرده بود. یا اگر پدر و مادر کمک کرده بودند هیچ کدام از شاخص هایی که مثلاً در شهر تهران مهم بود را نکشیده بود، اصلاً به موضوع توجه نکرده بود (خ. حاتمیان).

■ کم تعداد و بی کیفیت بودن کارگاه ها به دلیل مجازی بودن

سال گذشته تلاش بیشتری داشتیم و بیشتر به هم نزدیک بودیم، همان نفس گرمی که حضور ایجاد می کند در فضای مجازی نیست. امسال من خیلی در مرحله آماده شدن تلاش ندیدم و برای آن برنامه ریزی نشده است. شاید امکانات بودجه ای یا عدم آماده بودن برای زمینه جدید مجازی کار کردن و چیزهای یاز این قبیل بوده است. کارگاه هایی هم که برگزار شده با وسعت و کیفیت خیلی کم بوده، چون کار هنری در کارگاه مجازی اصلاً معنا ندارد. مگر اینکه بیاید روش کار یکسانی را تنظیم کنید که این نیازمند وقت زیاد و کمک گرفتن از بقیه نهادهای است و این کار را خیلی سخت می کند. وقتی کارگاه حضوری هست نفس گرم مربی و کسانی که کنار شما هستند خیلی به شما کمک می کند ولی وقتی فضا دور هست مربی واقعاً نمی تواند زیاد کمک کند فقط می تواند توضیحات ساده ای بگوید (آ. اکرمی).



■ ناکافی بودن امکانات برای آماده سازی کودکان

علاوه بر این به باور داوران، نابرابری کودکان در دسترسی به امکانات به خصوص در سال جاری مسئله‌ای جدی بوده است و اگرچه اقلام هنری رایگان از طریق مناطق شهرداری و مراکز کانون پرورش فکری در اختیار کودکان قرار گرفته است اما به نظر می‌رسد عملاً توزیع اقلام هنری توسط شهرداری به قدر کفایت نبوده است:

واقعیت این است که چون امسال بچه‌ها در خانه کار می‌کردند و با توجه به اینکه شرایط اقتصادی خانواده‌ها امسال خوب نبود و خیلی از مراکز کانون در جاهایی که کم‌برخوردار و جنوب شهرند، مستقرند، این عوامل باعث شد که از لحاظ مواد و متریال خیلی از بچه‌ها قوی نباشند. امسال بعضی از بچه‌ها حتی یکی روی مقوا شیرینی نقاشی کرده بودند. این‌ها به لحاظ بصری خیلی تأثیرگذار است. وقتی بچه گواش خشک شده را آب می‌بندد، هم می‌زند و کار می‌کند، رنگش یکجا روی کاغذ و آبش یک جای دیگر روی کاغذ می‌ماند. (خ. حاتمیان).

وقتی کار بچه‌ها را می‌بینیم محدودیت‌های خانوادگی و روحی و امکاناتی که دارند همه ملاک است که یک بچه دارد چه کار می‌کند. بسیاری از این‌ها که در کانون هستند مربی داشتند که کمکشان کرده تا درک شود. بسیاری از بچه‌ها اما محرومیت را در کارشان می‌توان دید. به خصوص در آثاری که از شهرستان‌ها ارسال شده این پیداست (آ. بنی‌اسد).

به نظر می‌رسد عملکرد مجری در سال گذشته در زمینه توزیع اقلام، بهتر بوده است در نسبت با امسال: پارسال شهرداری آمد و کار خیلی خوبی انجام داد، از ما نظرسنجی کردند و برای کارگاه‌ها ملزومات خریداری کردند در اختیار همکاران قرار دادند ولی امسال این اتفاق نیفتاد یا به موقع نیفتاد که همکاران ما بتوانند این ملزومات را در اختیار بچه‌ها قرار دهند و کارهای باکیفیت ارائه دهند و نتیجه این شد که از لحاظ تعداد و کیفیت کار ضعیف بود ولی پارسال به جهت اینکه ملزوماتی که به کمک شهرداری تهیه شده بود و داده بودیم، شرایط خیلی بهتر بود (خ. حاتمیان).

انتقادات بر فرم اجرایی برنامه: مسابقه محوری

یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که بر فرم اجرایی برنامه از سوی صاحب نظران مطرح شد، محوریت مسابقه در این برنامه بود: ابزار مسابقه و آمارهای فریبنده، باعث صوری شدن مشارکت می‌شود. اینکه تعداد زیاد بوده پس موفق بودیم، نتیجه خیلی اشتباه و خطرناکی است. ما گاهی وقت‌ها اگر صدای ده کودک را در شهر درست بشنویم، شاید خیلی مناسب تر باشد تا اینکه ده هزار اثر مشارکتی صوری داشته باشیم که بزرگترها به نوعی ترغیب یا تحمیل کردند که بچه‌ها بفرستند. این مشکل را من در خیلی از مسابقات دیدم که کودکان برای رفع تکلیف اثری می‌فرستند. نه فکر کودک، نه دقتی در فرم و محتوای اثر و نه حتی دقتی در نحوه ارسال اثر می‌بینیم. این‌ها آسیب هست و باید به راه‌هایی برای کاهش آسیب فکر کرد (آ. یحیی‌پور).

به نظر من مسابقه حتماً بدترین فرمی است که می‌تواند یک برنامه در آن اجرا شود. در مسابقه موضوع این است که بچه‌ها باید از هم جلو بیفتند و نوعی رقابت کاذب ایجاد می‌شود. در حالی که بچه‌ها مشارکت واقعی‌شان باید جلب شود. اینکه ما به آنها هدیه‌ای متناسب بدهیم، یا اینکه بخواهیم آنها رو حتی در دسته‌های مختلف با گروه‌های بزرگتر رتبه بندی کنیم، باز هم بد هست، این جنبه‌ی رقابت‌آمیز مسابقه نقاشی به خصوص برای بچه‌های دبستان بسیار مضر است (خ. کمالی).

با این حال لازم است ادله و پاسخ مسئولین برگزاری برنامه مبنی بر ناگزیر بودن از مسابقه محوری را نیز مطرح کنیم، به باور آنها مشارکت حداکثری اهمیت دارد و به معنی دغدغه مند کردن بخش بیشتری از کودکان درباره شهر است:

ما برای این برنامه تجربه جشنواره‌ها و برنامه‌های دیگر را بررسی کردیم. برای مثال ما در ایران فستیوال صلح از نگاه کودکان را داریم اما عموماً اثری در آن جمع نشده است. یک مشکل جدی که خیلی زمینه‌ای تر هست و به هر حال شاید ما هم داریم دامنش می‌زنیم این است که بچه‌ها زمانی که احساس می‌کنند کارشان دیده و مطرح می‌شود شروع می‌کنند به میدان آمدن و مشارکت کردن. ما امسال ۱۷۸۷۴ اثر جمع کردیم، البته در بستر فضای مجازی و سایت همه آثار را بارگذاری کردیم ولی سایت برای بچه‌ها جذاب نیست و صرف دیده شدن در سایت برای مخاطب

جذابیت ایجاد نمی کند که مشارکت کند. ما تلاش کردیم بچه ها را تشویق کنیم که به شهر فکر کنند و هم زمان قابلیت های هنریشان را تقویت کنند، وقتی شما به عنوان کودک پوئن می گیرید، ناخودآگاه در آن حوزه تقویت می شوید و جدی تر کار می کنید، همین امسال سه نفر از بچه هایی که سال پیش برنز گرفته بودند، طلا گرفتند و یکی از دلائلش این بود که می گفتند ما امسال تلاش کردیم ببینیم شهر چه چیزهایی دارد که قبلا ندیدیم و خوب شاید به دلیل همین مسابقه بودندش بود که این پویایی به وجود آمد. ولی به صورت کلی این مسئله را قبول داریم که خود ذات مسابقه فضا را رقابتی می کند (خ. رمضان خواه).

مسئولین برنامه شیوه هایی را برای کاهش آسیب های مسابقه محوری اجرا کردند:

تلاش کردیم که این رقابت عادلانه باشد، علی رغم اینکه ما مدال طلا و برنز می دهیم، اولا جایزه هایشان هیچ فرقی با هم نمی کرد و فقط مدال فرق داشت. دوما اینکه تلاش کردیم برای همه بچه هایی که برای ما نقاشی کشیدند، حتی آنهایی که به مرحله اول داوری هم نرسیدند، یک تقدیر نامه بفرستیم و احساس در ارتباط بودن با ما را حس بکنند. نکته بعدی اینکه این بچه ها در سطح خودشان ارزیابی کردیم، هر رده سنی را فقط با خودش مقایسه کردیم (خ. رمضان خواه).

■ راهکارهای مدیریتی

برای جلوگیری از صوری شدن مشارکت در مسابقه نقاشی، می توان از شیوه های زیر بهره برد:

■ جمععی کردن ارسال آثار

بهتر هست بعد از چند سال که این مسابقه برگزار شده و تا حدی شناخته شده است، کودکان را تشویق کنیم که در ابعاد بزرگتر نقاشی های جمععی بکشند و هر چه تعداد افراد بیشتری با هم توانسته باشند مفهوم مشترکی را بسازند، اگر هم قرار هست جایزه ای داده شود به صورت گروهی داده شود. جایزه ها باید به همه داده شود و جنبه ی مادی نداشته باشد مثلا چیزی شبیه بن کتاب باشد که کودک خودش چیزی که می خواهد را تهیه کند (خ. کمالی).

■ تداوم مشارکت برای جبران کاستی

تداوم دادن به کار بچه ها شاید کاری باشد که از صوری شدن مشارکت جلوگیری کند. شاید بتوان کتاب برگزیده ی کودکان مسابقه را به همراه یادداشت های کودکان دیگر درباره ی این نقاشی ها چاپ کرد، نمایشگاهی برگزار کنند که در کنار نقاشی یک کودک، کودکان دیگر درباره آن نقاشی نظر داده اند و حرف زده اند. کار را می شود تداوم داد بین خود آن بچه ها و بین بچه های دیگر. اگر مجبورید برای جلب مشارکت حداکثری، فرم مسابقه را اجرا کنید، بهتر است در ادامه با تشکیل گروه های شرکت کنندگان و اظهار نظر در فضای مستقیم تر، کاستی های این شیوه از مشارکت را جبران کنید. (آ. یحیی پور)

■ جشنواره به جای مسابقه

شاید بعد از چندین سال برگزاری مسابقه نقاشی و شناخته شدن این برنامه، بتوان با تقویت حوزه اطلاع رسانی و تبلیغات، مشارکت کودکان را تا سطح زیادی حفظ کرد و به جای آن از فرم هایی مانند جشنواره یا فستیوال در اجرا استفاده کرد:

به نظر بنده درست است که مسابقه ای که برگزار شده همه در آن برنده اند اما به هر حال مسابقه است و یک عده برگزیده شده اند و جایزه گرفته اند و این عارضه ای را برای کودکان به وجود می آورد. بچه هایی که در این مسابقه برنده می شوند، یک جور خودشیفتگی و خودباوری کاذب در آنها به وجود می آید و فکر می کنند شناخت کاملی از شهر و هنر دارند و این جلوی جست و جوی آینده آنها را می گیرد و عارضه ی تربیتی دارد. در جاهای دیگر دنیا، ما به جای مسابقه نقاشی در حوزه شهر، فستیوال داریم که هیچ برنده و بازنده ای ندارد. فستیوال در قالب یک جشن و همکاری جمععی است و کودکان و خانواده ها در فضایی شاد گرد هم می آیند. در ایران هم به این صورت می تواند باشد که شهرداری در جاهای مختلف شهر به صورت هماهنگ در چند روز، جداره های پارک ها یا خیابان های مشخصی را به نقاشی کودکان اختصاص دهد. برای اینکه کارها بعد هنری داشته باشد و اغتشاش بصری به وجود نیاید، به هر کودک یک کاشی داده شود و کارها در نهایت همه پخته شود و روی همان دیوارها



نصب شود. این کارها باعث ماندگار شدن نقاشی ها می شود و آثار بچه ها را همیشگی می کند (خ. افشاری).



انتقادات بر شیوه تحلیل آثار

منتقدین تحلیل آثار کودکان این باورند که اساساً امکان نشانه شناسی آثار کودکان بدون حضور صاحب اثر منتفی است چرا که کودک برخلاف بزرگسال، نمی تواند عامدانه از تصویر به عنوان نماد استفاده کند و همین مانع باعث می شود در تحلیل، ساده سازی صورت گیرد. برای مثال خانم دکتر کمالی، از محققین حوزه جامعه شناسی کودک می معتقدند:

ممکن است به دلیل اینکه بچه ها فرم های یکسانی را به کار می برند مثلاً همه خانه می کشند با فرمت ثابتی، همین باعث شود، تحلیل گر فکر کند همه ی کودکان دارند یک حرف را می زنند. در تحلیل آثار کودکان به اعتقاد من کودک خودش باید حضور داشته باشد و نظرش را درباره محتوای بگوید تا ما بتوانیم واقعاً صدای آنها را بشنویم، در غیر این صورت از روی ظاهر نقاشی نمی شود دقیقاً آنچه که بچه ها مد نظرشان هست را فهمید و نهایت کاری که می شود کرد همین مدل تحلیل محتواست که لزوماً حرف کودکان را منتقل نمی کند. به عنوان مثال یک کودک مسجد کشیده چون نزدیک خانه آنهاست و صدایش آزارش میدهد و برای یکی مسجد جایی هست که دوست دارد در آن حضور داشته باشد. هر دو یک مسجد در نقاشی می کشند اما معانی متفاوت است. یا مثلاً رنگ کردن سطل های زباله که در نقاشی ها هست، ممکن است گویای یک ناراحتی و مشکل کودک باشد، برای مثال جلوی خانه شان یک سطل زباله است که همیشه محیط جلوی خانه را آلوده کرده. بچه ممکن است به همین واسطه بخواهد ناراحتی اش از سطل زباله را نشان دهد. مثلاً فرض کنید، رنگ یا شکل بهتری در نظر بگیرد. ممکن است از اینکه سطل زباله هست دغدغه ی نظافت و پاکیزگی را دارد و از آلودگی محیطی رنج می کشد. بنابراین ما نمی توانیم بدون اینکه به خود کودکان برای تفسیر اثر برگردیم، اثر آنها را تحلیل کنیم. ما بدون توضیح کودکان نمی توانیم نیت ذهنی آنها را متوجه شویم.. دکتر بنی اسدی، داور و استاد هنر دانشگاه تهران هم معتقدند که نشانه شناسی آثار بی معنی است:

به نظرم نشانه شناسی آثار کودکان اصلاً معنی ندارد چون به شدت تأثیرات رسانه ها باعث شده است که بچه ها از فرم های یکسانی استفاده کنند و انگار رفتار خطی بیشتر مد شده است.

در رابطه با تحلیل کمی آثار هم، برخی صاحب نظران بر این باورند که تحلیل های کمی فایده خاصی ندارد:

تحلیل کمی آثار به نظر من ما را به جای خیلی خاصی نمی رساند و اکثر بچه ها از چیزهایی که در اطرافشان می بینند الهام می گیرند برای رساندن مطلبشان، بنابراین در استفاده از المان های شهری یا نمادها، یا سایر مفاهیم من فکر نمی کنم که آگاهانه انتخاب شده باشند و صرفاً چیزهایی هستند که دور و برشان دیده اند و کشیده اند (خ. کمالی).

■ راهکار مدیریتی: تحلیل به همراه خود کودکان

یکی از شیوه هایی که هم می تواند در استمرار مشارکت کودکان مؤثر باشد و هم اعتبار تحلیل آثار کودکان را بیشتر کند، بهره بردن از کودکان در تحلیل است: ما از کجا می توانیم دقیقاً بفهمیم شهر ایدئال کودکان چه ویژگی هایی دارد؟ تنها در صورتی که خود کودک باشد، اگر این طور باشد بله هم میشود شرایط حاضر را تحلیل کرد و هم شرایط آتی را. از این طریق می توان فهمید درک کودک از وضعیت فعلی چیست و آیا آسیب ها و پیامدهای مثبت یا منفی دارد و بر همان مبنا استراتژی ها و راه حل های کودکان برای بهتر شدن شرایط را از دل کارها بیرون کشید. بخشی از ایده ها و افکار بچه ها در نقاشی متبلور می شود و این با یک نقاش بزرگسال که می تواند المان های مستقیم و غیر مستقیمی را به کار ببرد که منظوری را منتقل کند. به اعتقاد من تحلیل و نشانه شناسی آثار کودکان بدون حضور خود کودکان اساساً معنی ندارد (خ. کمالی).

ضمائم

متن
مصاحبه ها

اطلاعات مصاحبه‌شوندگان



مدیر کل اداره کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران	آقای دانشور
معاون اداره کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران	خانم رمضان خواه
معاون اداره کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران	آقای سلیمیان
کارشناس مسئول اجرای پروژه مسابقه	خانم مؤذنی
معاون برنامه ریزی، توسعه سرمایه انسانی و امور شور ا	آقای دکتر مظاهریان
ریاست مرکز ارتباطات شهرداری تهران	آقای غلامحسین محمدی
عضو شورای شهر تهران	خانم شهربانو امانی
داور دو دوره مسابقه نقاشی	آقای جمال الدین اکرمی
داور و هماهنگ کننده کارگاه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	خانم حاتمیان
داور دو دوره مسابقه نقاشی	آقای بنی اسدی
داور دوره دوم مسابقه نقاشی	خانم آتوسا صالحی
داور دوره دوم مسابقه نقاشی	خانم حدیثه قربان
بازدید کننده از نمایشگاه، نویسنده و معاون سابق کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	آقای یحیی پور
بازدید کننده و استاد جامعه شناسی دانشگاه الزهرا	خانم دکتر کمالی

مصاحبه های کوتاه مجموعه بازدید کنندگان
حسن خلیل آبادی
شینا انصاری
محمد جواد حق شناس
ابراهیم امینی
عبدالرضا گلپایگانی، افشاری

دبیرخانه شهردوستدار کودک

■ مجتبی دانشور

مدیر کل اداره کل

آموزش های شهروندی



؟ اهداف اولیه شما از اجرای این طرح چه بود؟

خدمت شما عرض کنم در خصوص ایده اجرای این کار که فرمودید این بحث به موضوع مصوبه شهر دوستدار کودک برمی گردد و الزامی که شورای شهر تهران حدود ۱۲ سال پیش (باید سال مصوبه را نگاه کنم تا دقیق بگویم) داشته مبنی بر اینکه شهرداری تهران زمینه های لازم برای تحقق الگوی شهر دوستدار کودک را بتواند پیاده کند. یکی از پارامترهای اصلی این الگو کسب نظر و دیدگاه کودکان نسبت به شهر و محیط زندگی خودشان و دخالت نظرهای ما در مدیریت شهری و اداره شهر است. ما بستر مسابقه نقاشی را بر همین اساس پایه ریزی کردیم و از بچه ها خواستیم شهری را که دوست دارند و رؤیایشان هست را نقاشی کنند. سال گذشته دقیقاً با همین موضوع پیش رفتیم و از بچه ها خواستیم در این قالب کار را برای ما بفرستند.

نکته دومی که در مورد امسال بود بچه ها با توجه به شیوع کرونا و تعطیلی مدارس بیشتر در خانه بودند و خواستیم موضوع را طوری ببریم که این خلأ را خیلی به چشم بچه ها نیاوریم و از آن طرف هم با یک زاویه دید دیگری به شهر نگاه کنیم که موضوع را گذاشتیم شهری را که دوست دارم از پشت پنجره خانه مان ببینم. در واقع هدف بعدی ما شاید بتوانیم بگویم کشف استعدادها و زمینه های لازم برای کشف استعداد کودکان در این حوزه بود. از وظایف شهرداری تهران در حوزه فرهنگی و اجتماعی همین است، تأسیس فرهنگسراها و سراهای محلات بر همین اساس بوده که ما بتوانیم بسترهای لازم برای کشف استعداد کودکان و نوجوانان داشته باشیم. مسابقه می تواند یک بستر مناسبی باشد که بچه ها خود را با همسالان خود محک بزنند.

نکته سوم هم اینکه به نحوی بتوانیم در پر کردن اوقات فراغت بچه ها و اینکه بچه ها بتوانند زمانی را متناسب با این موضوع کار کنند، نقاشی بکشند و برای ما بفرستند را بتوانیم پر کنیم و در خصوص این سه گام در مسابقه قدم برداشتیم.

؟ آیا با توجه به تجربه سال گذشته، استفاده ای از ایده ها و دغدغه های کودکان در سیاست گذاری شما انجام گرفت؟ مسال در نظر دارید به چه شیوه ای در سیاست گذاری استفاده کنید؟ ممکن این دغدغه از جانب فعالان مدنی مطرح شود که شهرداری ایده شهردوستدار کودک را به صرفاً یک حرکت نمادین مسابقه تقلیل داده است و عملاً این شکل از فعالیت را نمی توان مشارکت نامید. دفاع شما از مشارکتی بودن این ایده چیست؟

بله معمولاً متأسفانه در حوزه کودک به ویژه کار شکلی و فرمی خیلی باب است و خیلی از فعالیت هایی که متأسفانه در حوزه کودک می شود مخصوصاً در مشارکت پذیری از کودکان این اتفاق در آن افتاده است ما هم نمی گوییم از این

قضیه مبری نبودیم و ۱۰۰ درصد از این ایده و نظرها استفاده کردیم. خیر. در حد توانمان سعی کردیم این فضا را به این شکل پیش ببریم. همان طور که در ابتدا عرض کردم ما دبیرخانه شهر دوستدار کودک هستیم و در این حوزه برنامه ریزی می کنیم. سال گذشته پروژه محله دوستدار کودک را پیش بردیم و در اجتماعی کودک محور کار کردیم در جاهایی که تراکم بچه ها بیشتر است، تعداد محلات تهران را انتخاب کردیم و برای آن کار مطالعاتی شروع کردیم. در آن پروژه ما نقش و نظر بچه ها را به شیوه های مختلف می گرفتیم. استفاده از این نقاشی ها و دیتا بیس اولیه که از نقاشی های سال گذشته جمع شده بود در آن حوزه خیلی به ما کمک کرد ولی بیشتر فعلاً در فاز نظری هستیم. ما تا تحقق شهر دوستدار کودک خیلی فاصله داریم و اینکه بتوانیم به آن الگو برسیم و آن را پیاده کنیم قطعاً زمان، انرژی و همیاری بیشتری در حوزه های مختلف مدیریت شهری یا حتی فراتر از شهرداری تهران را می طلبد.

این حرکت ها حرکت نوپا است. امسال سال دوم است و یک سال را به طور کامل رد کردیم. امیدوارم بتوانیم جنبه مشارکت بیشتری به این حرکت بدهیم با استفاده از نظرات بچه ها و با استفاده از ایده ای که سال گذشته داشتیم مبنی بر اینکه کار بچه ها صرفاً در قالب یک مسابقه و جایزه نباشد. سال گذشته موفق شدیم کارهای بچه ها را در دو نوبت در شهر تهران اکران کنیم. فکر کنم مجموعاً دو بازه زمانی حدوداً ۱۵ تا ۲۰ روزه بود. بالای ۴۰۰ سازه شهری درگیر این اتفاق در این اکران ها شد که خودش بحث مشارکتی دارد. ما از آثار و نقاشی بچه ها به اسم خودشان در نماسازی و زیبایی شهر استفاده کردیم و توانستیم آن ها را در تابلوهای تبلیغات قرار دهیم. طبیعتاً این یک مشارکت پذیری و یک کار مشارکتی حداقلی است منظور از حداقلی از طرف ما بود چون بچه ها کار خودشان را کردند. امیدوارم بستر لازم فراهم شود که این کار مشارکتی بیشتر از قبل جلوه پیدا کند.

؟ مسابقه نقاشی شیوه ای برای گردآوری داده ها در حوزه مسائل شهری است. آیا شیوه های دیگری هم برای شنیدن صدا و نظرات کودکان دارید؟

همان طوری که عرض کردم مسابقه نقاشی یکی از آن راه هایی بود که ما از ایده و نظر بچه ها در اداره شهر استفاده کردیم. ما سال گذشته بعد از مسابقه نقاشی، مسابقه انشاءنویسی را داشتیم که شاید به تناسب نوع کار استقبالی مثل مسابقه نقاشی نشد ولی بالطبع بد نبود. حدوداً ۳۰۰۰ کار جمع شد که آمار دقیق تر آن را می توانم بگویم که آن کارها داوری شد و تعدادی به عنوان آثار برتر انتخاب و در قالب یک کتابچه منتشر شد.

یکی دیگر از کارهایی در جلب نظر کودکان یا استفاده از نظر بچه ها کردیم مصاحبه هایی هست که در پروژه محله دوستدار کودک داریم انجام می دهیم. ما در فرایند تدوین برنامه عملیاتی برای هر محله چند اقدام داریم: استفاده از اسناد بالادستی، استانداردهایی هست که در این حوزه تبیین شده است یکی پیمایش میدانی و بررسی نقطه به نقطه آن محله و فضایی است که کودک در آن رفت و آمد می کند و یکی از گام های اصلی ما جلب نظر ذی نفعان و یا مشارکت ذی نفعان است. بخش عمده ای از این ذی نفعان کودکان و نوجوانان هستند. به طور مثال بگویم ما در ۵ محله ابتدایی مان یک چیزی بالای ۸۰۰۰ ساعت مصاحبه داشتیم که بخش عمده ای از این ها مصاحبه هایی بود که با بچه ها داشتیم. در آن مصاحبه ها هم شیوه های مختلفی را به کار بردیم. بخشی از این ها شاید در قالب نقاشی بود. بخشی در قالب نگارش متن هایی در خصوص محله ای که دوست داریم. بود. بخشی در کارگاه ها و ورکشاپ ها بود که متأسفانه شروع کرونا

و استفاده از ظرفیت هنرمندان این حوزه بود. هنرمندان حوزه‌های مختلف بود. ما تبلیغ گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشتیم خیلی از هنرمندان در این حوزه به ما کمک کردند که اسامی افرادی که حضور ذهن دارم را می‌گویم تا بعد بتوانم گزارش دقیق‌تری به شما بدهم که آقایان احسان کرمی و هوتن شکبیا، خانم‌ها مهتاب کرامتی، لیلی رشیدی، الهام پناه‌زاد و خیلی‌های دیگر بودند که فراخوان و پوستر جشنواره را اطلاع‌رسانی کردند که این هم در جلب نظر کودکان نقش مهمی داشت. ما توانستیم از طریق تعاملی که با شبکه ۵ داشتیم، البته تعامل من باب تخفیف بود رایگان این اتفاق نیفتاد. تیزر را در نوبت‌های متنوعی در شبکه ۵ پخش کنیم که این هم فکر کنم نقش بسیار زیادی در دریافت آثار داشت. اگر واقعیت را بخواهید ذهنیت من نسبت به این حجم آثار نبود، چون شاید سال گذشته از ۹۰۰۰ کار بیش از ۶۰۰ درصد کارها را از سرای محلات از پاتوق‌های بچه‌ها جمع کردیم ولی امسال این پاتوق‌ها نبود و برداشتم این بود که شاید آن تعدادی از بچه‌ها که پارسال می‌خواستند کار را پست کنند اگر امسال بخواهند از طریق سامانه‌ای که ترتیب شده بود کار را بفرستند به ۴،۳ هزار نفر با رشد منطقی برسد، ولی این رشد ما را شگفت‌زده کرد امیدوارم در کیفیت کارها هم به این شکل باشد در این لحظه‌ای که من با شما صحبت می‌کنم هنوز مرحله داوری نهایی نشده است و امیدوارم کارهای باکیفیتی بیاید. ما امسال یک تغییری در شیوه دریافت کار داشتیم. شاید ارسال کار را راحت‌تر بکنند اما در فرایند ادامه کار کمی کار ما را سخت می‌کند اینکه از بچه‌ها خواستیم تصویر کارشان را برای ما بفرستند کارهایی که به مرحله نهایی داوری برسد نیاز به جمع‌آوری اصل کارها هست فکر کنم یک پروسه سنگینی را دنبال خواهد داشت. در سامانه‌ای که در «تهران من» و «تهران دات آی آر» تعبیه شده بود از بچه‌ها خواستیم نقاشی‌های خود را آنجا بارگذاری کنند و مشخصات خود را پر کنند. فکر می‌کنم با یک خطاهایی که قطعاً این سامانه‌ها دارند ما تکرار نداشتیم چون یکی از گزینه‌هایمان بر این بود که کد ملی و شماره موبایل تکراری نباشد، بعد از یک مدت چون احساس کردیم شاید چند بچه بخواهند با یک شماره موبایل ثبت کنند تکراری نبودن شماره موبایل را برداشتیم کد ملی گذاشتیم تا آنجایی که می‌دانم خطایی نبوده مگر اینکه خطای سیستمی باشد که یک نفر چند بار بتواند کار بفرستد. این را رعایت را کردیم و می‌توانم بگویم ۱۴۸۷۴ تا کار می‌تواند برای بیش از ۱۴۰۰۰ بچه بوده است.

چهار تمهیدی برای شنیده شدن صدای کودکان به حاشیه رانده شده، کودکان آسیب پذیر، کودکان مهاجر، کودکان با نیازهای ویژه (معلولین) طراحی کردید؟ چه اقداماتی کردید که فقط کودکان طبقه متوسط درگیر این پروژه نشوند؟

مسابقه نقاشی در این شکل عرض کردم سال گذشته اولین تجربه آن بود و امسال سال دوم بود که برای ما با توجه به شرایط فعلی جامعه تجربه جدیدی بود. ما امسال بخش معلولان را اضافه کردیم و بخش ویژه‌ای به اسم کودکان با نیازهای ویژه داریم و از ظرفیت کانون پرورش فکری و سازمان استثنایی استفاده کردیم. خیلی نتوانستیم کارها را به نسبت بقیه جمع کنیم ولی کارهای نسبتاً خوبی است کیفیت نسبت به کمیت آن خیلی برتری دارد. امسال این بخش را اضافه کردیم. در خصوص کودکان مهاجر و این تیپ کارها شما خیلی بهتر از من می‌دانید که شاید دسترسی به این‌ها برای اینکه مطمئن شویم نسبت به دست‌بندی این‌ها که کودک کار هستند یا کودک مهاجر که در این حوزه بتوانیم صحت اطلاعات را دقیق بسنجیم نیاز به آن تشکلهایی که دارد حالا در مدارس، انجیوها و کانون‌هایی که

روند ما را خیلی کند کرد و ما در ۵ مرحله اول که تا قبل از بهمن سال گذشته بود توانستیم مصاحبه حضوری داشته باشیم در ۹ مرحله دومی که الان دارد مراحل نهایی خودش را طی می‌کند، بیشتر سعی کردیم در بستر فضای مجازی کار را پیش ببریم. کلاً بحث مشارکت کودکان در پروژه‌های مختلفی که ما در اداره کل آموزش شهروندی اجرا می‌کنیم هر یک از آن‌ها بحث شهردار، مدرسه و مواردی از این دست هست، ولی می‌توانم این را بگویم که اگر بخواهم بگویم یک اقدام عملیاتی هست، خیر باید یک اقدام عملیاتی که بتواند ملموس باشد و ما بتوانیم اذعان کنیم این اتفاق اتفاقی است که حاصل مجموع نظرهای بچه‌ها بوده است، خیر. یکسری اقدامات خرد در محلات دوستدار کودک بر اساس نظرات بچه‌ها انجام شده ولی هنوز اول راه هستیم امیدواریم بتوانیم این شیوه را به بهترین شکل ممکن پیش ببریم.

آیا هر شش شیوه اطلاع‌رسانی که در دستور العمل مسابقه طراحی شده بود، اجرایی شد؟ تبلیغات محیطی-تبلیغات فضای مجازی-همکاری با شهرداری‌های مناطق-همکاری با مراکز فرهنگی خارج از شهرداری‌ها-همکاری با سازمان‌های غیردولتی-همکاری با آموزش و پرورش

امسال کمی شیوه اطلاع‌رسانی مان به نسبت سال گذشته تغییر پیدا کرد. باز هم تأکید می‌کنم با توجه به شرایطی که در جامعه برای کرونا هست، سال گذشته مدارس و کتابخانه‌های کانون پرورش فکری را داشتیم از همه مهم‌تر سراهای محله و خانه‌های کودک خودمان که یک شبکه گسترده را در شهر سامان می‌داد، آنجا سعی می‌کردیم از حضور در جمع بچه‌ها و تشویق مربیان به اینکه بچه‌ها به شهرشان فکر کنند و در مورد شهرشان نقاشی کنند بپردازیم. آن شیوه‌ای بود که در سال گذشته انجام شد در کنارش تبلیغات شهری، تلویزیونی، فضای مجازی و استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی یکی از کارهای ما بود ولی خیلی جدی به آن نگاه نکردیم. سال گذشته خلأ اطلاع‌رسانی را می‌توانستیم در این بسترها پوشش دهیم. امسال با توجه به این بحث، روی حوزه اطلاع‌رسانی خیلی تمرکز کردیم و رشد تقریباً حدوداً ۴۵ درصد که نسبت به سال گذشته در دریافت کارهای داشتیم که پارسال ۹۴۰۰ اثر جمع کردیم امسال ۱۴۸۷۴ اثر جمع کردیم که فکر کنم ۶۰۰ اثر بعد از تاریخ بود که با توجه به اینکه به فراخوان پایبند بودیم این کار را انجام ندادیم که آن کار را وارد گردش داوری کنیم و باید برای آن‌ها فکری کنیم با توجه به مشارکتی که بچه‌ها داشتند.

امسال تبلیغات شهری، استفاده از نصب پوستر در امکان پرتردد مثل مترو، ایستگاه‌های اتوبوس و مواردی از این قبیل یکی از راه‌های اطلاع‌رسانی ما بود که شاید خود من برداشتم این است خیلی نمی‌تواند تأثیر بگذارد. به این دلیل که بچه‌ها در شهر تردد نداشتند و اینکه در یک پوستر در یک نگاه خیلی نمی‌شود مفهوم مسابقه را رساند.

ما روی ۳ بخش کار ویژه کردیم: یک بخش استفاده از بسترهای شبکه‌های اجتماعی که بچه‌ها در آن وجود دارند که بحث اصلی ما در خصوص شبکه شاد می‌شود و با آموزش و پرورش شهر تهران این تعامل را داشتیم و توانستیم تبلیغات مسابقه نقاشی و فراخوان مسابقه نقاشی و همچنین کارگاه‌هایی با این مضمون را برگزار کنیم، کارگاه‌هایی که ما در آنجا در خصوص شهر و شهروندی با بچه‌ها صحبت کنیم اینکه آن‌ها هم نسبت به شهر خودشان مسئول هستند و در قبال خروجی آن ورک شاپ‌ها که در قالب ویدئوهای ضبط شده بود نقاشی‌هایی بود که به دبیرخانه ارسال شد. بحث سوم استفاده از ظرفیت شبکه اجتماعی عمومی

غیرانتفاعی و چه به صورت جاهایی که بچه ها را نگه می دارند از آن ظرفیت سال گذشته بیشتر توانستیم استفاده کنیم.

؟ اساساً چرا مسابقه ۲۴ ساعته صرف برگزاری نمایشگاه برای جلب نظر کودکان مؤثر نبود؟

اینکه چرا مسابقه؟ مسابقه شرایطی برای جمع آوری کارهای بچه ها بود. مسابقه می خواهد منجر به آن نمایشگاه شود. ما بتوانیم در یک فرایند رقابتی کارهای بچه ها را جمع کنیم. با توجه به نکته ای که همیشه خودم در کارهایی که در حوزه کودک انجام دادم مدنظرم بوده و فعالان این حوزه به ما توصیه کردند با توجه به سابقه ای که خودم در کانون داشتم اگر به فراخوان دو ساله ما دقت کنید، ما این مسابقه و جلب نظر بچه ها را با تشویق آن چنانی نداشتیم حالا خیلی عرف است در این حوزه که جوایزی مثل تبلت، دوربین عکاسی و مواردی از این دست می دهند، شما در فراخوان ما ردپایی از اعلام جایزه نمی بینید و بیشتر آن حس مشارکت بچه ها هست که کار را به این سمت می کشاند. حتی در سال گذشته در هدیه ای که به بچه ها دادیم بعد فرهنگی هدیه خیلی بیشتر بود. سعی کردیم کتاب و وسایل نقاشی متناسب با گروه سنی و سبک کاری که بچه ها می کنند بدهیم؛ یعنی آن تعداد کاری که به آن ها جایزه دادیم، سال گذشته یک اقدامی کردیم که امسال قطعاً با توجه به بانک اطلاعات خیلی کاملی که داریم خیلی بهتر می توانیم به همه بچه هایی که کار فرستادند گواهی حضور دادیم. سال گذشته چون خیلی از کارها به صورت دسته ای جمع شده بود بانک اطلاعاتی مناسبی نداشت ولی امسال بانک اطلاعاتی ما نسبتاً مناسب است و البته حجم کارها سختی دیگری را به دنبال دارد ولی می توانیم به بچه ها گواهی حضور بدهیم. اینکه مسابقه گذاشتیم به خاطر حس رقابت بین بچه ها که نظریات مختلفی در این زمینه هست. نظر خودم و دوستانی که با آن ها مشورت کردم این بود که اگر رقابت، رقابت سالم و مفیدی باشد و بچه ها برای بهتر شدن بتوانند تلاش کنند.

؟ چرا گروه سنی را محدود به ۴-۱۴ سال کردید؟ (طبق تعریف پیمان نامه کودک، کودکی تا ۱۸ سالگی است)

اینکه چرا ۴ تا ۱۴ سال؟ تجربه ای که خودم داشتم و نظری که با دوستانی که در این حوزه بودند سال گذشته برنامه ریزی می کردیم و کارشناسان و صاحب نظرهایی که در این حوزه بودند، در این گروه سنی نقاشی برای بچه ها جذاب تر است و بیشتر به سمت آن می روند. گروه سنی پایین تر شاید مفهومی از شهر و نقاشی به آن صورت نداشته باشند گروه سنی بالاتر هم معمولاً سبک و سیاق نقاشی شان به سمت تخصصی تر شدن می رود. اگر بچه ها در یک فرایند یادگیری شرکت بکنند در این سن ها به سمت سیاه قلم، آبرنگ و در این سطح می روند. الگوهایی که داشتیم، مسابقات نقاشی که در خارج از کشور برگزار شده بود مثل نقاشی که در چک برگزار می شود و نقاشی ژاپن که یکی از قدیمی ترین مسابقات نقاشی دنیا هست معمولاً روی همین بازه سنی حالا با یکی دو سال اختلاف بالا و پایین کار می کنند. در واقع بالای ۱۴ سال همان متوسطه دوم و دبیرستان می شود که بچه ها کمی تخصصی تر به موضوع نگاه می کنند و دیگر شاید نشود جنبه آماتوری به آن ها داد آن موقع یک مقدار حرفه ای می شوند و تفاوت ها خیلی بیشتر خواهد شد. در بخش اجرا سؤال ۳ به بعد را در خلال بقیه نکاتی که عرض کردم گفتیم در خصوص کودکان معلول را هم توضیح دادم. در خصوص کار از شهرستان هم بله

این تیپ بچه ها را نگهداری می کنند باشد که حالا باز هم این حرف تکراری که در طول این چند دقیقه بارها زدم، بحث کرونا این امکان را به ما نداد. امیدوارم سال آینده بتوانیم سازوکاری داشته باشیم طبیعتاً این جشنواره باید سال به سال به بلوغ اجرایی برسد و مخصوصاً اینکه در حوزه کودک است باید این تنوع را داشته باشد، چون طبیعتاً دامنه سنی ما که حدوداً ۱۱ سال است، حداقل بچه هایی که در این حوزه علاقه مند باشند ۴، ۵ سال به طور میانگین می توانند در این جشنواره شرکت بکنند و باید تنوع را در ادامه کار داشته باشیم که به بلوغ خودکار منجر می شود.

؟ توزیع منطقه ای نتایج آثار ارسال شده می دهد که بیش از ۴۷ درصد آثار تنها از دو منطقه ۱ و ۳ تهران (۸ درصد منطقه ۱ و ۳۹ درصد منطقه ۳) ارائه گردیده است که ثروتمند ترین مناطق شهر تهران هستند. فکر می کنید چرا مشارکت در سایر مناطق پایین بوده (آیا فکری کنید مسئله ای از سمت تبلیغات وجود داشته؟) و چطور می شود برای سال های بعد این مسئله را حل کرد؟

واقعیت را بخواهید این اطلاعاتی که در خصوص مناطق بوده را نمی دانم این آخرین آمار ما هست یا خبر ولی این حجم تمرکز روی منطقه فکر کنم خطای آماری دوستان من باشد، چون آمار دقیق را در این همه فاصله نمی توانیم داشته باشیم و اگر هم باشد به چند نکته برمی گردد یکی به فعالیت آموزش و پرورش آن منطقه که این یکی از بسترهای در خصوص فراخوان برگزاری کارگاه ها بوده است. کتابخانه کانون پرورش فکری اگر در آن منطقه بودند و اعضای داشتند که به صورت آنلاین آموزش می دادند همچنین فعالیت مدیران شهری و معاون اجتماعی منطقه که بخش عمده کارها توسط آن دوستان تبلیغ شده است، چون ما امکان بارگذاری دسته ای کار را نداشتیم و هر کسی باید کار خود را شخصاً بارگذاری می کرد صرفاً در این حوزه، حوزه تبلیغات بوده است. تنها حوزه ای که کارها به صورت دسته ای می توانست بارگذاری شود شاید حوزه مدارس و سامانه شاد بوده که از مجموع ۱۴ هزار کار چیزی نزدیک ۱۷۰۰ کار از سامانه شاد دست ما رسیده بوده که آن ها به صورت گروهی و کلاسیک ۲۰، ۳۰ نفر کارها را جمع آوری کرده بودند.

؟ در فراگیر کردن مسابقه از ظرفیت سازمان های مدنی و افراد تأثیر گذار بر افکار عمومی چه استفاده ای کردید؟

در خصوص استفاده از ظرفیت افراد و سازمان های مدنی؛ بله همان طور که عرض کردم در حوزه تبلیغات از بخشی از هنرمندان معروف یا سلبریتی ها در این حوزه استفاده کردیم که از بستر فضای مجازی شان می توانستیم کمکی بگیریم. از آن طرف هم نهادهایی مثل آموزشگاه های آموزش نقاشی آنلاین و کانون پرورش فکری را اگر بخواهیم به عنوان یک نهاد مدنی در نظر بگیریم در این بحث خیلی به ما کمک کرد، مخصوصاً کانون که صرفاً نشر فراخوان نبود و در همان فرایند ورک شاپی و کارگاهی برای بچه ها گذاشتند و بچه ها را با مقوله شهر و شهروندی آشنا کردند خروجی کارهای نسبتاً خوبی را توانستیم بگیریم که تعداد دقیق را در ادامه می توانم عرض کنم ولی از این ظرفیت انجمن های مدنی و گروه ها استفاده کردیم. در این حوزه در سال گذشته موفق تر بودیم ما توانستیم به دلیل شرایط سال گذشته از خیلی از آموزشگاه ها و مراکزی که بیشتر بچه ها با آن سروکار دارند چه به صورت مراکز خیریه و انجمن های

تغییراتی در آن رخ داد؟

یکی از کارهای مهمی که دبیرخانه شهر دوستدار کودک داشت این بود که با توجه به شیوع کرونا و تغییر وضعیت از اجرای برنامه های حضوری، کلیه فعالیت ها به سمت فعالیت های غیر حضوری و مجازی بود. این دوره در مسابقه نقاشی، کار عمده ای که قبلاً ما داشتیم، بخش اعظم آثار از طریق محلات و کلاسها و کارگاه هایی که در آنجا برگزار می شد، به دست می آمد ولی در دوره دوم ما آمدم یک شبیه سازی بزرگی از طریق سامانه شاد با همکاری آموزش و پرورش و کانون انجام دادیم و از طریق آن توانستیم شبکه ای را ایجاد کنیم و آثار را جمع آوری کنیم. یکی مهمترین کارهایی که در سال گذشته به دنبالش بودیم، تغییر رویکرد به سمت رویکردهای نوین بود و کلیه فعالیت هایی که دبیرخانه در سال گذشته انجام داد از طریق مجازی صورت گرفت حتی در حوزه محلات دوستدار کودک هم در بخش ذینفعان از طریق امکانات مجازی کارها را انجام دادیم.

یکی از اتفاقات مهمی که در مسابقه نقاشی یک و دو اتفاق افتاد این بود که ما از ظرفیت های درون و برون سازمانی برای برگزاری این مسابقه استفاده کامل را بردیم. استفاده از ظرفیت آموزش و پرورش شهر تهران و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و خانه های کودک از موضوعاتی بود که از ابتدا مد نظر دبیرخانه بود. در دوره یک و دو آموزش و پرورش از طریق معاون پرورشی مدارس، ضمن آموزش کودکان اطلاع رسانی کاملی به آنها در حوزه مسابقه نقاشی داشتند. در دوره جدید هم از بستر شبکه شاد برای آموزش کودکان و اطلاع رسانی و برگزاری کارگاه ها استفاده شد. کانون پرورش فکری کودکان هم در هر دو دوره توجه خاصی به این مسابقه نقاشی داشت و مشارکت خیلی نزدیکی با ما داشت، آثار از طریق مربیان کانون جمع آوری شد و در اختیار دبیرخانه قرار گرفت. یکی از ویژگی هایی که هم دوره یک و هم دوره دو از طریق کانون بود این بود که آثار کودکانی که در کانون نقاشی کشیده بودند، آموزش دیده بودند.

یکی از مداخل ورودی مهم آثار برای ما در هر دو دوره، کانون های کودک سرای محلات بود. در دوره اول، ما آموزش برای کودکان را از طریق مربیان داشتیم که به صورت حضوری برگزار شد و کلیه مربیان در دوره اول برایشان کارگاه آموزشی گذاشتیم تا بتوانند بچه ها را راهنمایی بکنند. در دوره دوم به دلیل بروز کرونا این قابلیت از طریق آموزش مجازی اجرا شد و بسیاری از مربیان سرای محلات ما با مشارکتی که با منطقه داشتند، از طریق فضای مجازی به بچه ها اطلاع رسانی و آموزش دادند، هر چند تعداد کارگاه ها محدود و کمتر از سال گذشته بود اما برخی آثار راه یافته تا مرحله پایانی داوری، از آثار ارسال شده از طریق سرای محلات بودند.

دبیرخانه برای بهره بردن از ایده های کودکان و اجرایی سازی آنها چه

اقداماتی صورت داده است؟

یکی از اصولی که در شهرهای دوستدار کودک به آن توجه جدی می شود، بحث اخذ نظرات کودکان و نوجوانان در موضوعات شهری است. به تبع این موضوع دبیرخانه شهر دوستدار کودک شهرداری تهران هم برای اخذ نظرات دانش آموزان و کودکان و نوجوانان اقدام به برگزاری دو دوره مسابقه نقاشی با موضوعات شهری کرد. به این دلیل که بتوانیم از دل این نقاشی ها، آمل و آرزوها و خواسته های کودکان و نوجوانان را در موضوعات شهری احصا کنیم و در اختیار مسئولین قرار

یک تعدادی از شهرستان داشتیم منتظر هستیم ببینیم فرایند داوری به چه شکل است. اگر کار به مرحله داوری راه پیدا کند آن وقت باید با شورای سیاست گذاری مشورتی کنیم که کار بچه های شهرستان را به چه صورت ببینیم. ایده اولیه من که باید مطرح کنم اینکه اگر کارها تعدادشان قابل ملاحظه باشد، به عنوان مهمان ویژه در نظر بگیریم چون موضوع ما در مورد تهران است شاید یک مقدار ناچیز باشد و آن ها را به عنوان مهمان ویژه در نظر می گیریم.

شیوه انتخاب داوران به چه صورت است؟

شیوه داوری چیزی که ما الان پیش بینی کردیم که تقریباً طبق همان داریم کار را پیش می بریم اینکه کارها در مرحله داوری اولیه که هیئت انتخاب است کارهای سنجیده می شود جدا از اینکه کارها باید کیفیت حداقلی به لحاظ فنی داشته باشند، کارها توسط مربیان بیشتر در اینجا بررسی می شود. یک ارزیابی می شود که کار کودک هست یا نیست و با توجه به تجربه، اصول و فراخوان هم دقت می شود که بازه سنی حفظ شده باشد و مواردی از این دست بررسی شود. اینجا یک تعداد از کارها حذف می شود مرحله دوم داوری باز توسط هیئت انتخاب هست که کارها مجدداً جدی تر بررسی می شود کارها به یک تعدادی برسد که ما الان در آن مرحله هستیم وارد مرحله نهایی هیئت داوران می شویم که کاملاً تیم متفاوتی است ترکیبی از نویسندگان کودک و نوجوان و اساتید آموزش نقاشی به حوزه کودکان و تصویرگر هستند که یک هیئت داوری ۵ نفره را تشکیل می دهند که کار داوری نهایی را انجام می دهند. پیش بینی من این است که حدوداً ۱۰ درصد کارها را در مرحله داوری نهایی ببریم. بر این اساس برنامه ریزی کردیم اگر در روند هیئت انتخاب دو مرحله ای مان مشکلی پیش نیاید.

سهیل سلیمیان

معاون طراحی آموزشی

اداره کل آموزشهای شهروندی



هدف و چشم انداز شما از اجرای

مسابقه نقاشی چه بود؟

یکی از چشم اندازهایی که برای شهرهای دوستدار کودک به آن توجه شده این است که همه کودکان و نوجوانان باید بتوانند از کودکی و نوجوانی خود لذت ببرند و از طریق احقاق برابر حقوق خود در شهر و محل سکونتشان توانایی های بالقوه خود را به طور کامل بالفعل در بیاورند. برای رسیدن به این چشم انداز، شهرهایی که به دنبال تبدیل شدن به شهر دوستدار کودک هستند، پنج هدف را عموماً دنبال می کنند که یکی از آن اهداف این است که نظر ها، نیازها، اولویت های همه کودکان و جوانان در قوانین عمومی مرتبط، فعالیت های شهری، سیاست ها، بودجه، برنامه و کلیه تصمیماتی که بر آنها تأثیر می گذارد، لحاظ شود.

شیوه گردآوری آثار مسابقه نقاشی چگونه بود و با توجه به شرایط کرونا چه

شهر را برای کودکان مناسب نمی کنیم، نتیجه اش پس زدن این کودکان از محیط های شهری است، ما شهر را به شیوه ای ساختیم که مورد علاقه مندی یک گروه خاص باشد و سایر گروه ها حسی را در این شهر دریافت نمی کنند و همین بیگانگی با شهر به وندالیسم و خشونت علیه فضاهای شهری می انجامد. برای مثال چقدر زمین های بازی برای کودکان و نوجوانان داریم، چقدر فضای پرسه زنی و پیاده روی داریم؟ آنچه که امروز در مسابقه نقاشی انجام دادیم این بود که این دو هدف را پوشش دهیم، یکی استخراج نیازهای اساسی شهر و دوم ترسیم یک نما از شهری که در آینده این کودکان به دنبالش هستند.

چرا مدیوم نقاشی را انتخاب کردید؟

عموماً نظر سنجی کردن از کودکان غیر ممکن است در صورتی که اصلاً ذات نظر سنجی یک اصل مهم و اساسی در برنامه ریزی است. نظر سنجی از کودکان به ویژه برای آینده نگری اهمیت زیادی پیدا می کند. بحث جدی کودکان این است که چون نمی شود مستقیم از آنها نظراتشان را پرسید، باید از روش های غیر مستقیم استفاده کرد، یا به آنها می گویند انشا بنویسند یا از طریق نقاشی ایده های آنها را استخراج می کنند. وقتی ما داریم درباره تهران صحبت می کنیم، عموماً کودکان در الگوی تهران شهری برای همه، نقشی نداشتند، چون کودکان خودشان حضور ندارند، عموماً صاحب تربیون نیستند. ما برای جا انداختن مفهوم شهر دوستدار کودک، بسیار راه سخت تر و پیچیده تری را در پیش داریم حتی از معلولین. وقتی شما می خواهید مصوبه ی شهر دوستدار معلولین را بنویسید، به راحتی می توانید از خود معلولین نظر خواهی کنید و آنها می توانند از تجربه های زیسته شان صحبت کنند و می توانند به بسیاری از سوالات مسئولین پاسخ دهند اما ما این وضعیت را درباره کودکان نداریم یا مثلاً وقتی می خواستیم لایحه امنیت زنان را جا بیندازیم، زنان می توانستند خودشان از تجربه هایشان بگویند اما کودکان چون حرف نمی زنند، یکی از مسائل جدی ما این است که در سیاست گذاری ها مغفول می شوند. ما نمی توانیم زبان کودکان باشیم. مسئله دوم هم این است که علی رغم اینکه مسئولان را نمی شناسیم، توان جا انداختن مسئله را نداریم. در صورتی که نقاشی یک ابزار است برای اینکه اتفاقاً یک بار همین مسئولین را از پشت میزهایشان بیرون می آوریم و با تصویر و نقاشی به عنوان یک ابزار نشان می دهیم که کودک این را می خواهد. این مسابقه به ما در چانه زنی های سیاستی خیلی کمک می کند.

یکی از مسائل جدی که ما در کار پارسال داشتیم و خیلی به ما کمک می کرد، این بود که مثلاً وقتی خود اعضای شورا یا سایر مسئولین می آمدند، خیلی جالب بود که بدون اینکه ما چیزی بگوییم خودشان میدیدند که کودکان رنگ را در شهر خیلی دوست دارند، حیوان را خیلی دوست دارند و نیاز است بسترهایی که حیوانات شهری بتوانند در آن باشند، فراهم شود. برای مثال ما پیشنهاد دادیم که در خیابان ولیعصر بخش هایی را لانه کبوتر درست کنیم یا فضا برای لانه گریه درست کنیم و... یکی از مسائلی که ما در حوزه کودکان داشتیم با سازمان زیبا سازی بود که تأکید داشت باید ترکیبات خاصی را در طراحی دیوارها استفاده کند اما بعد از اجرای مسابقه نقاشی متقاعد شدند که اتفاقاً باید همان های شهری را عوض کند، ترکیبات رنگی متنوع در دیوار شهر استفاده کند و ...

یا از طرف دیگر مثلاً مسئله زیست شبانه با وجود اینکه زیاد مطرح نیست، خیلی از کودکان شهر در شب را نقاشی کشیده بودند و فضاهای زیبای شهر در شب را کشیده بودند. یا مثلاً خیلی از کودکان در شهر معلولین را کشیده بودند، کالسکه کشیده

دهیم. کاری که در مسابقه نقاشی یک و دو صورت گرفت این بود که به جز اکران عمومی و خیلی از این مسائل که در مسابقات نقاشی به آن پرداخته می شود، ما به تحلیل نقاشی های کودکان پرداختیم و گزارشی از آن آماده کردیم که بتوانند صاحب نظران از آن در موضوعات شهری استفاده کنند. در واقع ما بتوانیم شهری داشته باشیم که با نظرات کودکان ساخته شود و نه برای آنها ساخته بشود. متأسفانه نگاه عمومی این است که شهر برای کودک ساخته می شود، با کودک ساخته نمی شود. اگر ما بتوانیم در موضوعات شهری مان توجه ویژه ای به نظرات کودکان داشته باشیم و با نظرات آنها پروژه ها را تعریف کنیم، می تواند تأثیر مهمی در مسائل شهری داشته باشد. در مسابقه نقاشی یک و دو ما به دنبال این بودیم که بتوانیم نظرات کودکان را در موضوعات شهری طبقه بندی کنیم و آنها را به اطلاع صاحب نظرات در این حوزه برسانیم.

متین رمضان خواه معاون توسعه مهارت های اداره کل آموزش های شهروندی



هدف محوری شما از اجرای پروژه مسابقه نقاشی چه بود؟

یکی از محوری ترین شعار هایی که امسال آقای حناچی دادند، شعار شهری برای همه بود که بر اصل حق بر شهر مبتنی است. حق بر شهر دو سطح دارد، سطح اول کنشگری شهروندان است که در آن تأکید می شود ما باید بستری امن و آرام برای کنشگری همه گروه های شهری اعم از سالمندان، کودکان، معلولین و ... فراهم کنیم. نکته ی دوم هدف گذاری برای ساخت شهری است که نگاه، عقاید و خواست تمام گروه ها را تأمین بکند. به همین خاطر حق بر شهر یک حق جمعی و هدفمند است.

یکی از اهداف مهم ما در در مسابقه نقاشی، پوشش دادن به این مفهوم یعنی حق بر شهر در حوزه کودکان بود. ما امروز وقتی فضاسازی شهری می کنیم، خیلی وقت ها پاساژ ها یا راسته های بازار را که طراحی می کنیم، عموماً کودکان را در آن نمی بینیم، یعنی ما کودکان را در امر خرید که یکی از امور روزمره ی شهری است، مد نظر قرار نمی دهیم. کودکان وقتی همراه والدین در شهر قدم می زنند، جز فضاهای بسته چیز دیگری رو مشاهده نمی کنند.

رنگ، حضور حیوانات، زیبا سازی فضای شهری، استفاده از المان های جذاب شهری، شهر بدون دود، شهر آرام، شب های زنده در شهر و ... خواسته های کودکان اند و باید آن را در ساخت شهر مد نظر قرار دهیم. مسابقه نقاشی تلاش کرد از طریق به پرسش گذاشتن شهری که من دوست دارم، خواست کودکان را شناسایی کند و در سطح نخست حق بر شهر، یعنی کنشگر کردن کودکان برای بیان خواسته هایشان، فضایی فراهم سازد.

مسئله دوم هم هدف گذاری یک شهر ایدئال در آینده است برای کسانی که فردا مخاطبان اصلی این شهر هستند، کودکان ۴ تا ۱۴ ساله مخاطبان ما بودند و از چند سال دیگر این کودکان به مهم ترین کنشگران شهر تبدیل می شوند و ما زمانی که

است اما من به شما می گویم. در این مسابقه ما یک بندی در مصوبه شهر دوستدار کودک داریم که آن هم اخذ نظر و دریافت پیشنهادات کودکان در امور شهری است. یکی از بندهایی که فوق العاده مهم است و در اداره کل مطالعات به آن پیوست اجتماعی می گویند. پیوست اجتماعی یعنی نظر کودک را بخواهید به او اطلاع رسانی کنید به او بگویید چه دارد می شود و از او بخواهید نظرات خود را بدهد. حالا کودک چطوری باید نظر خود را بدهد و مشارکت کند؟ این خیلی مهم است که باید نحوه مشارکت کودک را بلد باشیم، از او چطور نظر بگیریم؟ یکی از مواردی که می توانیم از کودک اخذ نظر کنیم پیشنهادات او را در امور شهری دریافت کنیم که چه چیزی را دوست دارد، چه علاقه ای دارد، چه جاهایی ایراد دارد و می خواهد اصلاح بشود، یکی از روش هایش نقاشی است. ما آمدم این روش را پیاده کردیم منتها نه به روش معمولی که همه انجام می دهند و فراخوان مسابقه نقاشی می زنند بعد جمع می کنند و می گویند این ها برنده شدند و به قول شما اگر خیلی خوب باشند یک ارزیابی هم می کنند! ما خیر، چون آقای دانشور خودش در کانون بود با یکسری شورای کودک و یکسری متخصص حوزه کودک که داریم این طور برنامه ریزی کردند.

منظورتان از شورای کودک چه شورایی است؟

ما یک شورای کودک و نوجوان در اداره کل آموزش های شهروندی داریم که از بیرون دعوت کردند. یکسری متخصصانی که در واقع در حوزه کودک، برنامه ها را سیاست گذاری کنند یا پیشنهادات و نظراتشان را بدهند.

اگر می شود حوزه کاری واسامی این متخصصان را بفرمایید.

یکی آقای طوفانی است که از داوران مسابقه نقاشی هم هست یکی آقای وحید طوفانی است که کتاب های زیادی درباره شهرهای دوستدار کودک دارد. این در حوزه کودک است. آقای نوروزی از صداوسیما است. خانم آذرروش هم که در صداوسیما است و فکر کنم ایشان را بشناسید که یکی از افراد ما است. باز اسامی را برای شما می فرستم. از رشته های مختلف روانشناسی کودک، هنر کودک، رسانه و کودک و غیره است. ۵، ۶ نفر هستیم. با آن ها بستیم که این نقاشی و جشنواره طوری برگزار شود که مصداق کامل مشارکت کودک باشد.

تمايز مدل اجرای شما با مسابقه نقاشی های عادی که می گویند شکل مشارکتی ندارد چیست؟ وجه تمایز آن را بگویید.

این است که اولاً آگاه سازی کودک و مربی از اینکه این موضوع چیست، به چه می خواهد پرداخته شود؛ یعنی ذهن کودک به سمت فکر خودش برود؛ یعنی برانگیختن فکر و ذهن بچه برای اینکه بخواهد یک چیزی را رسم کند که دوست دارد، می خواهد و نظر خودش است.

بینید اخذ نظر از کودک یک فرایند پیچیده و طولانی مدت است و به این راحتی نیست که از بچه پرسیم که تو نظرت چیست و بچه هم به راحتی پاسخ بدهد. ما نیاز به مقدمه چینی و ایجاد فضایی داریم که بچه در آن احساس فشار نکند و با علاقه و عشق درگیر مشارکت شود. از دل این شیوه از جلب مشارکت است که ایده های خیلی خوبی از کودکان گرفته می شود. برای مثال ما در مصاحبه های محله دوست دار کودک و در دیدارهایی که برای کودکان با مسئولین گذاشتیم، تا حد زیادی توانستیم نظرات کودکان را در مورد جزئی ترین مسائل حوزه محله شان در بیاوریم. مثلاً کودکان به آزار های محلی، مشکلاتی که در پارک ها دارند و به همان خاطر

بودند، یعنی یک جور تقاضا برای اینکه شهر را برای این گروه ها مناسب کنند. یا حتی نوسازی های شهری، گل کاری در شهر یا آرزوهایی مثل ماشین پرند یا مترو ایده هایی است که کودکان برای آینده تصور می کنند.

در مورد مسابقه محور بودن این کار، نقدهای جدی وارد است و مهم ترین آن این است که اساساً نفس مشارکت را از پرسوال می برد و کودک برای یاداش نقاشی می کشد تا ابراز بیان. نظر شما به عنوان یکی از برنامه ریزان این پروژه چیست؟

ما برای این برنامه تجربه جاهای دیگر را بررسی کردیم. برای مثال ما در ایران فستیوال صلح از نگاه کودکان را داریم اما عموماً اثری در آن جمع نشده است. یک مشکل جدی که خیلی زمینه ای تر هست و به هر حال شاید ما هم داریم دامنش می زنیم این است که کودکان زمانی که احساس می کنند که کارشان دیده و مطرح می شود شروع می کنند به میدان آمدن و مشارکت کردن.

ما امسال ۱۴۸۰۰ اثر جمع کردیم، البته در بستر فضای مجازی و سایت همه آثار را بارگذاری کردیم ولی سایت برای کودکان جذاب نیست و صرف دیده شدن در سایت برای مخاطب جذابیت ایجاد نمی کند که مشارکت کند. ما تلاش کردیم کودکان را تشویق کنیم که به شهر فکر کنند و هم زمان قابلیت های هنریشان را تقویت کنند، وقتی شما به عنوان کودک پوئن می گیرید، ناخودآگاه در آن حوزه تقویت می شوید و جدی تر کار می کنید، همین امسال سه نفر از کودکانی که سال پیش برنز گرفته بودند، طلا گرفتند و یکی از دلالتش این بود که می گفتند ما امسال تلاش کردیم ببینیم شهر چه چیزهایی دارد که قبلاً ندیدیم و خب شاید به دلیل همین مسابقه بودنش بود که این پویایی به وجود آمد.

ولی به صورت کلی این مسئله را قبول دارم که خود ذات مسابقه فضا را رقابتی میکند اما تلاش کردیم که این رقابت عادلانه باشد، علی رغم اینکه ما مدال طلا و برنز می دهیم، اولاً جایزه هایشان هیچ فرقی با هم نمی کرد و فقط مدال فرق داشت. دوماً اینکه تلاش کردیم برای همه کودکانی که برای ما نقاشی کشیدند، حتی آنهایی که به مرحله اول داوری هم نرسیدند، یک تقدیر نامه بفرستیم و احساس در ارتباط بودن با ما را حس بکنند. نکته بعدی اینکه این کودکان در سطح خودشان ارزیابی کردیم، هر رده سنی را فقط با خودش مقایسه کردیم.

■ مرصیه مؤذنی
مسئول دبیرخانه شهر
دوستدار کودک و مسابقه



شما امسال در سال دوم اجرای پروژه هستید، می خواستیم بدانیم آیا از سال گذشته گزارش تکمیلی هم تهیه کردید که نقاط قوت و ضعف و به ویژه نقاط ضعف در آن وجود داشته باشد؟

در گزارش کوتاهی که به بنده دادند به نظر نمی آمد ارزیابی از کار شده باشد.

به اداره کل مطالعات داده شده است، از پارسال هنوز چیزی دست ما نرسیده

شود و می گویند چه فرقی با آن مسابقه می کند، پیوسته بودن و ادامه دادن این ارتباط است. این ارتباط باید ادامه داشته باشد و بده بستان ما با کودک باید ادامه پیدا کند تا به چیز آخری که می خواهیم برسیم.

از طریق سرای محلات با کودکان ارتباط دارید؟

بله از طریق سرای محلات مستقیم با شهروندان در ارتباط بودیم، چون این کار همه جا پخش شد و کانون پرورش فکری کودکان نیز همکاری کرد.

مستقیم با شهروندان یعنی چه؟

در سایت گذاشته شد در تلویزیون هم ۲۰ تیزر داشتیم. در مجله و روزنامه رفت و شهروندان با ما تماس می گرفتند. شماره موبایل من را داده بودند و شماره ثابت اداره را داده بودیم و دائم مردم با ما ارتباط می گرفتند و حرف می زدیم. حتی خود بچه ها با ما صحبت می کردند که من می خواهم نقاشی بکشم به نظر شما الان این جوری بکشم خوب است؟ اگر ۲۵ * ۳۵ ندارم می توانم در ۴۴ بکشم مثلاً چه رنگ هایی مدنظر شماست؟ در صورتی که در نوشته های سایت بود که چه مواردی باید رعایت شود ولی ارتباط زیادی با شهروندان داشتیم.

ولی مثل پارسال برای آن شکل مستقیم تعامل مشکل به وجود آمده بود.

بله ما آمدم به مناطق گفتیم به مربیان بگویید به خانه های بچه ها زنگ بزنند دوباره تماس بگیرند یادآوری کنند بگویند این مورد مثل پارسال است منتها پارسال می رفتید در خیابان می ایستادید می دیدید الان پشت پنجره خانه تان هستید، الان دوست دارید چه ببینید آن را بکشید.

مربیان تماس گرفتند؟

بله توسط همه مربیان انجام شد. کانون پرورش فکری هم مربیانشان از داخل خانه با بچه ها در تماس بودند و این کار را کردند. البته که تأثیر حضوری و چهره به چهره خیلی بیشتر است اما نقاشی هایی که آمد و دیدم، متوجه شدم تقریباً ۸۰ درصد بچه ها دقیقاً می دانستند چه باید بکشند. چیزی را کشیدند که علاقه دارند، مثل اینکه شما می خواهید ارزیابی اولیه را داشته باشید ولی یک ارزیابی کلی هم شود تا بتوانیم با پارسال مقایسه کنیم؛ خیلی قشنگ بود حتی کلاس کار یک مقدار بالاتر رفته بود.

شناخته شده تر شد.

احسنت. آن ۱۴۰ نفری هم که برنده شده بودند دائم با ما ارتباط داشتند یعنی کسانی که برنده شده بودند مدام نظر می دادند. با مادر دوقلویی که برنده شده بودند صحبت می کردیم می گفت من تعجب می کنم یک دبیرخانه این قدر به این بچه ها اهمیت می دهد که ساعت ها وقتتان را تلف می کنید که با بچه کار می کنید، گفتم تلف نمی کنیم! داریم با بچه صحبت می کنیم، چون مشارکت بچه در آینده را می خواهیم و برای این کار برنامه داریم. باید بتوانیم با این کارهایمان شورای کودک منطقه ای برگزار کنیم این ها را جمع و اخذ نظر کنیم. این یکی از مواردی است که داریم با بچه ها تمرین می کنیم. بالاخره حق بچه است و خودتان می دانید. الان مثلاً امروز در منطقه دو بودیم پارک کودکی دارد درست می شود که تمام تلاشمان این است از این کودکان استفاده کنیم بیایند نظر دهند و نظر بچه ها را در پارک های جدید اعمال کنند و این خیلی مهم است. از اینجا شروع می شود و این هم به لطف آقای دانشور و زحمات ایشان است که این کار دارد انجام می شود. حالا این نقاشی ها آمد و ۱۵ آذر سایت بسته شد؛ اما

نمی توانند به پارک بروند و جزئی ترین اموری توجه می کنند که بعضاً بزرگسالان در جریان آن نیستند. مثلاً پارسال در دیدارهای کودکان با مدیران، یکی از کودکان معلول مسائلی که به عنوان معلول با محله اش داشت را مطرح کرد و چون اطلاعات دقیق بود، به سرعت دستور اجرایی برای اصلاحات لازم در محله داده و اجرا شد. ما در پروژه های مختلفی که در اداره کل در حوزه مشارکت کودک داریم، سعی میکنیم تمامی این جنبه های مشارکت را لحاظ کنیم. من خودم مدرس کارگاه های مشارکت برای مناطق هستم و آنجا سعی می کنیم به مربی ها اصول مشارکت کودک، اشکال آن و ظرافت های آن را منتقل کنیم.

یعنی نقاشی ها در فضای کلاسی کشیده می شود جایی است که مربی و کودک در تماس هستند؟

پارسال این طوری بود. ابتدا مربی ها را آموزش دادیم که این نقاشی ها چه شاخص هایی داشته باشد و چطور باید با بچه کار کنند. پارسال ۴۴۰ مربی در ۳۵۲ سرای محله داشتیم. این ها بخش محله ای بود حالا بخش کانون پرورش فکری کودکان هم بودند.

این مربیان فقط یک جلسه با بچه ها داشتند یا چند جلسه بود؟

یک جلسه که ۲۲ جلسه می شود؛ یعنی برای هر منطقه ای جداگانه یک جلسه گذاشته شد. ما نماینده های این مربیان را آموزش دادیم، این مربیان رفتند مربیان منطقه را آموزش دادند. مثلاً مربی می دانست باید یک قصه درباره شهر تعریف کند که ذهن بچه را آماده کند این شهر چیست، چه چیزی دارد و ندارد. ۳، ۲ سؤال از بچه ها کرده که اصلاً شهر چیست؟ چه چیزهایی می بینیم و چه چیزی مشکل دارد؟ چه چیزی خوب است؟ چه چیزی دوست دارید؟ روز بعد آمده و به بچه ها کاغذ داده است. گفته حالا شما بنشینید قصه دیروز را بکشید. ببینم چه چیزی می خواهید چه چیزی هست که آن را دوست دارید یا چه چیزی در این شهر نیست؟ این ها را امروز کشیده، فردا دوباره می دهد و بچه رنگ می کند، چون بچه زود خسته می شود. نمی تواند در یک روز نقاشی را تکمیل کند.

در هر دو سه چند جلسه ای تکمیل شده است.

بله و بعد در مورد نقاشی هایشان صحبت می کردند و نظر می دادند.

از این نظر دانش ها مستند هایی دارید؟

باید بگردم در فیلم هایی که هست ببینم. در آموزش به مربیان این ها را داشتیم. فکر کنم یک فیلم برای کانون پرورش فکری کودکان دیدم که بچه ها مدام دستشان را بلند می کردند و درباره موضوع نقاشی صحبت می کردند.

اگر فیلم را داشتید برای من بفرستید خیلی خوب می شود.

تمام فیلم های کانون را به شما می دهم. مشارکت معنادار کودک برای ما مهم است. نقاشی فرایند این مشارکت می شود.

امسال با توجه به کرونا چه اتفاقی برای شما افتاد؟

مشارکت مؤثر کودک را این طوری گرفتیم نقاشی هم جمع شد، یکسری هم با پست پارسال فرستادند یکسری هم برای کانون پرورش فکری بود که ۹۴۰۰ تا شد. امسال با توجه به کرونا و عدم حضور کودک در کانون کودکان و کانون پرورش فکری؛ ما نمی خواهیم این رابطه را قطع کنیم، یکی از مواردی که در مشارکت کودک باید دقت

امانی در نشست تخصصی حمل و نقل ترافیک که در منطقه ۱۳ هماهنگ کرده بودیم که معاون حمل و نقل بود و به ریاست آقای دانشور انجام شد، تحلیل هایشان را آوردند. خانم امانی پارسال آمدند و نقاشی هایی که مربوط به حمل و نقل و ترافیک بود را بررسی کردند و در نشست تخصصی که گذاشتیم آن را پرزنت کردند که مثلاً چند درصد کودکان در مورد حمل و نقل یا چند درصد در مورد راهنمایی و رانندگی یا خط کشی نقاشی کشیدند.

؟ پس برای سال گذشته این کار سیستماتیک استفاده نشده بود ولی برای امسال می خواهید به معاونت اطلاع کنید.

پارسال معاونت ها هر کدام جداگانه بررسی کردند مثلاً مدیرعامل برج میلاد آمده بود نقاشی هایی که مربوط به چیز بود را از ما گرفت و برای بررسی و کارهایش برد. می خواست ببیند این المان ها چقدر روی بچه تأثیر دارد. یکسری بررسی هایی که شد به خدمات شهری دادیم که شهر باید زیاتر از این شود. همین رنگ آمیزی دیوارهایی که الآن می شود حاصل نظرات همین بچه ها بود، چون مدیران همه دیدند و به همه اعلام و داده شده است. فقط می دانم از ۴ کودک در سطح ستادی از آن ها تقدیر و تشکر شد به خاطر نظرات خوبی که داشتند.

؟ می شود اسامی و اطلاعاتی از این کودکان داشته باشیم؟

تصویر یکی از کودکان را دارم و حالا می گویم روز شنبه بچه ها به مناطق رنگ بزنند آن کودکانی که نظرشان انجام شده را به ما بگویند.

؟ خیلی عالی است. اگر این ها را داشته باشیم خیلی خوب است، چون در گزارش پارسال از این موارد چیزی نبود.

امسال هم بیشتر توجه می کنیم؛ یعنی پارسال هم توجه لازم شده است. خودتان می دانید یک کاری که شروع شود از یک درصدی شروع می شود. ما دیگر در کرونا رقتیم، مسئله کرونا پیش آمد و در خط محله دوستدار کودک رفتیم که مستحضر هستید. وقتی دیدیم بچه از دست ما خارج شد و فقط می توانیم ارتباط آنلاین داشته باشیم، این ارتباط هم آن موقع هنوز معنادار نشده بود که الآن شده است. الآن دیگر کسی دوست ندارد حضوری کار کند، همه دوست دارند آنلاین کار کنند. این ها هم از اهدافی است که داشتیم و باید بیشتر برویم. نمی گویم همه چیزمان تکمیل است ولی رو به پیشرفت و جلو هستیم.

یکی ارتباط کودک و مدیریت شهری است که اول گفتم و استمرار این ارتباط مهم است. وقتی به مشارکت می نشیند که استمرار داشته باشد. یک مسابقه نقاشی دهید و ۴ نفر را دعوت کنید جایزه دهید تمام شد و رفت، این فایده ای به حال کار مشارکتی در کودک ندارد. یکی از کارهایی که باید انجام دهیم اینکه این کار استمرار داشته باشد.

؟ شما چطور می خواهید این کار را مستمر کنید، ارتباط با کودکان را باید مستمر کرد ولی ممکن است یک مدیر دیگری بیاید فرضاً بگوید دیگر لازم نیست مسابقه نقاشی انجام دهید.

اداره دوستدار کودک الآن جایش را باز کرده است و خیلی پیگیرتر است. یک سیستمی با کمک شورای شهر ریخته شده است و هم الآن امروز به شهردار منطقه جمله ای که گفتم همین بود که ادبیات دوستدار کودک در شهرداری تهران جا افتاده است. شاید الآن ۷۰ درصد جا انداختیم، با این کارهایی که آقای دانشور کردند

بعد از آن باز خدا شاهد است این قدر تلفن داریم که جا ماندند می گویند ما را هم در مسابقه بگذارید ولی نمی شود حق بچه های دیگر ضایع می شود. به هر حال ۱۴۸۷۴ آثار جمع شد؛ و این ها را به ۳ داور دادیم و تبدیل به ۱۱ فولدر کردیم. یک مقدار سن ها را اشتباه زده بودند. مثلاً مادر بزرگ آمده بارگذاری کرده و ۹۲ را ۲۹ نوشته است ما ۳ نفری نشستیم به خانه ۱۰۰۰ نفر از بچه ها رنگ زدیم! اینکه فرق می کند یعنی این. همه مسابقه نقاشی برگزار می کند این برنده شد و خدا حافظ شما. ما آمدیم به ۱۰۰۰ بچه رنگ زدیم. مثلاً ۸۷ را ۷۸ زده بودند، مجبور شدیم این ها را بنشینیم درست کنیم تا از داوری حذف نشوند. به هر حال آن ۱۰۰۰ نفر را از لحاظ سنی تعیین تکلیف کردیم و ۱۵۲۲۸ به ۳ داور دادیم.

؟ در بحث هدف و برنامه کلان شما می خواهیم سؤال بپرسم. بحث ایده و مشارکت گرفتن یکی از المان های شهر دوستدار کودک است. در مرحله بعد به کارگیری ایده ها در سیاست گذاری خیلی مطرح است. شما تجربه پارسال هم داشتید، در فرایند سیاست گذاری چطور از این ایده ها استفاده شده است یا اصلاً نشده یا نشده است؟

چون این کار را قبلاً انجام دادیم ایده کودکانی را داشتیم که مثلاً ۳ تا ۴ تای آن دستور اجرا گرفت، حتی در یک مراسم معاون حمل و نقل و ترافیک به ایده یک کودک جایزه داد. با این حال پارسال، با پایان مسابقه نقاشی عملاً جامعه درگیر کرونا شد و به نوعی همه تحت تأثیر قرار گرفتند و نتوانستیم آنطور که باید در ادامه با کودکان ارتباط مستمری داشته باشیم اما امسال با توجه به ظرفیت فضای مجازی ماجرا متفاوت شده است.

؟ همین مسابقه نقاشی را می گویند.

مسابقه نقاشی، یک سال است دبیرخانه به دنبال همین است. ایده ای که اجرا شود. ۳، ۴ ایده را خودم حضور داشتم مثلاً بچه را روز جهانی پیش شهردار تهران برده بودم کودک پارسال یک ایده داد آنجا دستور اجرا گرفت. ۲، ۳ تا آن اجرا شد. امسال که نقاشی ها بیرون می آید می خواهیم این ها را دسته بندی کنیم به معاونت های شهرداری؛ اولاً جایزه های نفر اول تا سوم را خود معاون بدهد بعد ایده های اجرایی را بدهیم بررسی و اجرا کنند. در مورد ترافیک خانم امانی این کار را کرد. ایشان نقاشی هایی که مربوط به حوزه حمل و نقل بود را متمرکز شد.

یک کار دیگری که امسال کردیم این است که به مناطق دستور دادیم، بر اساس نتایج داوری، جمعی متشکل از کودکانی که منتخب هستند، چه یک ستاره و چه سه ستاره، تشکیل دهند و همین جمع پایه ای برای شورای کودک منطقه باشد. چون این کودکان دغدغه مند هستند و ظرفیت خیلی خوبی هستند برای شورای کودک مناطق و فکر کنید اگر از هر منطقه ۱۰ تا ۲۰ کودک انتخاب شود و در شورای کودک درگیر شود ما جمعی بالغ بر سیصد کودک فعال در شهر خواهیم داشت. این موضوعی است که ما امسال حتماً بعد از پایان بخش اجرایی کار، وارد آن خواهیم شد و در سه چهار ماه آینده به نتیجه می رسانیم. با توجه به اینکه امسال ارتباط ما با کودکان به صورت مجازی فعال است و بانک اطلاعاتی خیلی خوبی هم داریم، شکل دادن این شورا و پیگیری آن هم شدنی تر هست.

؟ پارسال را می گویند؟

بله. یکی دو مورد را پیگیری کرد و با بچه برای اجرا تماس گرفته بودند. این را خانم

? پارسال هم بارگذاری می کردند؟

خیر، خود اصل نقاشی را می دادند، به دبیرخانه آمد کدگذاری و سنبندی کردیم ولی امسال چون تاریخ تولد می داد باید در سایت بارگذاری می شد. احتمالاً ممکن است یکی از مشکلاتی که مناطق پایینی داشته باشند عدم دسترسی به سیستم برای این کار بوده است. یکی ناتوانی در داشتن وسایل نقاشی که این هم باید تا جایی که می توانیم، البته به مناطق گفتیم تا جایی که می توانید در اختیار خانواده ها با رعایت پروتکل های بهداشتی مداد رنگی بگذارید ولی این نبوده که بچه نخواهد شرکت نکند، خیر، مشکلات اقتصادی هم هست. در منطقه سه شهردار کل منطقه را برای این کار بسیج کرده است.

مدیران شهری

■ حامد مظاہریان
معاون برنامه ریزی، توسعه
سرمایه انسانی و امور شورا



? به عنوان یکی از بازدید کننده های
نمایشگاه که با دقت آثار را دیدید، دوست
داریم اول نظر کلی تان درباره ی نمایشگاه
را بدائیم:

در تئوری های مربوط به هنر معتقدیم که نقاشی کودک، نشانگر عواطف، احساسات، الام و قدرت خلاقیت کودک است و نوع نگاه کودک را به محیط اطرافش به خوبی نشان می دهد. معمولاً نگاه کودک یک نگاه بی واسطه و بدون تعارفات است و نشانگر خوبی از آن چیزی است که در شهر رخ می دهد. فراتر از این خود نمایشگاه و فرایند برگزاریش که بیش از ۱۴ هزار نفر شرکت کردند و ۲۰۳ اثر هم اکران شده، آن چیزی که ما اینجا شاهدیم در حقیقت نوع نگاهی است که کودکان ما به شهر و محیط پیرامونشان دارند. به نظر من این بستر خوبی است برای یک تحلیل گسترده روی موضوعی که شهر ما رو ساخته، یک جاهایی ارزش خوشنودیم و جاهای بسیاری هست که بهش انتقاد داریم و می تونیم از این ها بیاموزیم.

? به نظر شما مدیران شهری می توانند ایده ای از این نقاشی ها بیرون بکشند؟

برای شناساندن آسیب هایی که در شهر وجود دارد، به نظرم نقاشی ها به کار می آید. یعنی تحلیل نقاشی کودکان به ما می گه که کودکان چه آسیب هایی را در شهر می بینند. مثلاً در معمولاً نقاشی کودکان، آن چیزهایی که دوستش ندارند را کمتر به تصویر می کشند. مثلاً خیابان به عنوان فضایی که آنها همیشه در آن آسیب می بینند و فضای دود، ماشین و مقیاس های غیر انسانی است، کمتر در آثار دیده می شود یا مثلاً بیمارستان ها معمولاً در کار کودکان کمتر هست. از آن طرف تجربه جهانی نشان می دهد که کودکان بیشتر به سمت خانه گرایش دارند. من در آثار این نمایشگاه بیشتر فضای خانه را می دیدم، بنا براین نقاشی کودکان به

شهردار منطقه و معاونین و همه کارکنانشان با ما در محله دوستدار کودک درگیر هستند؛ یعنی این ادبیات جا افتاده است. ما ۲۲ منطقه داریم الآن این ها پایه گرفتند و دبیرخانه منطقه ای هستند.

? یعنی شما در همه مناطق دبیرخانه دارید.

بله. الآن مثلاً از دیروز مدیریت دانش را شروع کردیم. این ها باید در تمام جاها از این محتوایی که در اختیارشان گذاشته شده است به مردم اطلاع رسانی کنند. کودک، شهر دوستدار کودک و شاخص هایش چیست؟ پارک و پیاده رو باید چطور باشد؟ این ها را می شود مطالبات مردم کرد. فکر می کنم این ادبیات در شهرداری تهران پیدا شده است. این با ۴ سال پیش فرق می کند. به یکی می گفتید کودک، می گفت کودک اصلاً چیست، بلند شو حوصله دارید! ولی الآن آن ها دنبال ما می آیند که این کار را بکنیم و این قطع نمی شود.

? تحلیلی روی لیست آثار ارسالی امسال کردم که از هر منطقه چند نفر آثار

ارسال کردند. فارغ از آثاری که از طریق آموزش و پرورش ارسال شده است، آثاری که از مناطق بود و تحلیل کردم نزدیک ۴۷ درصد آثار از منطقه ۱ و ۳ بود، یعنی از مناطق ثروتمند شهر بودند از مناطق پایین تر از ۴، ۳، ۴ درصد بودند نهایتاً ۶ درصد بود. در واقع نصف جمعیت برای منطقه ۱ و ۳ هستند. سؤال این است شما خودتان چه فکری کردید که بتوانید مشارکت مناطق پایین تر با وسط شهر را بیشتر بگیرد؟ به هر حال بچه های طبقات بالا مشارکتشان در همه امور بیشتر است.

طبق دستور آقای دانشور به کمیت خیلی توجه نداشتیم کیفیت کار برایمان مهم بود. در جلسهای که داشتیم به مناطق اعلام شد این مسابقه دوباره شروع شد و دارد فراخوان می رود، گفتیم امسال که داریم این کار را انجام می دهیم سال های قبل هم همین جور بود کیفیت کار برای ما مهم است، اینکه نقاشی اولاً توسط خود بچه باشد خود بچه و نظر او باشد خودش فکر کرده باشد. فقط نمی خواهیم تعداد اضافه کنیم که مثلاً بیایند بارگذاری کنند و نقاشی باشد که فقط یک خط کشیده شده باشد. ما می خواهیم فکر و ذهن بچه پیاده شود.

? تعداد بچه ها نشان می دهد چند درصد از بچه های منطقه درگیر پروژه شدند.

بله. از این طرف هم می گفتیم جلب مشارکت کودک جزء وظایف ذاتی آموزش های شهروندی است که باید از طریق می تواند انجام دهد با این طیف کاری که انجام دادیم، منطقه سه آمده بود تمام منطقه را برای جلب مشارکت کودک بسیج کرده بود. چیزی که شما می فرمایید در بحث ارزیابی دور از ذهن مانیفته است که چرا یک منطقه می تواند مشارکت کودک را ۱۰۰ درصد جلب کند و یکی نمی تواند. ما هم چون گفته بودیم عدد برای ما مهم نیست کیفیت مهم است، بگذارید بیرون بیاید ببینیم مثلاً به قول شما این ۵۰۰ نقاشی را که تقریباً برای ۵۰۰ تا زنگ زدیم که تأیید بگیریم ببینیم بچه کشیده یا یکی دیگر کشیده است این ها برای ما خیلی مهم بود. دیدیم نه، بیشتر از ۹۰ درصد مشکلی در نقاشی شان از نظر ارزیابی نیست ولی اینکه آن ها هم جلب مشارکت نکردند از دید ما هم پنهان نماند خیلی هم روزانه با آن ها کار داشتیم.

? فکر می کنید علت آن چه بود؟

مناطق پایین یکی از چیزهایی که می گفتند این بود که امکانات بارگذاری سیستمی پایین است. اگر کرونا باشد و سال دیگر بخواهیم این کار را بکنیم باید فکری به حال بارگذاری نیمه جنوبی شهر بکنیم.

عنوان یکی از منابع آسیب شناسی شهر مورد استفاده قرار گیرد.

؟ به نظر شما ایده هایی که از تحلیل آثار کودکان بیرون کشیده می شود، به کار شما در حوزه برنامه ریزی شهری می آید؟ پیشنهادی برای روند به کار گیری ایده ها دارید؟

یکی از مسائلی که سیاست گذار در رابطه با شهر دارد، شناخت آسیب ها و کاهش دادن آن و برجسته کردن نقاط قوت است. نقاشی کودکان به آن معنی که کودک بی پرده حسی که می کنه را به تصویر می کشه، به عنوان یکی از منابع برای تحلیل شهر می تواند استفاده شود. ما منابع دیگری هم داریم مثل نظر سنجی، مثل بررسی های محیطی و... ولی شاید لطف نقاشی های کودکان این است که عواطف گروهی از جامعه که در حقیقت آینده شهر رو می سازند، را می توان در آنها دید. مثلاً اگر کسی بشمارد که در این نقاشی ها چند ماشین دیده می شود و در مقابل چند درخت در آن هست، چند خیابان، مدرسه، خانه و... نشان می دهد که کودکان شهر را چگونه می بینند و آنهایی که کمتر دیده میشود، نشان دهنده ی بی علاقگی کودک به آنهاست.

؟ چرخه مشارکت کودک در صورتی کامل می شود که در آن صرفاً دیدن آثار کودکان اتفاق نیفتد، در حقیقت صرف برگزاری نمایشگاه و نشان دادن آن کافی نیست و لازم است مدیران به شیوه هایی برای ادامه این چرخه فکر کنند و علاوه بر آسیب شناسی اگر ایده هایی برای اجرا وجود دارد استخراج شود. شما فکری می کنید که در آثار کودکان ایده هایی برای اجرا هم دیده می شود؟

واقعیت این است که من معتقدم نقاشی کودکان یکی از منابع تحلیل شهر است و آسیب ها و امیدهای کودکان را در آن می شود دید همان طور که باید از نگاه سایر گروه ها مانند سالمندان، دانشجویان و... هم به شهر نگاه کرد اما اینکه بخواهیم ایده ای برای اجرا استخراج کرد خیر، فکر میکنم بیشتر دید کلان می تواند بدهد این کارها.

؟ کرونا تا چه حد بر آثار کودکان تأثیر گذاشته بود؟

به نظر می رسه که کودکان از نزدیک همه درگیر این موضوع هستند. این ایده که از پشت پنجره شهرشون رو ترسیم کنند، خیلی ایده ی نو و معناداری بود و فراتر از همه ی اینها آنچه پیدا بود علی رغم همه ی مسائل و هیبت کرونا، زندگی موج می زد.

■ عبدالرضا گلیایگانی

معاون معماری و شهرسازی



معاون معماری و شهرسازی و شهرسازی تهران با تاکید بر اینکه نقاشی کودکان تابلوی آرزوهای نسل فردا است، گفت: همه باید تلاش کنیم تا آرزوهای کودکان را برآورده کنیم. «عبدالرضا گلیایگانی» با اشاره به لزوم پویایی در پایتخت گفت: بحث گفت و گوی شهر و شهروندان موضوع بسیار مهمی است که به پویایی زندگی و شادابی مردم کمک می کند. معاون معماری و

شهرسازی شهرداری تهران افزود: گفت و گوی شهری از طریق بسیج کردن برای واگویی آرزوهای کودکان یکی از روش هایی است که می توان پایتخت را به سمت شهر دوستدار کودک برد. وی با بیان اینکه نمایشگاهی که برگزار شده است نشان می دهد که نسل آینده شهری شاداب و سرسبز از ما طلبکار هستند، اظهار کرد: ما به عنوان خدمتگزاران مردم در شهرداری، باید تمام توان خود را بسیج کنیم که شهر بهتری به نسل آینده تحویل دهیم. گلیایگانی با تاکید بر اینکه نقاشی کودکان تابلوی آرزوهای نسل فردا است، یادآور شد: همه باید تلاش کنیم تا آرزوهای کودکان را برآورده کنیم تا بتوانیم ایرانی سرفراز بسازیم.

■ غلامحسین محمدی

رئیس مرکز ارتباطات و امور بین الملل شهرداری



؟ شنیدنی صدای کودکان که یک

چهارم جمعیت شهر تهران را تشکیل

می دهند، حتماً یکی از دغدغه های

مجموعه شماست؛ فکر می کنید نقاشی،

مدیوم مناسبی برای این کار است؟ فرم، محتوا و شیوه اجرای

مسابقه نقاشی تا چه حد به شنیده شدن صدای کودکان میتواند

ما را نزدیک یادآور کند؟

بله یکی از مهم ترین شیوه های دیده شدن نظر گروه های مختلف استفاده از ابزارهایی است که برای آن گروه جذابیت داشته باشد و همچنین فرد توانایی کار کردن با آن را داشته باشد. برای مثال نقاشی، نوشتن متن و ساخت بازی های خلاق، عموماً روش هایی هستند که کودکان به راحتی از آن استفاده می کنند و به همین خاطر برای شناخت مسائلشان با جهان پیرامونشان هم به راحتی می توان از این مدیوم استفاده کرد. برگزاری نمایشگاهی مخصوص کودکان و استفاده از دیدگاه آنها در شهر برای مجموعه شهرداری تهران بسیار مهم است و باعث می شود، بدانیم چه چیزی نیاز دارند. همین که بچه ها در مورد شهر تهران نظر می دهند و اینکه دوست دارند، شهر به چه شکلی باشد و در مورد آن تصویرسازی می کنند، ما را در ساخت شهر دوستدار کودک یاری خواهد کرد.

؟ قریب به هزار کودک در تهران با این پروژه سه ساله درگیر مسئله شهر ایده آل خود

می شوند، اگر بخواهیم این مسابقه صرفاً به یک رویداد تبدیل نشود و امتداد داشته

باشد، فکری می کنید با کمک گرفتن از ظرفیت های مرکز ارتباطات شهرداری چگونه می

توانیم صدای این دغدغه های کودکان را بلندتر کرد و به بیشتر دیده شدن شهر از نگاه

کودکان کمک کنیم؟

یکی از مهم ترین کارهایی که امسال مرکز ارتباطات انجام داد، گرفتن ویدئو از کودکان و صحبت کردن با آنها بود. برای اولین بار مرکز ارتباطات کودکان را به مثابه سایر گروه هایی که با آنها گفت و گو می کنه، پشت تریبون آورد و از آنها خواست که در محیط های مختلف شهری مثل شهر بازی ها، پارک ها و پاساژ ها قدم بزنند و نظرشان را درباره شهر ایده آل خودشان اعلام کنند. از سوی دیگر یکی از مهم ترین نکاتی که

بودن مردم با وجود تفاوت ها، نیاز به ارتباط بیشتر با همسایه ها، نیاز به امید دادن به مردم، نیاز به امنیت در فضاهای عمومی شهر

؟ شما به عنوان متخصص این حوزه، این دغدغه های کودکان را چطور فهم می کنید؟ فکر می کنید شهرداری می تواند آنها را در سیاست گذاری لحاظ کند؟

یکی از مهم ترین مولفه هایی که در این دوره مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفته است این بوده که در طرح ها همه گروه ها مد نظر قرار گرفته شود و تولید محتوای خاص برای آنها انجام شود، ما امسال در کارناوال شادی و نشاط شهر تهران، حوزه کودکان را به طور خاص داشتیم و نه تنها به طور خاص بر کودکان در تمرکز کردیم بلکه از آن مهم تر بر این نکته تأکید شده که در برنامه گروه های مختلف کودکان مد نظر قرار گرفته بشود برای مثال برای کودکان حاشیه نشین و نوجوانان برنامه های خاص اجرا شده یا برای مثال مدرسه تابستانی به نیازهای کودکان و نوجوانان در دوره کرونا پرداخته و برای نیاز به اوقات فراغت کودکان در دوران کرونا توجه شده است. در فستیوال های مختلف نیازهای کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است، هم در برنامه های شهرسازی، مرکز ارتباطات و هم معاونت امور اجتماعی و فرهنگی. کودکان کار به عنوان یک گروه خاص هم در حوزه شادی و نشاط آنها برایشان برنامه هایی اجرا شده و در حوزه سلامتشان اقداماتی صورت گرفته است، ضمن اینکه درباره کودکان با شهروندان صحبت شده، چه با صاحب نظران دانشگاه و چه با مدیران و چه با مردم عامه در خصوص نیازها و مسائل کودکان صحبت شده است.

؟ مهم ترین دغدغه های کودکان از نگاه شما چه بود؟

در نقاشی کودکان تهران بیشترین نکته ای که نمایان بود توجه کودکان به رنگ های شاد و زنده است، علاوه بر این نکته قابل توجه در تمامی نقاشی ها این بود که کودکان به بحث مشارکت اهمیت ویژه ای می دهند و شیوع بیماری کرونا باعث شد تا کودکان مشارکت های اجتماعی بیشتری را شاهد باشند.

■ شینا انصاری
مدیرکل محیط زیست
و توسعه پایدار



شینا انصاری با بیان اینکه در نقاشی کودکان تهران بیشترین نکته ای که نمایان بود توجه کودکان به رنگ های شاد و زنده است، گفت: همچنین توجه به عناصر طبیعی و امان های محیط زیستی در شهر مانند حیوانات شهری و همچنین همزیستی با طبیعت کاملاً در نقاشی های کودکان به چشم می خورد. مدیرکل محیط زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران در ادامه افزود: در عین حال تأثیر کرونا در زندگی کودکان در نقاشی ها دیده می شود، به طریقی که در برخی از نقاشی ها کودکان ماسک دارند و یا ناراحت و غمگین هستند. وی با اشاره به اینکه تصویری که از شهر و به طور خاص محیط زیست شهری در اغلب نقاشی های کودکان دیده می شود نوعی امید را در

وجود دارد این است که شهر دارای رسانه های مختلفی است، اعم از روزنامه ای مثل همشهری که از ویژه نامه هایی است که برای گروه مخاطبین مختلف سیاست گذار تولید محتوا می کند، از سویی دیگر مدیایی داره به نام تبلیغات شهری که شامل بلبورد های شهری، بنرهای شهری، فضا سازی های عمومی شهر میشود. از سویی دیگر دارای یک بخش عمده ی دیگری از فضاهای رسانه ای به عنوان چند رسانه ای هاست، یعنی روزنامه های الکترونیک یا تولید موشن ها و ویدئو های مختلف که بخش عمده ای فعالیت هایش را در فضای مجازی دنبال می کند و هم چنین تولید خبر می کند.

ظرفیت مرکز ارتباطات شهرداری تهران می تواند از این جهت کمک کننده باشد که یک باکس، یک بخش، یک پرونده به نام حوزه کودکان داشته باشد و کودکان را به عنوان ابژه گفت و گو در میدان بگذارد و از گروه های مختلف بخواهد در موردشان حرف بزنند، از والدین گرفته که نظراتشان را درباره ی مسائل و مشکلاتی که با کودکان در شهر دارند، یا نیازهایی که در شهر با فرزندانشان پیدا می کنند، در میان بگذارند، تا استفاده کردن از مدیوم های دیگه ای که نظرات خود کودکان را منعکس بکند، یعنی بستر هایی را بسازد که کودکان بتوانند در شهر کنشگری داشته باشند. از سویی دیگه می تواند از فضاهای تبلیغاتی استفاده بکند تا اینکه نظر کودکان را منعکس کند. چنان که در سال گذشته، دوبار اولین دوره مسابقه نقاشی کودکان در شهر اکران شد و شهر شاهد این بود که نقاشی کودکان روی بلبورد های شهری است و برای اولین بار نظر کودکان در شهر اکران عمومی پیدا کرد. از سویی دیگر در ویژه نامه ها و روزنامه ها، در سایت ها و خبرگزاری ها می تواند با پرونده های ویژه روی حوزه کودکان، صاحب نظران و متخصصان و فعالان حوزه کودکان و نوجوانان را دعوت کند و به آنها تریبون بدهد که درباره شهری که دوستدار کودک هست حرف بزنند و در کنار آن مدیا به عنوان یکی از مهم ترین نهادهایی که امروز در فضای جامعه کار می کند و یکی از اثر گذار ترین نهادهای پنج گانه است برای حفظ انسجام اجتماعی، رسانه می تواند بسیار جدی اثر بگذارد در راستای اینکه یک بار به تمام سیاست گذاران در سطوح و حوزه های مختلف اعم از شهرسازی، عمرانی، فرهنگی اجتماعی، بهداشت و سلامت و برنامه ریزی انتقال دهد که نظر کودکان را به عنوان صاحبان اصلی شهر در آینده ببینند و شهری را بسازند که آنها طلب می کنند.

یعنی اگر کودکان از ما شهر رنگی تری می خواهند و ما مدام شهر دلسرد و دلمرده ای را تولید می کنید، سر این موضوع گفت و گو صورت بگیرد و تحقیق کنیم که چرا اینطور است یا برای مثال وقتی که درباره ی بهداشت یا رفاه شهری صحبت می کنیم، تنها و تنها خودمان را نبینیم و کودکان را رها نکنیم و هیچ نقشی را برای کودکان قائل نشویم. رسانه می تواند کمک بکند به اینکه کودکان به عنوان یکی از مهم ترین گروه هایی که تریبونی ندارند، تریبون داشته باشند. مرکز ارتباطات با استفاده از تبلیغات محیطی، روزنامه ها، فضاهای چند رسانه ای و به پای میز آوردن گروه های مختلف به دلیل دسترسی دوگانه ای که دارد، از یک سو به سیاست گذاران و از سویی دیگر به مردم، می تواند میدان و تریبون سخن گفتن کودکان باشد.

در حوزه ارتباطی و تعاملی کودکان با سایر گروه های شهری، به ترتیب مهم ترین دغدغه های کودکان در تحلیل آثار عبارت بودند از:

نیاز به همدلی و همکاری آدم ها در فضای شهر، ۱۴ نیاز به وجود جشن های جمعی و نشاط در شهر، ۱۳ نیاز به دوباره ارتباط داشتن با کودکان در دوران کرونا، ۱۲ نیاز به ارتباط با دوستان، ۳ نیاز به وجود آرامش در فضای شهر، ۲ نیاز به تساهل و کنار هم

آینده نشان می‌دهد، اذعان کرد: امید به اینکه بتوانند به جای آسمان خاکستری، محیط زیستی پاک و سرزنده و سرشار از رنگ و دوستدار کودک را داشته باشند.

اعضای شورای اسلامی شهر تهران

■ محمد جواد حق شناس

عضو و رییس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران



وی با بیان اینکه از دیرباز هنر نقاشی ابزار و بستر مناسبی برای ساماندهی خلاقیت کودکان بوده است، گفت: کودکان امروز از طریق نقاشی‌ها و ایده‌هایی که روی کاغذ نقش می‌بندد، به نوعی مسیر آینده خود را ترسیم می‌کنند. محمدجواد حق شناس با اشاره به اینکه کودکان به عنوان آینده سازان این شهر در حوزه آموزش‌های شهروندی از اولویت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، گفت: به طور قطع اگر بخواهیم به شهر و آینده شهر فکر کنیم، باید مبانی توجه و تاکید فکر و اندیشه صحیح و درست را روی کودکان سرمایه گذاری کنیم؛ چراکه آنها آینده سازان کشور هستند. عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران اظهار کرد: یکی از مهم ترین ابزارها و شاید شیوه‌هایی که امکان اندیشه ورزی را در کودکان فراهم می‌کند، ایجاد بسترهای مناسب برای پرورش استعداد های خلاقانه‌ای است که از پدر و مادر نشأت گرفته و مدیران شهری باید زمینه ساز رشد این استعداد ها باشند. وی با بیان اینکه از دیرباز هنر نقاشی ابزار و بستر مناسبی برای ساماندهی خلاقیت کودکان بوده است، اذعان کرد: کودکان امروز از طریق نقاشی‌ها و ایده‌هایی که روی کاغذ نقش می‌بندد، به نوعی مسیر آینده خود را ترسیم می‌کنند. وی ابراز خوشحالی کرد که با وجود شیوع ویروس کرونا و دوری از مدارس، فرصتی فراهم شد تا کودکان بتوانند آرزوهای خود را نقاشی کنند و شهرشان را به تصویر کشند.

■ ابراهیم امینی

نایب رئیس پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران



نایب رئیس شورای شهر تهران با بیان اینکه متولیان اداره جامعه باید بتوانند از همان ابتدا فرصتی را برای کودکان ایجاد کنند، گفت: بدین صورت استعدادهای کودکان شکوفا می‌شود و مسیر اصلی خود را پیدا می‌کنند.

ابراهیم امینی در خصوص اینکه متولیان اداره جامعه باید بتوانند از همان ابتدا فرصتی را برای کودکان ایجاد کنند، گفت: بدین صورت استعدادهای کودکان شکوفا می‌شود و مسیر اصلی خود را پیدا می‌کنند. وی در این باره ادامه داد: بدین صورت کودکان به مرور زمان با حقوق و تکالیف شهروندی خودشان آشنا می‌شوند و حضور با نشاط و پر رنگی را در عرصه فرهنگی و اجتماعی شهرشان خواهند داشت که در نتیجه توان جامعه نیز بیشتر خواهد شد. این عضو شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه در شورای پنجم مصوبه‌هایی را در مورد شهر دوستدار کودک داشتیم، اظهار کرد: به تازگی مصوبه‌ای درباره موزه کودک داشتیم. در همین راستا در برنامه ۵ ساله که تصویب شد، بودجه‌هایی برای این کار اختصاص داده شده است. وی با بیان در شرایط این چنینی کودک فرصت پیدا می‌کند ایده‌های خود را نسبت به شهر محل زندگی‌اش به تصویر کشد، عنوان کرد: اینکه کودکان در خصوص اینکه چگونه شهرشان زیباتر شود و یا با مشکلات کمتری روبرو شوند، باعث اعتماد به نفس کودکان خواهد شد. امینی با بیان اینکه با شرایط این چنینی کودک اعتماد به نفس پیدا کرده و استعدادهایش شکوفا می‌شود، خاطرنشان کرد: کودکان دارای ذهن‌های پاک هستند و این ذهن‌های پاک راه را به مسئولین نشان می‌دهد.

■ حسن خلیل آبادی عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران



حسن خلیل آبادی با تاکید بر اهمیت فراهم سازی سرگرمی برای کودکان افزود: با ایجاد سرگرمی می‌توان از رویکرد و نگاه آنان به شهر و خدمات شهری مطلع شد. همچنین نگاه کودکان به مسائل شهری و سرگرمی نقاشی می‌تواند، مدیریت شهری را از دغدغه‌های کودکان در سنین مختلف آگاه کند. وی با بیان اینکه در شرایط فعلی و با وجود بیماری کرونا اغلب کودکان بیشترین زمان خود را در خانه سپری می‌کنند، گفت: نقاشی و تصویرسازی کودکان می‌تواند، دستاوردهای نوینی را به دنبال داشته باشد که به بهبود شرایط کرونایی و بهبود زندگی آنها کمک می‌کند. خلیل آبادی ادامه داد: همچنین این نقاشی‌ها را می‌توان با ارسال به کارشناسان خبره‌ای که دستی در تحلیل نقاشی‌ها دارند، تفسیر کرد تا دستاوردهای خوبی را برای مطالعات و بررسی‌های دقیق‌تری در حوزه کودک به دست آورد. این عضو شورای شهر تهران با بیان اینکه این نقاشی‌ها می‌تواند بیانگر دنیای کودکان باشد، عنوان کرد: نوع نقاشی کودکان هشدارهایی را از شرایط جامعه، مشکلات داخل خانواده‌ها و نگرانی‌های آنان به ما منتقل می‌کند که در مدیریت شهری باید با مورد توجه قرار دادن این موارد در شهر دوستدار کودک، موارد مخاطره‌انگیز را رفع کنیم تا شهری آرام را برای کودکان رقم زنیم و احساس تعلق خاطر را در آنان افزایش دهیم.

■ **شهربانو امانی**
عضو کمیسیون عمران و
حمل و نقل پنجمین دوره شورای
اسلامی شهر تهران



**از نظر شما فرم، محتوا و شیوه ی
اجرای مسابقه نقاشی شهر تهران تا چه
حده شنیده شدن صدای کودکان تهران
میتواند ما را نزدیک یا دور کند؟**

من هم سال ۹۸ از نمایشگاه بازدید کردم و هم سال ۹۹ شرکت کردم. در کل در دنیا هم اینطور هست که کودکان و سالمندان، حالا به طور خاص اینجا کودکان هدف ما هست، چون این ها حق رای ندارند و به رسمیت شناخته نمی شوند و حتی در برنامه های انتخاباتی هم دیده نمی شوند، به هر شیوه و با هر ایده ای که بتونیم حرف این ها را به گوش مسئولین برسانیم، خودش قابل توجه است. یکی از روش هایی که کودکانی بتوانند خواسته ها و آرزوهایشان را بیان کنند، نقاشی هست. نقاشی هم هنری است که ماندگار است و هم از زوایای مختلف قابل تجزیه و تحلیل هست.

در سال ۹۸ که کودکان با خانواده در نمایشگاه حضور داشتند، حتی بچه های چهار پنج ساله احساس هویت و دیده و شنیده شدن و به رسمیت شناخته شدن بهشان دست می داد و اعتماد به نفسشان را بیشتر می کرد. به خصوص خانواده ها از سنین کودکی یاد می گیرند که به مطالبات کودکانشان توجه کنند. این یک معادله دو طرفه است، هم توجه مدیران را به خواسته های کودکان جلب می کند و هم خانواده ها متوجه خواسته هایشان می شوند. این برنامه می تواند یک شبکه ارتباطی بین مدیران و برنامه ریزان و خانواده ها به وجود میاره. این کودکان چهارچوب ذهنیشان به این واسطه شکل می گیرد. من معمولاً کمر بند ایمنی را مثال می زنم، تنها قانونی که در کشور نهاده شده و به یک فرهنگ تبدیل شد، استفاده از کمر بند ایمنی بود. وقتی از بچه تصمیم گرفتند، در این زمینه کمک بگیرند، کودکان هم پدر و مادر را ملزم کردند و هم خودشان یاد گرفتند. لذا اگر این را به نقاشی کودکان تسری دهیم، نقاشی کودکان هم همینطور تأثیر دارد. کودکان شهر و خانه ی شاد می خواهند، نقاشی های کودکان پر از رنگ بود. ما به عنوان بزرگسال موظفیم این شادی را فراهم کنیم. من فکر می کنم که کاری که دو ساله داره اجرا می شود، کارشناسان حوزه کودکان می توانند از زوایای مختلف آن را ارزیابی و تحلیل کنند و کار مهم دیگری که باید انجام شود این است که باید این برنامه را نهادهای کرد که آمدن و رفتن مدیران قائم به فرد نباشد و قائم به برنامه باشد. زیبایی این کار این است که در عمل در دستور کار مدیران قرار گیرد. اگر مدیران تصمیم بگیرند که بعضی از این ایده های نقاشی ها را با کمک خانواده ها اجرا کنند، تأثیر خیلی زیادی روی کودکان خواهد گذاشت. توجه کردن و اهمیت دادن به کودکان باعث می شود که توجه به شهر روی ذهن کودک حک شود و تبدیل به الگو شود. مثل همان قضیه کمر بند ایمنی می شود و از همان ابتدا نهادینه می شود.

با توجه به حضورتان در نمایشگاه و باز دید از آثار کودکان، اگر همچنان در خاطر دارید مهم ترین دغدغه های کودکان از نگاه شما چه دغدغه هایی بودند؟
در نقاشی های سال گذشته، جا برای همه بود، نقاشی های زیادی می شد دید که

همه شهروندان با بینش های مختلف در شهر حضور دارند، دختر های با چادر و بدون مقنعه، پسر های مختلف و خانواده های با فرهنگ های مختلف در زندگی مسالمت آمیز کنار هم زندگی می کردند. باز در سال گذشته به خاطر دارم، پاکیزگی خیلی در تمامی نقاشی ها مهم بود. حتی زباله یا سطل زباله در خیلی از نقاشی ها وجود نداشت. در سال ۹۹ که اپیدمی کووید ۱۹ بود و از پنجره کودکان نقاشی هایشان را کشیده بودند، آمال و آرزوهای کودکان به خوبی نمایان بود.

در حوزه تحلیل آثار کودکان، دو نوع نگرش میان مدیران وجود دارد، در یک سو دسته ای از مدیران هستند که معتقدند نقاشی کودک صرفاً اثر آسب شناسی مسائل شهری می تواند به ما کمک کند و در سویی دیگر مدیرانی هستند که معتقدند از درون تحلیل آثار می توان ایده هایی برای تغییر و تحول ارائه کرد. نگاه شما به کدام سوی این طیف نزدیک تر است؟

این ها مانع الجمع نیست. اگر مدیران کودکان را به عنوان شهروندان قابل توجه و مدیران آینده بهشان توجه کنند، این کودکان در نقاشی هایشان محیط زیست را دوست داشتند، حیوانات و گل ها را کشیده بودند. این به کاهش هزینه نگه داشت شهر کمک می کند. اگر توجهشان به کودکان به عنوان شهروندان کوچک آینده ساز باشد، طبیعتاً خودشان به عنوان مدیر جایی را در ذهنشان خواهند گذاشت که چه کار کنند که کودکان احساس کنند در شهر دیده می شوند. خیلی کار ها می شود کرد، مثلاً اینکه در پارک ها شرایطی فراهم کنند که کودکان جایی برای ابراز نظراتشان داشته باشند، مثلاً با گل یا نقاشی یا ... یا مثلاً در یکی از مناطق یک شهردار، دکتر صادق زاده در منطقه ۱۰ هماهنگ می کرد با نهادهای ذی نفع و خیابان را یک روز در اختیار کودکان و خانواده می گذاشت. یک روز کودکان با کودکان آشنا می شدند و همینطور خانواده ها. باید برای دوران پسا کرونا، باید به همچنین فرصت هایی فکر کرد. الان نقاشی جداره شهر را پذیرفتند که مطابق خواسته های بچه ها، شاد طراحی کنند.

در تحلیل محتوایی که از آثار کودکان صورت گرفت، به دلیل تنوع سنی شرکت کنندگان به سه گروه سنی مشابه به هم تقسیم شدند، گروه سنی ۴ تا ۷ ساله، ۸ تا ۱۱ ساله و ۱۲ تا ۱۴ ساله و دغدغه های کودکان بر حسب میزان فراوانی هر یک از موضوعات، شناسایی شد. علاقه مندی دیدگاه شما را به عنوان متخصص این حوزه در رابطه با دغدغه های کودکان بدانیم.

دبیر خانه شهر دوستدار کودک یک شهر بارگذاری شده و به صورت سخت افزاری و سایبری هست. فضای عمومی تهران مثل خیلی از شهرهای جهان، برای زندگی اجتماعی مناسب نیست و صرفاً فردی است. در این زمینه اگر شهرها الگوهای درست مبتنی بر انسان محوری داشته باشند، خیابان کامل یکی از این الگوهاست. خیابان برای زندگی است و اگر بخواهیم شهر تهران را انسان مدار کنیم که دوستدار همه گروه ها باشد، خیابان باید برایشان قابل استفاده باشد. الان خیابان های ما برای کودکان ایمن نیست، حتی پیاده رو ها امن نیست و قطعاً یکی از دغدغه ها که در نقاشی های کودکان هم پیدا بود همین ایجاد خیابان کامل بود. با توجه به اینکه ذهن مدیران ما

بیشتر سازه ای هست و باید تحول پارادایمی پیدا کند. در خیابان کامل، فضا ایمن هست، مغازه ها پر نشاط اند، اولویت خیابان با پیاده مداری، بعد دوچرخه، بعد حمل و نقل عمومی و بعد حمل و نقل شهری است. اینجاست که خیابان جذبه ای دارد برای حضور و در نقاشی های کودکان هم دیده می شود. وقتی

حجم کار بالا می‌رفت و اینکه شما بخواهید کارهای کیفی را بیرون بکشید نیازمند به یک بازنگری بیشتری بود و وقت بیشتری لازم داشت و کار را مشکل می‌کرد.

اگر بخواهیم درباره کیفیت داوری با حاشیه‌پردازی بیشتر صحبت کنیم، ما سعی کردیم که گروه داوران طیف متفاوت تری نسبت به سال گذشته داشته باشیم، ما از یک تصویرگر کمک کردیم، چون خیلی از تصویرهایی که فرستاده می‌شود برای خودش شکل موضوعی دارد و روایت در آن هست و جزئیاتی دارد که بچه برای خودش موقع کشیدن، داستانی را سرهم کرده یا یک صحنه‌ای را مجسم کرده که تصویرگر می‌توانست به ما خیلی کمک کند. از یک نویسنده و شاعر به نام خانم آتوسا صالحی کمک گرفتیم به این جهت که یک دید متفاوت تری داشته باشیم؛ یعنی خیلی از کارها هست تم شاعرانه دارد و یک جور آدم فکر می‌کند بچه توانسته از تجسم بیشتری استفاده کند و یک حس روایی به آن بدهد. وقتی روایت پیش می‌آید با تصویرگر و نویسنده ارتباط برقرار می‌کند. یک شخصیت دیگر ایرج طهماسب بود به عنوان یک کسی که با کودک ارتباط دارد و ممکن است ما با نقاشی کودک آشنا نباشد ولی دوست داشتیم یک نگاه بیرونی هم به موضوع داشته باشیم. من و آقای بنی‌اسدی کارشناس نقاش کودک هستیم و ایشان هم نقاش هم تصویرگر هستند. حوزه کاری من هم کارشناسی نقاشی کودک است که در کانون پرورش هستم. در زمینه نقاشی کودک سعی کردیم یک ارتباطی ایجاد کنیم که از جهت جنسیت خیلی تفاوت بین حضور زن و مرد نداشته باشد در این مورد تبعیضی قائل نشده باشیم. تلاش کردیم طیف‌های مختلف در داوری باشند و فقط به عنوان کارشناسان نقاشی کودک استفاده نکرده باشیم. دوستانی زیادی در داوری مرحله نخست کمکمان کردند که بیشتر کارشناس نقاشی کودک بودند.

۱؟ یعنی قبل از داوری اصلی؟

بله. اسم‌هایشان هم خانم‌ها معصومه فاضلی، مهناز ابراهیم‌پور و خانم حاتمی که اسم کوچکی‌شان را نمی‌دانم.

۲؟ بیشتر افرادی که می‌گویند از کانون پرورش فکری هستند؟

بله بیشترشان از کانون پرورش فکری بودند. می‌توانید اسم‌هایشان را از خانم یونسی بگیرید. شماره ایشان را دارید؟

۳؟ شماره خانم مؤذنی را داریم.

شماره خانم یونسی را به شما می‌دهم می‌توانید از خانم مؤذنی هم سؤال کنید. در جریان کارهای خانم فاضلی و ابراهیم‌پور من هستم در جریان کار دو نفر دیگر خانم مؤذنی هستند که می‌توانید بپرسید که اسم‌ها باید با اسم کوچک و دقیق باشد، به علاوه من ۵ نفر از داوران مرحله نخست بودیم.

۴؟ شما ۵ هزار اثر را به ۱۵۰ اثر رساندید، درست است؟

بله، یعنی ۱۰ درصد کارها را ما انتخاب کردیم و ۱۵۰ اثر در مرحله دوم شرکت کرد.

۵؟ پس داوری که آن روز نهایی داوری دیدم فقط همان ۱۵۰ اثر را داوری کردند.

قبل آن داوری نداشتند؟

خیر، آن‌ها نداشتند فقط من و خانم حدیثه قربان مشترک بودیم؛ یعنی در هر دو مرحله بودیم.

پیاده مدار شویم، اقتصاد شهری هم رونق خواهد داشت و خیابان به جایی برای قرار های مشترک تبدیل خواهد شد. ما در حال حاضر جایی برای حضور کودکان نداریم، مساجد هم جای کودکان نیست. کودکان چطور رفتارهای اجتماعی را یاد می‌گیرند. در مساجد جایی برای بازی کودکان نیست، به تازگی در بعضی از مالها جایی برای بازی کودکان تدارک دیدند. در مورد حضور حیوانات این کارها زمان بر هست اما این ایده های کودکان باید به عمل تبدیل شود. در مورد حضور حیوانات در شهر در خیلی از کشور ها پارک هایی طراحی شده است که حیوانات اهلی در آن آزادند و اینطور می شود که کودکان دوستدار محیط زیست می شوند. پارک نارای ژاپن ۲۰۰۰ تا آهو آزادانه می چرخیدند و همچنین ایده هایی شدنی هست. کودکان عاشق ارتباط هستند و دارند اجتماعی شدن را تجربه می کنند، کودکان خیلی دوست دارند که چهره های جدید را ببینند و شخصیت اجتماعی شان شکل می گیرد. این مسئولیت مدیران را دو چندان می کند، وقتی می خواهند برای یک کوچه ۱۲ متری مجوز برج می دهند، این آرامش کودکان را بر هم می زند. اگر یک مدیر دغدغه ی کودکان را داشته باشد در طراحی شهری و پارک ها آنها را لحاظ می کند.

داوران مسابقه

■ جمال الدین اکرمی داور دو دوره مسابقه نقاشی



۱؟ معیارهای داوری در نگاه شما چه بود؟

اول این که اثر باید مرتبط با موضوع باشد؛ یعنی درون مایه‌های شهر و پنجره و نگاه از پنجره در آن باشد. مورد دیگر زیبایی‌شناسی اثر بود. زاویه دید، ترکیب بندی خوب، بومی بودن اثر یا نزدیک بودن به عناصر بومی. کپی نباشد و اینکه از بزرگ‌ترها کمک نگرفته باشد یا دست بزرگ‌ترها در اثر نباشد. جمله را خودتان درست کنید.

۲؟ نظر شما در مورد کیفیت داوری چیست؟ حالا که فاصله گرفتید فکر می‌کنید فرایند داوری چقدر مطلوب بود؟ می‌شود بهتر شود یا خیر؟

یک تفاوتی با داوری‌ها یا جشنواره‌های سال گذشته داشت، چون دومین دوره آن بود، تفاوت این بود که به خاطر مجازی بودن ویژگی‌های خودش را به وجود می‌آورد. یکی اینکه وقتی اصل آثار دست شماست جذابیت بیشتری دارد و با دقت بیشتری نگاه می‌کنید؛ یعنی با لذت بیشتری نگاه می‌کنید. خیلی از کارها و عکس‌ها چون مجازی و عکس گرفته شده بود و فرستاده شده بود، کیفیت خوبی نداشت و باعث می‌شد تا حد زیادی نادیده گرفته شود یا به خوبی دیده نشود و اینکه تفاوت دیگری که با سال‌های قبل داشت این بود که البته از این طریق ارسال کار برای بچه‌ها خیلی راحت‌تر است نیاز به پست کردن و هزینه کردن نیست و همین عامل باعث می‌شد خیلی از نقاشی‌هایی که ربطی به موضوع نداشت فرستاده می‌شد و به همین دلیل

؟ فکر می‌کردم آثار برای این ۵ نفر آشنا بود، یعنی قبلاً برایشان ارسال شده بود و دیده بودند؟

به نکته خوبی اشاره کردید. موضوع سر این است که برای هر کدام از این داورها گروه سنی را فرستاده بودیم در مرحله نخست بیشترین طبقه ۳۰۰ کار فرستادیم؛ یعنی برای هر داور دو برابر این آثار را فرستادیم.

؟ یعنی از آن باز انتخاب کردند.

بله، یعنی در مرحله نخست از ۱۵ هزار اثر تقریباً ۳۰۰ کار را انتخاب کردیم. داورها این‌ها را دیدند دوباره تقریباً از نصف کارها برای مرحله نهایی انتخاب شد.

؟ در واقع ۳ مرحله داوری داشتید.

بله.

؟ می‌خواستیم از محتوا بپرسیم، آن روز چون به موضوع نزدیک بودید ممکن بود این سؤال کلی این قدر پاسخ دادن به آن راحت نباشد. حالا که فاصله گرفتید اگر بخواهید این کارهایی که بچه‌ها داشتند را بازنگری کنید و محتوا و دغدغه‌هایی که باز نمایی کردند حالا چه حوزه شخصی زندگی خودشان چه دغدغه‌های اجتماعی که در کار مطرح کردند، فکر می‌کنید اصلاً چنین چیز روشنی هست آدم بتواند در مورد آن حرف بزند؟ ممکن است بگویید کارها خیلی شخصی بودند خیلی موضوع نداشتند، لزوماً کار بچه‌ها این طور نیست تم داشته باشد یا ممکن است بگویید یکسری از کارهایشان تم داشته است.

در مرحله قبل و سال‌های گذشته این شانس را داشتیم که خیلی از این بچه‌ها در کانون در شهر خودشان در کارگاه‌های کانون پرورش یا کارگاه‌های آموزشگاه خصوصی یا سرای محله یا جاهای مختلف می‌آمدند جمع می‌شدند آنجا کار می‌کردند و خیلی‌ها در خانه و خیلی‌ها در مراکز کار می‌کردند. خوبی کار کردن در مرکز این است که معلم بچه‌ها را در جریان موضوع شهر قرار می‌دهد. معتقدم قبل از نقاشی جشنواره نیاز به گفت‌وگو داریم این نقش در کارها دیده می‌شد. بیشتر بچه‌ها المان شهر را برج میلاد گذاشته بودند که ممکن بود حتی از تهران نباشند! مثلاً از حاشیه تهران باشند، تهران مجموعه‌ای از حاشیه‌نشین‌ها است که آن‌ها هم ویژگی خودشان را دارند. حاشیه شهر تهران اسلامشهر، بهارستان، شهر قدس را دارد و خیلی از جاها هستند که در این حواشی متصل به تهران و جزء شهرداری تهران حساب می‌شوند ولی همه آن‌ها می‌آیند المان را برج آزادی یا برج میلاد می‌گیرند یا عناصری که در مرکز شهر دیده می‌شود. خدوم خیلی دوست داشتم این‌ها یکسری فضاهای نزدیک به زندگی خودشان را هم در تصویر بیاورند؛ یعنی تهران فقط برج آزادی و برج میلاد نیست. فضایی که نزدیک خودشان است برای ما جذاب‌تر بود، به همین جهت عناصر بومی را گفتم. عناصر بومی عناصر نزدیک به تهران و حواشی آن باشد. وقتی کارگاه دارید مربی در فرهنگسرا، سرای محله، کانون پرورش یا آموزشگاه خصوصی گفت‌وگو انجام می‌دهد از بچه‌ها می‌خواهد بیرون را نگاه کنند و المان‌های ساده شهر و فضای خودشان را ببینند و این باعث می‌شود دیدگاه تازه‌ای به وجود بیاید و تصور از نقاشی شهر من تهران، در ذهن او برج‌ها نباشد عناصر خیلی ساده اطراف خودش باشد. ممکن است حاشیه‌نشین باشند و فضای آلاچیقی ببینند یا فضایی ببینند که برج یا ساختمان چند طبقه نداشته باشد، یک ساختمان کوچک باشد. مثلاً ما خاک سفید داریم یا مناطقی را به اسم لوسان داریم یا روستاهایی که اطراف تهران

وجود دارد، آدم دوست دارد آن شکلی ببیند یا احساس کند خیلی طبیعی‌تر است ساختمان‌ها نیاز به چند طبقه بودن ندارد. این‌ها نشان‌دهنده این است که بچه‌ها امکان کارگاهی نداشتند که دورهم بنشینند صحبت کنند. مربی در مورد شهر و اهمیت آن حرف بزند ویژگی‌های شهر را بگوید. المان‌های شهری ما در درجه اول شامل انسان‌ها است بعد ساختمان‌ها بعد وسایل نقلیه و بعد طبیعت، مراکز آموزشی، مراکز خرید، مراکز تجمع و مراکز هنری است. ببینید در المان‌های شهر چقدر تنوع داریم، پارک بازی، شهربازی داریم. بیشتر بچه‌ها متوجه نیستند المان‌های شهری در نقاشی‌هایشان می‌تواند کنار هم باشد، مثلاً از پنجره که نگاه می‌کند طبیعت، بازار باشد یک وانتی ببیند یک گاری رشتی ببیند. چیزهای خیلی معمولی که در کوچه و محله‌ها دیده می‌شود، چون گفت‌وگو و کارگاه نیست ذهن و زاویه دید بچه‌ها خیلی بسته می‌شود و به چیزهای عامی فکر می‌کنند که بیشتر تجسمی و محدود است. مثلاً بچه‌ای که کارت پنجاهی را گرفت بچه‌ای بود که پل عابر پیاده را کشیده بود؛ یعنی بخشی از پل عابر پیاده را کشیده بود آدم‌هایی روی آن بودند همه ما به خاطر نگاهش به او کارت دادیم؛ یعنی نیامده بود در شهرش مبالغه کند و عناصر ناآشنا را بگنجاند او شهرش را آن طوری دیده بود. زاویه دید کودک خیلی اهمیت پیدا می‌کند که نشانه‌گذاری در اثر هنری‌اش تکراری نباشد و از زاویه تازه به آن نگاه کرده باشد.

؟ موضوع جشنواره امسال و هم پارسال به نحوی انتخاب می‌شود که کودک یک تصویر ایده‌آل و فانتزی از آینده می‌خواهد به تصویر بکشد؛ یعنی آنچه دوست دارد را می‌خواهد بکشد ولی در بحث مشارکت و دغدغه‌ای که در شهر دوستدار کودک وجود دارد یک بخشش این است ما لحظه حال را به تصویر بکشیم؛ یعنی بدانیم بچه‌ها دارند چه چیز را می‌بینند و شهرشان را آنگاه چطوری می‌بینند نه آن فانتزی آینده‌ها. چیزی که من در کارها می‌دیدم این بود از بس این پرسش آن عنوان جشنواره فانتزی است بچه‌ها در مورد حال حرفی نزده بودند انگار فقط آن رؤیا بیشتر تصویر شده بود. خیلی کم بودند کارهایی که حالا آمده بود این دورا در کنار هم گذاشته بود. مثل کار آن دختری که روی تختش نشسته است. برای خودم سؤال بود چرا این عنوان را در هر دو سال فانتزی انتخاب کردید؟ یعنی بیشتر آینده‌نگری است؟ حداقل شاید امسال می‌شد ببینیم اصلاً حالشان چطور است؟ دارند چه چیز را می‌بینند؟

درست است. در المان‌ها و موارد ارزشیابی این مورد «خیال‌انگیزی» را هم اضافه کنید. نکته خوبی را اشاره کردید که به آن ۶ مورد ملاک ارزشیابی اضافه کنید. در واقع شما آمدید به درستی این را دو بخش کردید نقاشی شهری که در حال حاضر هست و در بخش دیگر به خیال خودش مراجعه می‌کند و شهر رؤیایی خودش را می‌کشد. این برای ما جذابیت خودش دارد. ما تصور می‌کنیم خیلی از بچه‌ها صوری شهر را نمی‌شناسند. اینکه از خانه بیرون بروند و مناطق مختلف شهری را ببینند خیلی از بچه‌ها این را ندیدند در نتیجه می‌آیند شهر را بر اساس رؤیای خودشان و چشم‌اندازی که برای آینده می‌بینند ترسیم می‌کنند این هم برای ما ارزش است. ما در داوری سعی کردیم هر دو نکته را توجه کنیم؛ یعنی هم پل هوایی که مثال زدم و یا شهری که ایده‌آل کودک است و تصور می‌کنیم بچه حق دارد کیفیت شهر خودش را خودش تجهیز و با آینده چک کند.

؟ در مورد آن موضوع‌ها اگر بخواهید مرور کنید فکر می‌کنید دغدغه‌های کلی بچه‌ها چه بود؟ کسانی که زمان حال را دیدند و دغدغه شهر فعلی را داشتند؟

باز خورد را داشته باشند ولی اینجا نه فرصت هست و هزینه دارد. بچه ما از چند ماه قبل به کار کردن روی موضوع شهر من شروع می کند یا شهری که دوست دارم. این فرصت را نداریم؛ یعنی فرصت زمانی هست ولی فضاهای اجرایی آن عملی نمی شود. معمولاً نهادهای ما مقطعی عمل می کنند و آن را موضوع و تلاش همیشگی نمی بینند در حالی که جشنواره مفهوم آن آماده شدن قبل از جشنواره است.

؟ چون شما پارسال هم بودید، پیگیری در مورد بچه هایی که طلا گرفته بودند استعداد هنری خوبی دارند شده است؟ داشتیم فکر می کردم احتمالاً می شد این ها به کانون دعوت شوند که آموزش هنری بیشتری ببینند در جریان هستید که چه اتفاقی برای این بچه ها افتاده است و امسال پلنی برای آن دارید؟

سال گذشته تلاش بیشتری داشتیم بیشتر به هم نزدیک بودیم، همان نفس گرمی که حضور ایجاد می کند در فضای مجازی نیست. مثلاً شما نمی دانید کدام بچه ها از امکانات گفتگو برخوردار بودند و کدام ها نبودند کدام ها کارگاه گذاشتند و کدام ها نگذاشتند؟ امسال من خیلی در مرحله آماده شدن تلاش ندیدم و برای آن برنامه ریزی نشده است. شاید امکانات بودجه ای یا عدم آماده بودن برای زمینه جدید مجازی کار کردن و چیزهای یاز این قبیل بوده است.

؟ متشکرم خیلی نکات خوبی بود. در مورد داوری شهرستان و بچه های معلول که گذاشته بودید کلاً چه شد شهرهای دیگر را وارد کردید چون قبل آن تردید داشتند می گفتند نمی دانیم شهرستان ها را وارد کنیم یا خیر؟ و کیفیت کارها چطور بود؟

ما سعی کردیم یکدست نبینیم و دنبال عناصر محلی در نقاشی و تصاویر می گشتیم ولی اینکه آن را به تهران منحصر کنیم شاید خیلی مثل سال گذشته این قدر حساس نشده بودیم. شاید یکجایایی احساس کردیم بهتر است بچه ها بال و پر بیشتری بگیرند و وقتی در مورد شهر صحبت می کنیم فقط تهران در ذهنشان نیاید، اگر کاری از شهرستان بود رد نکردیم و کنار گذاشتیم. احساس کردیم او هم خواسته تلاشی کند و این برای او مهم بوده است. در نتیجه از دور مسابقه خارج نشده است. ضمن اینکه از شهری که من دوست دارم ما خیلی به تهران اشاره نکردیم ما همان درون مایه های شهر و پنجره را مطرح کردیم بدون اینکه بخواهیم به تهران اشاره کنیم هر چند این جزء برنامه هایی بوده که از قبل در شهر تهران برگزار شده است ولی سعی نکردیم با این شرایطی که بچه ها دارند شرایط خانه نشینی و کم تحرکی و یا هر چیز دیگری، سعی کردیم یک مقدار بازتر عمل کنیم.

؟ اصلاً فکر می کنید نشانه شناسی آثار کودکان معنی دار هست؟ می شود در مورد کارهای برگزیده مثلاً کسانی که طلا و نقره گرفتند چنین کاری کرد؟ یا چقدر مفید است؟

سؤال خیلی خوبی کردید. یکی از موضوع هایی که خیلی به آن اصرار دارم نگاه جامعه شناسانه به آثار بچه ها است. قرار نیست که ما فقط آثار را جمع کنیم و گزارش دهیم چنین جشنواره ای برگزار کردیم! واقعیت این است که زمان لازم است که بارها و بارها دورهم جمع شویم و آثار را تحلیل کنیم و کاستی ها را از داخل آن درآوریم. ممکن است بچه ای نقاشی ای بکشد و کاستی های شهرش را به تصویر بکشد و این خیلی اهمیت دارد. ما نمی خواهیم همه بچه ها در محلات یک جور با برج ها و ساختمان های بلند زندگی کنند. هر محله یک شکل است و شما این را از نقاشی تحلیل می کنید. نگاه می کنید و کاستی ها را درمی آورید اصلاً این کار باید انجام

اولاً اینکه کرونا در خیلی از کارها بود. بخش زیادی از آثاری که بچه ها ترسیم می کنند برگرفته از عکس و فیلم است. بچه های در روستا یا خیلی از بچه ها از دیدن شهر محروم هستند. به خصوص بچه های حاشیه جسمی از شهر ندارند در نتیجه برای اینکه به حال مراجعه کنند یکی همان عنصر کرونا و بیماری بود که با ماسک در تصویر بودند و خیلی ها شهر را بدون انسان کشیده بودند. خیلی جالب بود! شاید ناخودآگاه دنیایی را مجسم کردند که آدم ها در خیابان نیستند. شاید اولین سؤال این است آدم ها کجا هستند؟ ما نمی دانیم در ذهن بچه ها چه می گذرد؟ در نتیجه شاید خیلی از آن ها شهر خالی از انسان را کشیدند. طبیعتاً یکسری از عناصر انسانی در کار حذف شد و این نیازمند است جمع داوران به این نکته توجه داشته باشند که شهر بدون انسان به معنای حذف یکی از عناصر نیست بلکه به خاطر شرایطی است که امسال در سال ۹۹ وجود داشته است. این ها چیزهایی هست که به قول شما در این تصاویر هست و یک جور ۲۱:۱۸ لازم دارد که بودن داوران کنار هم این حسن را دارد که هر کس به نکته ای اشاره می کند و بقیه را متوجه برداشت خود می کند مثلاً یک کاری بود که با گفتگو باعث شد دیگران به آن رأی بدهند. یا برعکس کاری بوده که خیلی جذاب بوده کارت زیادی به آن تعلق گرفته ولی یکی از داوران آمد گفت من عین این را قبلاً دیدم و سند آورده و ما را مجاب کرده که در این کار یا دست بزرگتر رفته یا از چیزی گرفته شده است و در نتیجه کارت ها از روی تصویر برداشته می شد! گفت وگویی داوران باعث می شود زاویه دید تازه ای برای بقیه به وجود آید.

؟ آقای دانشور به من گفتند امسال مثل پارسال حضوری نبودند ولی ما کارگاه مجازی برگزار کردیم که هم در کانون و هم در شاد بود. حالا من به آن ها گفتیم اگر برگزار شده، چه تعداد بوده که مثل پارسال بتوانیم از تعداد کسانی که شرکت کردند و تعداد کارگاهی که تشکیل شده، داشته باشیم. حالا قرار است این را از خانم حاتمی بیرسم ولی چون خود شما در آنجا هستید در جریان این کارگاه مجازی بودید؟ چقدر با کیفیت هستند؟ تفاوت قابل قیاس با فضای کارگاه حضوری هست یا خیر؟

این کارگاه ها بوده منتهی با وسعت خیلی کم، چون کار زیاد در کارگاه مجازی اصلاً معنا ندارد. مگر اینکه بیاپیاد روش کار یکسانی را تنظیم کنید که این نیازمند وقت زیاد و کمک گرفتن از بقیه نهادها است و این کار را خیلی سخت می کند. وقتی کارگاه حضوری هست نفس گرم مربی و کسانی که کنار شما هستند خیلی به شما کمک می کند ولی وقتی فضا دور هست مربی واقعاً نمی تواند زیاد کمک کند فقط می تواند توضیحات ساده ای بگوید همان چیزی که ما اشاره کردیم و به آن نیاز داشتیم.

؟ شما خودتان مدرس بودید و این فضاها را دیدید که بچه ها چه چیزی در این کارگاه دارند؟

خیر. من معمولاً با مربی ها کار می کنم و مربی های کانون با بچه ها کار می کنند. تقریباً مربیان با روش کارم آشنا هستند. اگر همه برای این کار فرصت بگذارند، یک بخشی هم به این مربوط بشود که مربی آن را جزء ساعت کار خود حساب کند و وقت بگذارد و برایش مهم باشد. وقتی مجازی است شما نظارتی به این موضوع ندارید و نمی توانید بازخوردش را ببینید. من همیشه می گویم جشنواره خودش خیلی مهم نیست اندیشه ای که برای بچه ها ایجاد می کند خیلی مهم است و رقابت که شکل سالمی پیدا کند و بچه جنب و جوش داشته باشد و دیگر اینکه من فاصله بین جشنواره را خیلی مهم تر از جشنواره می دانم؛ یعنی مثلاً بین جشنواره سال گذشته و امسال باید کارگاه های مختلفی به وجود آید، آمادگی ایجاد شود که بچه ها بهترین

اینکه به چه چیزی بستگی دارد؟ به دوره‌ای که در آن اتفاق می‌افتد، حوادث پیرامونی یک مسئله است خود سوزهای که می‌خواهد یک مسئله است. وقتی شما دارید درباره شهر کار می‌کنید بسیاری از کارهایی که در این دوره بود اختصاصش به ویروس کرونا بود، حالا ممکن است شما بگویید ما نمی‌خواهیم درباره این نگاه حرف بزنیم ولی وجود دارد. مناسباتی که الآن وجود دارد در کار بچه‌ها می‌آید و بچه‌ها هم به‌نوعی یک برخورد عاطفی با مسائل دارند و آن‌ها را در کارهایشان لحاظ می‌کنند. این دوره‌ها می‌تواند متفاوت باشد. همان‌طور که الآن واژه‌هایی که بچه‌ها استفاده می‌کنند با واژه دوره ما خیلی متفاوت است. وقتی از بچه همسایه می‌شنوم که شرایط خوبی ندارد که به مادر بزرگش می‌گوید، مادر بزرگ بلا تکلیف یعنی چه؟ حتماً بچه این کلمه را شنیده می‌خواهد معنی آن را بداند وقتی کلمه بلا تکلیف را می‌گوییم یعنی یک مجموعه استرس را با آن همراه داریم. پس از این بچه توقع یک خیلی آرام، منظم و خیلی شاد نباید داشته باشیم. هر چند در برخی از کارها یک مقدار تحسین کردیم؛ همان کاری که الآن دیدیم، یک بچه‌ای اندوهگین در خانه خود نشسته است و خانه تیره و تاریک است و بیرون شاد است، چیزی که دلش می‌خواهد باشد. اینکه می‌گویید این خیلی کار باارزشی است این را می‌فهم ولی یک بچه در این سن و سال نباید به چنین مسائلی با این دقت فکر کند یا توجه کند. ترجیح می‌دهیم بچه‌هایی پیرامون شما باشند که خوشحال باشند، چون خوشحالی می‌تواند در فهمیدن درست زندگی کمکشان کند. در دورانی که بنده در ابتدای دهه ۵۰ انیمیشن می‌خواندم بسیاری از همکلاسی‌هایم می‌گفتند فضایی که در والد دیزنی دارد کار می‌شود یک فضای خیلی خوشحالی بی‌علت برای یک طبقه مرفهی است که وجود دارد و می‌گفتند نبینیم. الآن که به سن عقلی‌تری رسیدم که بیشتر فکر می‌کنم می‌گویم چرا بچه‌ها نباید در یک فضای امن، آرامی بزرگ شوند و تلاش کنند،

؟ پس شما ترجیح می‌دهید کار بچه‌های این سنی که غمگین‌تر است را

تشویق نکنیم، بیشتر از جهت خود آن بچه فکر می‌کنید؟

نگران آن هستم.

؟ چون تشویق می‌شود که غمگین‌تر شود.

بله در حقیقت یکجایی فرض کنیم، اصلاً این نباید سؤال او باشد، حتماً مادرش دارد مطرح می‌کند. حتماً یکی در خانه شاک می‌زند، ترجیح می‌دهم همچنان به بچه‌ها امیدواری بدهیم. جهان امیدواری به او دهیم. نه امیدوارانه بی‌مسئولیت بلکه از او بخواهیم جهان بهتری در ذهنش داشته باشد. من ترس از خو گرفتن به این جهان غمگین را نگرانم. من باید در وجودم چیزهایی را داشتم که دارد تلاش می‌کند برای اینکه جهان بهتری بخواهیم و عادت کردن به آن و نشان دادن کودک غمگین، چرا این کودک باید غمگین باشد؟!

؟ شما پارسال هم داور بودید، شرایط اجتماعی و اقتصادی خیلی روی حال

بچه‌ها تأثیر گذاشته است.

خودم داشتم نگاه می‌کردم فرض بر این بود، سندی نیستی نداشتیم و امکانی که برگردم و کارهای گذشته را ببینم نبود به خاطر شرایط کاری‌ام زمان نداشتیم، دلم می‌خواست مقایسه کنم ولی ته ذهنم فکر می‌کردم پارسال بهتر بود.

؟ از حیث فضای روحی یا هنری آن؟

مجموع را با هم می‌گویم. فکر می‌کنم در پارسال کارها با شادی بیشتری بود. این‌ها

شود ولی تقریباً تا حالا ندیدم نهادهای به این موضوع خیلی حساس باشد. مگر اینکه شهرداری تهران بعداً بیاورد این‌ها را در اختیار کارشناسان قرار دهد و بگوید این کارها را تحلیل محتوایی کنید؛ یعنی مثلاً مثال می‌زنم از شهر کرد نقاشی‌هایی آمده که همه لباس تهرانی تنشان هست کت و شلوار دارند، در حالی که آنجا لباس محلی دارند شما نتیجه می‌گیرید بچه‌های شهر کرد نگاهشان به بیرون از خودشان هست نه به درون و اطراف خودشان. نگاهشان نگاه کتاب درسی است. می‌بینند در درسشان ساختمان چطوری هست همان را می‌کشند. در نتیجه آن تحلیل محتوایی اینجا به درد می‌خورد که احساس می‌کنید حالا به این نیاز داریم کاستی‌ها و حتی امتیازات را از روی نقاشی پیدا کنیم. چقدر نگاه بچه‌ها جالب است! به خصوص بچه‌هایی که در مورد آرزوهایشان نقاشی می‌کنند. می‌گویید چه ایده خوبی است که یک تکه از شهرمان را با آن چک کنیم. از ایده نقاشی بچه‌ها برای رفع کاستی‌ها و در نظر گرفتن امتیازات استفاده کنیم. این کاری است که در جشنواره ندیدم.

؟ نظرتان درباره نمایشگاه چه بود؟

چیدمان قاب های کودکان در نمایشگاه مطابق با سلیقه کودکان بود و شور و نشاط رفتارهای کودکان در آن‌ها دیده می‌شد. علاوه بر این حضور کودکان در کنار والدین خود در این نمایشگاه بسیار حائز اهمیت است. اینکه کودکان آثار خود را در کنار دیگر آثار مشاهده می‌کردند، حس و حال خاصی به نمایشگاه داده بود و با توجه به حضور کودکان و چیدمان آثار می‌توان نمره قابل قبول و خوبی به این نمایشگاه داد. زمانی که یک اثر هنری از فضای منزل وارد جامعه می‌شود، برای کودک یک شگفتی خاصی دارد، به ویژه برای کودکان با محدودیت های خاص. امروز کودکان و نوجوانان با محدودیت های جسمی در دومین دوره مسابقه نقاشی کودکان حضور داشتند و آثار این کودکان در این نمایشگاه دارای جایگاه ویژه بود.

■ محمد علی بنی اسدی
داور دو دوره مسابقه نقاشی



؟ فرایند و شیوه داوری از نظر شما

چطور بود؟ اگر ایده‌های برای اصلاح کار در

سال آینده‌دار بدبفرمایید.

کلاً داوری در هر مقطع، شرایط و رشته‌ای (منظورم رشته‌های تصویری است) در

درجه اول یکسری معیار در ذهنتان به‌عنوان هنرهای تجسمی و معیاری که در این هنر دارید بخش موضوعی که از طرف جشنواره اعلام می‌شود فراخوان داده می‌شود مختصات را

توضیح می‌دهد. همه این‌ها به کنار، آنچه را که دریافت می‌کنید یک معیار تازه به شما می‌دهد؛ یعنی فرض کنید در مجموع که یک دور کل کار را نگاه می‌کنید آن حد تعیینی که سرنده یا غربال شما یا هر چیزی که بگوییم معیارهایی که می‌خواهید بخشی از کارها باشد یا نباشد، خود کارهای رسیده آن را تعیین می‌کند. برخی از دوره‌ها این کارها می‌تواند خیلی درخشان باشد برخی دوره‌ها می‌تواند کم‌رنگ‌تر باشد.

را از جهت خود کار کردن و ضرب آهنگ رفتاری، پرداخت به کار جذاب تر بود.

؟ پارسال چون کرونا نبوده خیلی از کارها در فضای کلاسی و گفتگو با آن مربی شکل گرفته است امسال خیلی مجازی بوده و همه در خانه های خود تکی کار کردند. شاید این دو تا خیلی تفاوت را ایجاد کرده است. این ها کارهای منفرد بچه ها در خانه های خودشان هست.

بله. من ترجیح می دهم یا بچه با هیچ مربی ای کار نکنند یا اگر کار می کند و مربی خوبی است، چرا که نه.

؟ مربی پارسال دغدغه را برایشان ایجاد کرده بود.

نمی توانیم بگوییم که آیا یک کار کودکی که داریم می بینیم کاملاً خودش کار کرده است یا خیر. بعد از این همه سال و اواخر کتاب هایی که خواندم، این قدر خانواده حتی نگاه پدر یا مادر، مهم است برای اینکه کودک اعتماد به نفس داشته باشد یا خیر. یا کارش را خوب انجام دهد یا ندهد و به نظر می آید این قدر پارامترها به ریز وجود دارد که بخواهیم آن ها را منها کنیم اصلاً اتفاق نمی افتد. حتی چند ماه پیش داشتم کتابی را دوباره مرور می کردم یک نویسنده ای که با مقاله های دانشگاهی در ارتباط بوده و درباره تربیت آدم ها نوشته، فهمیدم چیز عجیب و غریبی است و اصلاً باور کردنی نیست؛ یعنی این قدر مسائل پیرامونی می توانند روی ما مؤثر باشند. الان داشتم با دوست عزیزم حرف می زدم این مثال را آورد که خیلی از مسائل و کارهای هنری کاملاً بستگی به اتفاق دارد. یک عکس معروفی در جهان هست که خیلی مطرح شده است، جمله ای برای من جالب بود از عکاسش پرسیدند چه شد این عکس خوب را انداختید؟ گفت در زمان مناسب در مکان مناسب بودم، همین! اینکه توانایی اش بوده، ابزار را بلد بوده، همه برای من قابل درک است ولی اینکه شما کی و کجا و چه چیز را ببینید، مسائلی که راجع به داوری می گویند باز هم همچنان هست. اگر همه ما یک روز دیگری بباییم داوری کنیم، نمی گویم کلاً عوض می شود ولی تغییراتی در آن رخ می دهد چون همه چیز ۱۰۰ درصد نیست. بسیاری از چیدمان ها حواس همدیگر را به این معطوف کردند که این کار را ببینید یا نبینید، بالای سر کار بایستیم همه این ها مؤثر است برای اینکه خیلی وقت ها معلوم است ممکن است در نگاه اولیه کار متوجه ریزه کاری ماجرا نشده باشیم طبیعی است. من هیچ وقت زیر بار این ماجرا نرفتم که بروم برای کنکور ورق تصحیح کنم، چون نمی خواهم سرنوشت دیگران را تحت الشعاع قرار دهم و می دانم که من ۴۰ تا کار اولی را با یک صبوری نگاه می کنم و از آنجا به بعد ذهنم بسته می شود. یک بحثی خیلی سال پیش به نام سندرم استاندارد مطرح شده بود؛ یعنی وقتی شما از یک تعداد کار بیشتر از حد نگاه می کنید ذهنتان بسته می شود که بعداً دیدم این اواخر کتابی آمده است که به سندرم استاندارد خیلی خوب پرداخته است. آدم دچار سوء هاضمه هنری می شود و از یکجایی به بعد دیگر درک نمی کند.

؟ اگر تعداد کارها را به چند روز تقسیم کنیم بهتر نمی شود تا اینکه یک دفعه حجم عظیمی را داوری کنیم؟

اساساً چیزهایی است که جشنواره ای این را پذیرفته است. مثلاً دوستانی که بیرون داوری کردند، چون یکی دو بار با این قضایا مواجه شدم. یکبار یکی از نزدیکان خودم بود شاهد بودم کارها دیده نشد رفت، هیچ تلاشی هم نکردم که دوباره دیده شود. در ذهنم گذاشته بودم که بدانم چگونه یک چیزی اتفاق می افتد. دوستی داشتم تعریف می کرد ما خارج رفته بودیم داشتیم کاریکاتور را داوری

می کردیم یک لحظه ای بود که داشتیم با بغل دستی حرف می زدیم و کار رفت! خیلی وقت ها این جوری می شود؛ یعنی با یک درصد و احتمالاتی دارند کار خود را انجام می دهید.

؟ آتن چند تم مهم از کار بچه ها چیست؟ دغدغه یا کار تکرار شونده در کار بچه ها چیست؟ غیر از کرونا، شاید هم بگویید کرونا این قدر جدی نبود.

دغدغه ای نبود بحث این بود که بخشی از تصویری که در فضاهای مجازی هست در مغزشان تأثیر گذاشته است و آن فضایی است که دختری کنار پنجره نشسته و دارد قهوه می خورد، این نشستن لب پنجره و خوردن قهوه مشکلی نیست چند المان دارد که ماجرا را لو می دهد: یکی اینکه دختر با کفش نشسته، پوتین زمستانی! ما معمولاً آدم هایی هستیم که با کفش در خانه راه نمی رویم. دوم اینکه پشت سرشان یک مخته مانند است رویش گریه نشسته است که تقریباً اکثر این گریه ها یکسان نشسته اند. اصلاً خود این سیستم و مجموعه خیلی در فرهنگ ما نیست. وقتی تکرار می شود و شباهت هایی نزدیک به این هست معلوم است تصویر بیرونی بوده و روی بچه ها تأثیر گذاشته است.

؟ بیشترین چیزی که توجه شما را جلب کرد این بود؟

بله.

؟ فکر می کنید نشانه شناسی برای کار کودک اصلاً معنی دارد؟

خیر. الان خیلی مد شده است. بنده دیدم مقالاتی از دانشگاه های مشخصی می آید همه این ها می گویند هنرمندان همه برگشتند دارند به کودک نگاه می کنند، این غلط است. هنرمند بزرگ سال نیامده بگوید من به کودک نگاه کنم. ممکن است فرض بگیریم آخر ماجرا شخصی به خاطر همانندی هایش رجوع به کودک داشته باشد. مثلاً پُر کره که این قدر از کودک تأثیر گرفته است در خاطرات کودکی اش این است که یک بچه ای از خودش کوچک تر که پایش مشکل داشته را به پارک می برد و با لگد به پایش می زد. اینکه فکر کنیم همه عاشق آن هستند، این را بگوییم که ممکن است یک جور فضای بکر بودن را داشته باشد.

؟ یعنی ایده خاصی می دهد؟

هیچ ایده خاصی نمی دهد؛ یعنی وقتی دارید عقلی کار می کنید وقتی دارید کمپوسو می شناسید هیچ کمکی کار کودک به شما نمی کند. مثلاً همه این بافت ها را همه در کارهایشان دارند.

؟ از بعد هنری فکر می کنید ایده خاصی ندارد ولی از بعد مفهومی چه؟

شما ممکن است مفهوم جامعه شناسی بگیرید بگوید بله یک کودک چطور دارد دنیای پیرامون خود را می بیند کدام چیزها را محاسبه می کند. وقتی من الان دارم درس می دهم متوجه شدم به شدت تأثیرات رسانه ها باعث شده که مثلاً یک دوره ای به بچه ها می گفتند با سطح به بالا بچسباندن وقتی دانشجو بودند مدت ها است دیگر نمی توانند. هر چه فکر می کنم نمی توانم بفهمم. انگار رفتار خطی بیشتر مد شده است. بیشترین جذابیت برای ما اشتباهاتی است که این ها در ایمیل ها و اسم پیامک هایشان دارند. این نشان دهنده این است که یک بخشی از گوشی ها خودشان به تایپ کمک می کنند و بسیاری از آن ها درست نمی خوانند. وقتی یک مطلب برایشان می فرستم می بینم ۵ جور تعبیر می کنند، در حالی که

؟ ۵۳ جلسه؟

خیر ۵۳ کارگاه. ما یک کار را در یک جلسه نمی‌توانیم بگوییم. اگر هفته‌ای یک روز هم کلاس داشته باشند هفته‌ای یک روز برای پسرها و یک روز برای دخترها، این‌ها حداقل ۳ هفته روی این کار، کار کردند.

؟ یعنی هر کدام از این ۵۳ کارگاه در ۶ جلسه کلاس داشت.

به‌طور میانگین ۳ جلسه روی این گذاشتند، چون کارهایی که برای مسابقه می‌رسد باید روی آن خیلی دقت و کار کنند و این‌طور نیست که با یک جلسه تمام شود.

؟ تعداد هنر جوها حدوداً چند نفر هستند؟

حدودی می‌گویم در هر کارگاه حداقل بین ۱۲ تا ۱۵ نفر عضو وجود دارد.

؟ حدود ۶۵۰، ۶۳۰ نفر هستند.

بله. یکسری از کارگاه‌های ما تا ۲۰ نفر هم دارند، چون کارگاه مجازی، مجازی است و حضور فیزیکی نیست. ممکن است یکسری کارگاه تا ۳۰ نفر هم بیاید ولی آن چیزی که به‌صورت میانگین بود و معمولاً در کلاس حضور داشتند را گفتم.

؟ کارگاه‌ها از کارگاه‌ها جدا هستند؟ فقط کارگاه‌های کانون بوده است؟

کارگاه‌های شاد اصلاً به ما ارتباطی ندارد و برای آموزش و پرورش است، این برای کانون پرورش فکری است.

؟ فکر می‌کنید کیفیت کارگاه‌ها امسال چگونه است؟ چون برای شهرداری

خیلی مهم هست که مفهوم حق شهروندی و مسائل مربوط به آن منتقل شود؛ یعنی وقتی کودک می‌خواهد در مورد شهر نقاشی بکشد درک داشته باشد چه می‌خواهد بکشد؟ در کارگاه‌های مجازی این ارتباط توانست برقرار شود؟

بله. این را مدیون مربیان خود هستیم، چون مربیان خیلی با دقت، دلسوزی و همه توانشان کار می‌کنند. مربیان کانون پرورش فکری هم هر کدام بالای ۱۵ سال سابقه کار دارند و اینکه خیلی خوب توانستند توضیح بدهند. کارگاه ما تفکر محور است؛ یعنی چه پارسال و چه امسال خیلی خوب توانستند از عهده آن بر آیند. اتفاقاً برداشت خودم این بود که به لحاظ اینکه کارگاه‌ها مجازی برگزار می‌شود تعداد کارهای ما زیاد، البته زیاد نبود، ما پارسال ۴۰۰ تا کار دادیم امسال حدود ۲۳۰ کار شد، این است که تعداد کارها کم بود ولی دلیل نبود که از کیفیت آن کم شود یا از سر باز کنند. مربیان همچنان با همه تعهد و توانشان کار کردند و خیلی خوب بود. واقعیت اینکه چون امسال بچه‌ها در خانه کار می‌کردند و خودتان می‌دانید شرایط اقتصادی خانواده‌ها؛ چقدر بد است و مراکز کانون پرورش فکری در زمان قبل از انقلاب در جاهایی که کم‌برخوردار بودند، تأسیس شد و الآن هم به همین شکل است. کتابخانه‌های ما همه در جاهایی هستند که خیلی در مرکز نیست بیشتر در جنوب شهر است و این است که خیلی از لحاظ مواد و متربال کودکان قوی نبودند. پارسال شهرداری آمد و کار خیلی خوبی انجام داد، آمدند از ما نظرسنجی کردند و برای کارگاه‌ها ملزومات خریداری کردند در اختیار همکاران قرار دادند ولی امسال این اتفاق نیفتاد یا به موقع نیفتاد که همکاران ما بتوانند این ملزومات را در اختیار بچه‌ها قرار دهند و کارهای باکیفیت ارائه دهند. این‌طور بود که از لحاظ تعداد و کیفیت کار ضعیف بود. شما حساب کنید وقتی متربالی وجود دارد و در اختیار بچه‌ها هست، مثلاً بچه‌ها امسال هر مقوایی در خانه داشتند گرفتند کار کردند، به لحاظ شرایط اقتصادی هم آن توان را ندارند این قدر

سه بار خود خواندم به ۲، ۳ نفر هم گفتم بخوانید که فقط یک معنی دهد. متوجه شدم این‌ها خیلی جدی حواسشان نیست. وقتی کار بچه‌ها را می‌بینیم محدودیت‌های خانوادگی و روحی و امکاناتی که دارند همه ملاک است که یک بچه دارد چه کار می‌کند. بسیاری از این‌ها که در کانون هستند مربی داشتند که کمکشان کرده تا درک شود. بسیاری از آن‌ها خیر. مثلاً اسم شهرستان و هنر می‌آید اشکم درمی‌آید، این خیلی وحشتناک است. ما همه بچه شهرستان بودیم.

؟ یعنی تفاوت محسوسی بین بچه‌های آموزش دیده و ندیده هست؟

بله. وقتی شهرستان هستید اصلاً تعبیر اشتباه است. مثلاً یکی می‌خواست با آقای فرشچیان صحبت کند تلفنش را پیدا کرده بود، برای دهه ۴۰، ۵۰ بود. می‌گفت اگر به او زنگ بزنم حالش را ببرسم از من ببرسد یعنی چه رویم نمی‌شود بگویم. شما می‌خواهید از معلمان حالش را ببرسید و بگویند دوستش دارید. تعبیر شهرستانی اشتباه است. در مرکز تعبیر دیگر است. مثلاً من در تاریخ هنر می‌خوانم آقای سای تام لی کارهایش این معنی را می‌دهد کار این قدری است به قول خودشان خط‌خطی کودک دارد انجام می‌دهد ولی وقتی کارش را ۴ متری در موزه ژرژ پمپیدو یک‌دفعه متوجه می‌شوید کل ماجرا عوض شده است. تعبیرهای من آکواریومی است برای اینکه اصل کارها را در فضای خودش ندیدم و تعبیرهای خیلی دقیق نیست. اینکه بچه‌های کودک کار بکنند که نسبت به هنر حساسیتان بالا برود، این بهترین کار است. اینکه بگوییم این‌ها سرآغازی هستند برای اینکه آدم بزرگ‌ترها از آن‌ها یاد بگیرند به نظرم یک اشتباه لفظی است که بین برخی از معلمان مد شده و آن‌ها هم مدام دارند به دانشجویان گوشزد می‌کنند. از سال ۵۳ تا ۵۹ مربی نقاشی و فیلم‌سازی بودم. روی کار کودک شروع به بررسی کردن کردم که با آن چه کار می‌توانم بکنم، هیچ چیز.

■ منیژه حاتمیان

داور مرحله اول مسابقه و هماهنگ‌کننده کارگاه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

**؟ در مورد کلاس‌های مجازی که در**

کانون برگزار شد اگر اطلاعات دقیقش

هست، ممنون می‌شوم بفرمایید،

می‌خواستم آمار از اینکه چند کارگاه برگزار شد چند کودک

شرکت کردند داشته باشیم؟

حدود ۵۳ کارگاه برگزار شده. ما در این موضوع گروه‌های مختلف داریم و اینکه در مراکزی که در سطح شهر هست فراخوانش را بارها (همکاران و زیرگروه‌ها) اعلام کردند و همه درگیر بودند و در این ۵۳ کارگاه کار می‌کردند. منتها خروجی این کارگاه حدوداً ۲۳۰، ۲۲۰ کار شد که از این ۲۳۰ کار ۱۰ تا هر روز فراگیر می‌شد.

؟ ۵۳ کارگاه همه مجازی برگزار می‌شد؟

بله. همه کارگاه‌های ما در حال حاضر مجازی برگزار می‌شود.

هستند که دنبال آن می‌روند و راجع به آن صحبت می‌کنند. مربی کانون نیازی به آموزش ندارد. داور پارسال مربی سرای محله؛ من حتی به آموزش و پرورش هم که می‌روم و به معلمان آموزش می‌دهم این را متوجه شدم. متأسفانه در فرهنگ ما فکر می‌کنند کار کردن با بچه الکی است و چیزی نمی‌فهمد، سرای محله‌ها آن مقوای نازنین را که پارسال دادیم برداشته بودند دو تا خط با مداد کشیده بودند تحویل داده بودند، من نگاه می‌کردم جگر کباب می‌شد! حیف این مقوا! اگر آن را به کارگاه‌های ما می‌دادید می‌دیدید چه آثاری طراحی می‌کنند. آثار کانون پرورش فکری ۱۸۰ درجه با آثار مثلاً آموزش و پرورش فرق دارد. امسال که داوری را انجام دادم و کارها را نگاه می‌کردم کارها را کنار می‌گذاشتم، نشسته با مداد یک منظره کشیده است معلوم نیست که پدر و مادر یا چه کسی کمکش کرده است ولی برای مربیان کانون این موضوعات حل شده است. نیازی ندارند توجیه شوند. این قدر در طول سال مسابقات مختلف و فراخوان‌های بین‌المللی به دست این‌ها می‌رسد که این اصلاً برایشان حل شده است و نگرانی بابت این موضوع نیست.

■ آتوسا صالحی

داور دومین دوره مسابقه نقاشی



؟ اصل‌ترین معیارهای داوری این جشنواره از نگاه شما چه عناصری بودند؟ و کیفیت فرایند داوری را چطور ارزیابی کردید؟

در مورد معیارهای داوری آن چیزی که با جمع داوران صحبت شده بود چند مورد بود: توجه به درون‌مایه شهر، اینکه بچه‌ها دوست دارند چه چیزی را از پشت پنجره ببینند؛ یعنی توجه به موضوع بود، خلاقیتشان، تازگی زاویه دیدشان و اینکه تا چه اندازه به عناصر بومی توجه می‌کنند و آن چیزی را که می‌بیند از دریچه ذهن خودشان عبور می‌دهند و ترکیب‌بندی اثر و زیبایی‌شناسی آن است. مورد مهم دیگر توجه به عدم دخالت بزرگ‌ترها بود. تقلیدی و کپی نبودن کار بود. آن چیزی که شخصاً برای من مهم بود خلاقیت کودکان در نگاه و اجرایشان بود. به نظرم کیفیت داوری جالب بود از این نظر که جداجدا هر کدام از داورها رأی و نظرشان را دادند و باز در جلسه‌ای نقاشی‌هایی که به مرحله آخر راه یافته بودند و امتیازات بالایی داشتند را توانستیم از نزدیک ببینیم و همه داوران رأی و نظر خودشان را می‌دادند و از بین آن‌ها کاری که امتیاز بالاتری می‌آورد انتخاب می‌شد.

؟ آگه بخواین تمایزی قابل بشین بین خردسالان و کودکان بزرگتر، به نظر تون

اساساً می‌شه از داشتن تم محوری یا ایده در کارهای خردسالان حرف زد؟ آن چیزی که در کارهای بچه‌ها از همه بیشتر برای من جلب توجه می‌کرد این بود که بین بچه‌های مختلفی که کارها را نقاشی کرده بودند هر چه گروه سنی کوچک‌تر بود خلاقیت و نگاه تازه‌تر بود ولی انگار هر چقدر بزرگ‌تر می‌شدند، حالا یا تأثیرات

مسائل مختلف و غم‌ناک دارند که به این یکی نمی‌رسند ولی پارسال به جهت اینکه ملزوماتی داده بودیم خیلی بهتر بود.

؟ اینکه می‌فرمایید مراکز شما در سطح شهر و مناطق محروم هم هست حدوداً می‌توانید بگویید این‌ها چطور توزیع شدند؟ یعنی در هر منطقه یک نماینده یا کتابخانه دارید؟

ما ۶۱ کتابخانه در سطح شهر و استان داریم حومه شهر هم هست. مثلاً رودهن و بومهن و رباط کریم که جزء تهران محسوب می‌شوند. ولی از این‌ها، اینکه گفتم ۵۳ تا به جهت اینکه در برخی از مراکزمان مربی هنری نداریم البته این را هم بگویم همان مراکزی که مربی هنری نداشتیم مربی فرهنگی فراخوان را در گروه‌های مختلف می‌گذاشتند و این‌طور نبود فقط در مراکزی که مربی هنری داریم اطلاع‌رسانی کنیم. این را در گروه‌های سراسری خود می‌گذاشتیم حتی مراکزی که مربی هنری نداشتیم مسئول یا مربی فرهنگی آنجا کار می‌کرد و کار ارسال شد. در مورد اینکه ملزوماتی که پارسال برای ما ارسال شد، ما در اداره مرکزی یکسری قفسه به تعداد مراکز داریم. پوستر، کتاب و نامه‌هایی که باید به سطح مراکز ارسال شود را در آنجا می‌گذاریم خدمات هفته‌ای یک روز به اداره می‌آید و این‌ها می‌برد و از سراسر استان می‌آیند و جمع می‌کنند و می‌برند. ملزومات شما را هم به این شکل به دست بچه‌ها می‌رسانیم. ملزومات به تعداد بچه‌ها نبود، به تعداد مراکز بود. اینکه می‌گویم ۶۱، مثلاً پارسال ملزوماتی مثل اکریلیک و اکولین داشتیم این‌ها را به همه مراکز ندادیم واقعیت اینکه این یک همکاری بود، وقتی من آنجا هستم روی من حساب می‌کنند و مراکزی که فکر می‌کردم مربی قابلی دارد و کاملاً مسلط است بچه‌ها می‌توانند با آن کار کنند، می‌دادم. بچه‌ای که نمی‌تواند قلم دستش بگیرد چه دلیلی دارد به او اکولین یا اکریلیک دهیم. ما آمدم این‌ها را اولویت‌بندی کردیم مثلاً از ۵۰ تا بسته گواش برای همه ارسال شد ولی مثلاً اکریلیک ۲۰ تا داشتیم این را به مراکز فعال و خیلی پرتردد دادیم. کیفیت آثار خیلی خوب بود ولی کارهایی که پارسال ارسال شده بود به هر حال بهتر بود چون ملزوماتی که در اختیار همکاران قرار گرفت، خیلی تأثیرگذار بود. مقوای خیلی خوبی داده بودند. خود آقای طوفانی در جلسه با ما بود که من و خانم آغاز و آقای طوفانی بودیم خودشان کامل در جریان هستند. آن ملزومات پارسال خیلی کمک کرد. خاطرم هست که گفته بودند بگویند چه ملزوماتی می‌خواهید. من گفتم تکرنگ‌های گواش (چون ۱۲ رنگ گواش را همه دارند ولی تکرنگ‌ها را همه ندارند) برایمان تهیه کردند. من خودم به آثار نگاه می‌کردم ذوق می‌کردم رنگ‌ها با شما حرف می‌زد ولی امسال این‌طور نبود. حتی یکی روی مقوا شیرینی نقاشی کرده بود. این‌ها به لحاظ بصری خیلی تأثیرگذار است. تا اینکه بچه گواش خشک شده را آب ببندد، هم بزند و کار کند. رنگش یکجا روی کاغذ و آبش یک جای دیگر روی کاغذ می‌ماند! این‌ها مهم بود.

؟ به من گفتند مربی‌ها توجیه‌اند که این جشنواره چیست و اطلاع دارند.

بله کاملاً اطلاع داشتند.

؟ در مورد حقوق شهروندی برایشان کلاسی گذاشته شد؟

خیر. بنده داور پارسال و امسال بودم و در مناسبت‌های مختلف بنده داوری کردم. ابتدای عرایض هم عرض کردم مربی‌های کانون دوره‌های مختلفی را از اول که به کانون آمدند گذرانند. هر موضوعی که به آن‌ها بگویند این قدر کار کشته و کاربلد

شاهد استعدادهای جدیدی در زمینه نقاشی، تصویرگری و هنرهای دیگر باشیم و در فاصله مسابقه امسال و سال آینده برنامه‌ریزی‌هایی شود که این افراد، استعدادهایی که کار نقاشی می‌کنند و مربیانی که زحمت می‌کشند با گروه‌هایی کار می‌کنند و روی استعداد بچه‌ها تمرکز دارند رها نشوند و نوعی امید در دلشان بارور بشود که ان شاء الله به نتایج بزرگ‌تری برسیم و به شکوفایی بیشتر استعدادهای این سرزمین ختم شود.

■ حدیثه قربان

داور دومین دوره مسابقه نقاشی



? اصلی‌ترین معیارهای داوری این جشنواره چه عناصری بودند؟

ملاک‌های ارزشیابی انتخاب آثار بچه‌ها بر اساس این موارد بود: ۱- توجه به درونمایه‌های شهر و پنجره ۲- متفاوت بودن در زاویه دید. ۳- توجه به عناصر بومی. ۴- زیبایی‌شناسی اثر در ترکیب‌بندی و اجرای تکنیک. ۵- عدم دخالت بزرگ‌ترها در خلق اثر. ۶- کپی نبودن اثرین‌ها مهمترین معیار بودند که باعث می‌شد اثری به مرحله بعد و نهایی راه پیدا کند و یا نه.

? نظر شما در باره کیفیت فرایند داوری چیست؟

یکی از بهترین اتفاقات این نمایشگاه از مرحله اول داوری تا روز افتتاحیه نمایشگاه، نظم و انضباط آن بود. بسیار برای من لذت‌بخش بود تمام آثار با گروه سنی‌های مشخص برای تیم داوری آماده‌سازی شده بود و در روز داوری نهایی نیز همکاران دبیرخانه همراه و همدل ما بودند در ثبت آثار برگزیده و دیگر اقدامات لازم. با اطمینان می‌تونم بگم با توجه به تعداد بالای آثار نقاشی رسیده به دبیرخانه حق هیچ اثری پایمال نشد به علت فراهم کردن شرایط خوب و منظم و دقیق داوری.

? آگه بخواین تمایزی قایل بشین بین خردسالان و کودکان بزرگتر، به نظرتون اساساً می‌شه از داشتن تم محوری یا ایده در کارهای خردسالان حرف زد؟

بینید ما وقتی حرف از خردسال چهار، پنج ساله می‌زنیم و تفاوت آن با کودک نه، ده ساله در واقع داریم درباره‌ی دو دنیای مختلف صحبت می‌کنیم. یکسری ویژگی‌ها در گروه سنی پایین (۴، ۵ سال) به صورت ناخودآگاه وجود داره، مثلاً بزرگنمایی و اغراق، استفاده از رنگ آمیزی راحت و آسان، توجه به جزئیات در اطراف و... که با بالاتر رفتن سن از این موارد دور می‌شوند. اما به این نکته توجه داشته باشیم که تم محوری را نمی‌توان با این ویژگی‌ها ترکیب کنیم، در این نمایشگاه شاید پنج درصد از کارها از نظر موضوعی به هم شبیه بودند که آن هم دلیل بر تم موضوعی نیست و بر می‌گردد به ضمیر ناخودآگاه بچه‌ها. ما هر چقدر کارهای گروه سنی پایین تر را میدیدیم، به نظرمون می‌رسید

سیستم آموزشی هست یا دخالت بزرگ‌ترها یا بیشتر دوست دارند در چارچوب‌هایی که پذیرش بیشتر هست حرکت کنند، از آن نگاه شخصی به خلاقیت دور می‌شدند و البته در کارهای خردسالان می‌شد گفت یک مقدار تمرکز کمتر بود ولی در عین حال آن شادابی و طراوت و استفاده از رنگ‌های شاد بیشتر بود. نگاه خردسالان را بیشتر این‌طور دیدم که در شهر به دنبال شادی بودند و آنچه را از پشت دریچه پنجره یا پشت دریچه نگاه خودشان به دنبال آن می‌گشتند انگار شادی بیشتر بود. تصاویری از عروسی، جشن، بادکنک، بادبادک و یا حتی ماشین‌های بستنی‌فروشی که در تصاویر می‌دیدم بفنوعی نگاه و درخواستشان را انگار برای شادی بیشتر و فضای بازتری برای حرکت و تکاپو و اتفاق‌های شاد بود که می‌دیدم. البته در کنار آن توجه بچه‌ها به مسائلی مثل کرونا هم زیاد بود انگار ذهن بچه‌ها را خیلی درگیر کرده بود. تصاویر زیادی بود که بچه‌ها به‌صورت همه عابرین پیاده ماسک کشیده بودند و انگار این جزئی جدانشدنی از تصاویر شهر شده بود.

? فکر می‌کنین چه مسائلی از زندگی شخصی و غیر شخصی کودکان بیشتر در آثار بازنمایی داشت؟ به نظرتون تم‌های محوری کارها چه موضوعاتی بودند؟ در حوزه مسائل حوزه‌ی شهر و فضای شهری فکر می‌کنید مهم‌ترین دغدغه‌های بچه‌ها چه بود؟

یک توضیح کوتاهی در سؤال قبلی در این مورد دادم و مجبورم همان را تکرار کنم، به نظرم هر چه گروه سنی مخاطب کوچک‌تر بودند خلاقیت و نگاه متفاوتشان را بیشتر توانسته بودند در نقاشی‌ها به تصویر بکشند و هر چه گروه سنی بزرگ‌تر می‌شد انگار خودشان را یک‌جوری ملزم به رعایت قوانین و چارچوب‌ها می‌دیدند و می‌خواستند در آن چارچوب‌های از پیش تعیین‌شده حرکت کنند و همین باعث شده بود مقداری از خلاقیت، نوآوری و تخیلشان کم شود و مثل بقیه نگاه کنند؛ اما آن چیزی که فکر می‌کنم که در هنر چه داستان چه شعر چه نقاشی حائز اهمیت بیشتری هست این است که هر فرد صدای خودش را داشته باشد و برای من داور تخیل، خلاقیت و نوآوری امتیاز خیلی بیشتری دارد. برای اینکه خیلی از چارچوب‌ها را می‌توانند در بزرگسالی یاد بگیرند ولی آن چیزی که ارزش دارد ما بتوانیم به‌عنوان یک هنرمند حفظ کنیم این هست که بتوانیم همه چیز را از نگاه خودمان عبور دهیم، از حس‌های مختلفی که داریم. همین هست که باعث می‌شود صدا، نگاه و جنس تصاویر ما از دیگران متمایز شود و این در کار گروه سنی خردسال بارزتر بود. خیر، متأسفانه در جریان کار این کارگاه‌ها نبودم و بعد از اینکه زمان مسابقه تمام شده بود و کارها دیده شد در جریان این داوری قرار گرفتم که دیگر زمان کارگاه‌ها گذشته بود اما در جلسه حضوری که داشتیم دوستان توضیحاتی در این باره دادند و دیدم خیلی از مربیان مخصوصاً مربیان کانون پرورش فکری یک گروهی از بچه‌ها تشکیل داده بودند که کار کرده بودند و این خیلی خوب بود که می‌دیدیم برخی از این کارها تمایز بین افراد کاملاً رعایت شده و نشان می‌داد کارگاه‌هایی که در آن‌ها کار انجام شده، باعث نشده کار بچه‌ها به هم شباهت پیدا کند و هر کدام استقلال خودشان را داشتند که این از امتیاز این کار بود. اما نکته آخری که دوست داشتم به آن اشاره کنم این بود که امیدوارم این حرکت ادامه‌دار باشد و تا سال‌های بعد نیز ما شاهد کارهای خوب کودکان و نوجوانانی باشیم که این راه را ادامه بدهند و استعدادهایی که از این طریق شناسایی می‌شوند چه در مدارس چه در خانواده‌ها چه در جمع‌های هنری به آن‌ها بهاء داده شود و بعداً روی این‌ها سرمایه‌گذاری شود به‌طوری‌که

صدای کودکان هست، از این که هم به تصویر می کشند کودکان آنچه را که می خواهند و هم با این تصویر خودشان می توانند به نوعی آرامش برسند و هم اینکه به طور غیر مستقیم بعضی از خواسته ها و دغدغه هایشان را بیان می کنند. اما خب نقاشی تنها ابزار نیست و مسابقه نقاشی به نظرم باید در چهارچوب برنامه کلی تر شهر دوستدار کودک دیده شود و اگر چه تا کنون اقداماتی صورت گرفته در بعضی مناطق هم حرکت هایی صورت گرفته اما کافی نیست و خیلی کندتر از آنی هست که باید باشد.

با توجه به اهمیت مشارکت حداکثری کودکان، مسئولین برنامه تصمیم گرفتند که فرم اجرای برنامه به صورت مسابقه باشد، نظر شما در رابطه با این فرم چیست؟ چگونه می توان از صوری شدن مشارکت کودک جلوگیری کرد؟

فرم مسابقه جذابیت هایی دارد مخصوصاً برای کودکان و می تونه اونها را بیشتر به ابراز نظر برانگیزه اما به مسابقه اکتفا کردن خطرناک است، حس رقابت را زیاد از حد نباید برانگیخت. در این مسابقه تلاش شده که طیفی از برگزیده ها داشته باشیم و تعداد برگزیده ها کم تعداد نباشد و این مضرات رقابت شدید را کم می کند. با این حال اگر مجبوریم برای جلب مشارکت حداکثری، فرم مسابقه را اجرا کنیم، بهتر است در ادامه با تشکیل گروه های شرکت کنندگان و اظهار نظر در فضای مستقیم تر، کاستی های این شیوه از مشارکت را جبران کنیم. ابزار مسابقه و آمارهای فریبنده، باعث صوری شدن مشارکت می شود. اینکه تعداد زیاد بوده پس موفق بودیم، نتیجه خیلی اشتباه و خطرناکی است. ما گاهی وقت ها اگر صدای ده کودک را در شهر درست بشنویم، شاید خیلی مناسب تر باشه تا اینکه ده هزار اثر مشارکتی صوری داشته باشیم که بزرگترها به نوعی ترغیب یا تحمیل کردند که کودکان آثار بفرسند. این مشکل را من در خیلی از مسابقات دیدم که کودکان برای رفع تکلیف اثری می فرستند. نه فکر کودک، نه دقتی در فرم و محتوای اثر و نه حتی دقتی در نحوه ارسال اثر می بینیم. این ها آسیب هست و باید به راه هایی برای کاهش آسیب فکر کرد. یکی از راه ها این هست که به روش های کیفی بیشتر توجه کنیم، به آمار بسنده نکنیم و گفت و گو و مکاتبه با برگزیدگان داشته باشیم. اینکه ازشان بخواهیم یک بار دیگه کاری انجام دهند. تداوم دادن به کار کودکان شاید کاری باشد که از صوری شدن مشارکت کمک کند. شاید بتوانیم کتاب برگزیده ی کودکان مسابقه را به همراه یادداشت های کودکان دیگر درباره ی این نقاشی ها چاپ کرد، نمایشگاهی برگزار کنیم که در کنار نقاشی یک کودک، کودکان دیگر درباره آن نقاشی نظر داده اند و حرف زده اند. کار را می شود تداوم داد بین خود آن کودکان و بین بچه های دیگر.

فربه به ۵ هزار کودک در تهران با این پروژه سالانه دیگر مسئله شهر ایدئال خود می شوند، اگر بخواهیم این مسابقه صرفاً به یک رویداد تبدیل نشود و امتداد داشته باشد، فکر می کنید چگونه می توانیم صدای این دغدغه های کودکان را بلندتر کرده و به بیشتر دیده شدن شهر از نگاه کودکان کمک کنیم؟

مسابقه وقتی ظاهراً به لحاظ اجرایی تمام می شود، داوری انجام می شود، آثار برگزیده انتخاب و نمایشگاه برگزار میشود و بازدید کننده ها می آیند و در نهایت کتاب آثار برگزیده چاپ و منتشر و توزیع می شود، شاید به نظر بعضی ها کار تمام شده و پرونده ی این مسابقه را می توانیم ببندیم و بریم سراغ کار دیگری،

که کودکان در گروه های سنی پایین تر با موضوع رها تر برخورد کرده بودند، راحت تر برخورد می کردند و خودشان رو محدود نمی کردند. به جایی مثلاً پنجره شده یک بادبادک، این نشون دهنده ی راحتی بچه با موضوع بود. در گروه سنی بالاتر، رنگ ها تیره تر می شد و زوایای کار خیلی خطی بود.

فکر می کنید چه مسائلی از زندگی شخصی و غیر شخصی کودکان بیشتر در آثار بازنمایی داشته به نظرتون تم های محوری کارها چه موضوعاتی بودند؟ در حوزه مسائل حوزه شهر و فضای شهری فکر می کنید مهم ترین دغدغه های بچه ها چه بود؟

میتونم بگم هم زندگی شخصی و هم بخش اجتماعی زندگی کودکان در آثار دیده میشد. در واقع موضوع امسال مسابقه به گونه ای بود که هر دو را می شد در آثار دید و صرفاً ما شاهد دیدگاه کودکان درباره فضای شهر، کوچه و محله شان نبودیم، بلکه مسائلی از درون خانه و اتاق کودکان هم به چشم می آمد. اما در رابطه با تم محوری کارها، راستش من فکر می کنم نمی شه گفت تم محوری کارها. درسته موضوع واحدی برای نمایشگاه در نظر گرفته شده اما تم نیست، تم یه مقدار جزئی تر از موضوعی است که ما انتخاب کردیم، موضوع نمایشگاه صرفاً یک پنجره به بیرون از خانه بود. اما موضوعات محوری کودکان بیشتر فضای شهریشون بود. بخشی از کودکان کاملاً رئال به موضوع نگاه کرده بودند و بخشی از کودکان کاملاً فراواقعی نگاه کرده بودند، پنجره ای باز می شد رو به باغ وحش و این نشون میداد که این کودکان چقدر در این روزهای کرونایی دوست دارند، با طبیعت و فضای پارک و باغ وحش ارتباط بگیرن. مهم ترین دغدغه ی کودکان به نظرم آلودگی هوا بود، این نشون میداد که کودکان چقدر از آلودگی هوا رنج می برن. در خیلی از آثار کودکان برای اثر، یادداشت هم گذاشته بودند، انگار قانع نشده بودند که صرفاً با تصویر دغدغه های خودشان رو مطرح کنند و با نوشته هاشون تکمیلش کردند.

صاحب نظران حوزه کودک

■ مناف یحیی پور
نویسنده و روزنامه نگار
حوزه کودک و نوجوان



فکر می کنید صدای کودکان که یک چهارم جمعیت شهر تهران را تشکیل می دهند، اهمیت زیادی دارد. فکر می کنید نقاشی، مدیوم مناسبی برای این کار است؟ از نظر شما فرم، محتوا و شیوه ی اجرای مسابقه نقاشی شهر تهران تا چه حد به شنیده شدن صدای کودکان تهران میتواند ما را نزدیک یادآور کند؟

آینده شهر متعلق به کودکان است و اگر الان به دغدغه آنها توجه نکنیم، قطعاً شهر آینده ی خوبی نخواهد داشت. نقاشی جزو بهترین ابزارها برای شنیدن

نماد غالب شهر شده است. شاید همین دغدغه به ما یادآوری می کند که تا چه حد تهران به بلند مرتبه سازی نیاز دارد یا ندارد. کودکان در نقاشی هایشان فقط شهر آرمانی شون رو نکشیدن و ناگزیر خیلی از چیزهایی که در حال حاضر هست را هم به تصویر می کشند.

■ فروغ افشاری

دکتری شهرسازی
و استاد دانشگاه



به نظر بنده درست است که مسابقه ای که برگزار شده همه در آن برنده اند اما به هر حال مسابقه است و یک عده برگزیده شده اند و جایزه گرفته اند و این عارضه ای را برای کودکان به وجود می آورد. کودکانی که در این مسابقه برنده می شوند، یک جور خودشیفتگی و خودباوری کاذب در آنها به وجود می آید و فکر می کنند شناخت کاملی از شهر و هنر دارند و این جلوی جست و جوی آینده آنها را می گیرد و عارضه تربیتی دارد. در جاهای دیگر دنیا، ما به جای مسابقه نقاشی در حوزه شهر، فستیوال داریم که هیچ برنده و بازنده ای ندارد. فستیوال در قالب یک جشن و همکاری جمعی است و کودکان و خانواده ها در فضایی شاد گرد هم می آیند. در ایران هم به این صورت می تواند باشد که شهرداری در جاهای مختلف شهر به صورت هماهنگ در چند روز، جداره های پارک ها یا خیابان های مشخصی را به نقاشی کودکان اختصاص دهد. برای اینکه کارها بعد هنری داشته باشد و اغتشاش بصری به وجود نیاید، به هر کودک یک کاشی داده شود و کارها در نهایت همه پخته شود و روی همان دیوار ها نصب شود. این کارها باعث ماندگار شدن نقاشی ها می شود و آثار کودکان را همیشگی می کند.

■ دکتر افسانه کمالی

استاد جامعه شناسی
دانشگاه الزهرا



؟ به عنوان متخصص حوزه جامعه

شناسی کودکی فکر می کنید تا چه حد

نقاشی، ابزار مناسبی برای شنیدن صدای

کودکان است؟ فرم، محتوا و شیوه اجرای

مسابقه نقاشی شهر تهران تا چه حد به شنیده شدن صدای

کودکان میتواند ما را نزدیک یادآور کند؟

بله نقاشی و هر نوع ابراز بیان دیگر کودکان اعم از فرم

اگر اینطور نگاه کنیم، این یک رویداد صرفاً منقطع خواهد بود اما جور دیگری هم می شود به موضوع نگاه کرد. اگر مسابقه نقاشی را در دل یک برنامه ببینیم، این مرحله را مرحله میانی از یک برنامه مستمر ببینیم، ماجرا جور دیگری می شود. کاری که می توانیم بکنیم این است که از یک طرف خود کودکان را تحریک کنیم که کارشان را ادامه دهند، هم کودکان بر انگیزیم به اینکه درباره کار های دوستانشون کاری بکنند، می شه ازشون خواست، متنی درباره ی نقاشی خودشان یا نقاشی های دوستانشان بنویسند، برای نقاشی ها عنوان انتخاب کنند نکات مهمی که در نقاشی ها به نظرشون می رسه بنویسند، نقدی بکنند آثار را و کارهایی ازین قبیل. اما جدای از آن باز می شود کارهای دیگری کرد، حتی شاید با وجود کرونا با هماهنگی خانواده ها، یک جور جلسات جمعی برگزار کرد که درباره ی دغدغه های کودکان در نقاشی ها، صحبت کنیم. بچه های برگزیده را متناسب با سنشان، در گروه های مختلف تقسیم کنیم و بخواهیم درباره ی دغدغه هایشان صحبت کنند. ازشان بخواهیم درباره احساسشان در حین کشیدن نقاشی ها یا نکاتی کوچکی که ممکن است در کارها باشد ولی در تحلیل ها نیامده، صحبت کنند. می شود نشست مشترکی بین داورها و کودکان گذاشت، یا نشستی بین تحلیل گران، روانشناسان کودک، نویسندگان و روزنامه نگاران حوزه ی کودک با کودکان بگذارید. اینطور هم خود رویداد زنده می ماند و برای سال بعد آمادگی ایجاد می کند و حرف های تازه تری مطرح می شود.

؟ با توجه به حضورتان در نمایشگاه و بازدید از آثار کودکان، اگر همچنان در خاطر دارید مهم ترین دغدغه های کودکان از نگاه شما چه دغدغه هایی بودند؟

یکی از نقاشی ها با نام مهربان سادات چهارده ساله عنوانش این هست: من درگیرم در این شهر. صدای همه کودکان را باید شنید. بارها و بارها باید این نقاشی ها را باید دید و حرفشان را شنید. این نقاشی ها ارزش دارند که چندین بار به نمایش گذاشته شوند. تک تک نقاشی ها حرف های زیادی دارند. هر کس از زاویه ای نکات نقاشی ها را درک خواهد کرد. من در نگاه دوباره به نقاشی ها ناچار شدم نکاتی را یادداشت کنم، فکر کردم ناراحتی و بیماری مهنکار ۱۳ ساله، مسئله مهمی است. ثمن ۸ ساله یک سری خانه روی ابر کشیده که حرف های زیادی برای گفتن دارد. زرافه نقاشی سونای ۱۲ ساله و این جمله که تهران را به شکلی دوست داره که رویای کودکان تحقق پیدا کند. هر کدام از این ها کلی نکته دارند، کودکان دارند با این نقاشی ها و متن ها و عناوین نقاشی ها با ما حرف می زنند.

؟ در تحلیل محتوایی که از آثار کودکان صورت گرفت، به دلیل تنوع سنی

شرکت کنندگان به سه گروه سنی مشابه به هم تقسیم شدند، گروه سنی ۴ تا ۷ ساله، ۸ تا ۱۱ ساله و ۱۲ تا ۱۴ ساله و دغدغه های کودکان بر حسب میزان فراوانی هر یک از موضوعات، شناسایی شد و دوست داریم نظر شما را درباره آنها بدانیم.

در رابطه با ایده هایی برای تغییر، کودکان این چهره ی شهر را خیلی دوست ندارند و چهره ی شهر عبوس و تیره است. کودکان در شهر همه ی عناصرش را دوست دارند که رنگی ببینند. حتی سطل های زباله رنگی هستند. البته نباید تغییر شهر را به این اکتفا کرد. با توجه به اینکه اولین دغدغه ی محیط زیستی کودکان آلودگی هوا هست، خیلی طبیعی است که مهم ترین راه کار آنها هم استفاده از دوچرخه باشد. بخواهیم یا نخواهیم، برج نشینی و آپارتمان نشینی

دارید مهم ترین دغدغه های کودکان از نگاه شما چه دغدغه هایی بودند؟

متأسفانه من امسال نتوانستم حضوری از نمایشگاه دیدن داشته باشم ولی کتاب آثار را دیده ام ولی همان طور که گفته اید، این دغدغه های کودکان از نگاه ماست و دغدغه های کودکان نیست. ما نباید تصور کنیم که آنچه کودکان فکر می کنند را می توانیم فهم کنیم. این برداشتی است که ما به صورت غیر مستقیم و دست دوم از آثار کودکان می توانیم داشته باشیم.

؟ در حوزه تحلیل آثار کودکان، دو نوع نگرش میان مدیران وجود دارد، در یک سو دسته ای از مدیران هستند که معتقدند نقاشی کودک صرفاً در آسیب شناسی مسائل شهری می تواند به ما کمک کند و در سویی دیگر مدیرانی هستند که معتقدند از ترون تحلیل آثار می توان ایده هایی برای تغییر و تحول ارائه کرد. نگاه شما به کدام سوی این طیف نزدیک تر است؟

در این رابطه هم من معتقدم شما از دید یک بزرگسال دارید به قضیه نگاه می کنید. نمی توان با قطعیت گفت که اساساً بچه به دنبال راهی برای تغییر و تحول است، ممکن است بچه صرفاً شرایط فعلی اش را بازنمایی کرده باشد. البته که ممکن است همانطور هم آینده ی ایدئالش را کشیده باشد. ما از کجا می توانیم این را دقیقاً بفهمیم الا اینکه خود کودک باشد، اگر این طور باشد بله هم میشود شرایط حاضر را تحلیل کرد و هم شرایط آتی را. هم میشود فهمید درک کودک از وضعیت فعلی چیست، آیا آسیب ها و پیامدهای مثبت یا منفی دارد و بر همان مبنا استراتژی ها و راه حل های کودکان برای بهتر شدن شرایط را از دل کارها بیرون کشید. بخشی از ایده ها و افکار کودکان در نقاشی متبلور می شود و این با یک نقاش بزرگسال که می تواند المان های مستقیم و غیر مستقیمی را به کار ببرد که منظوری را منتقل کند. به اعتقاد من تحلیل و نشانه شناسی آثار کودکان بدون حضور خود کودکان اساساً معنی ندارد.

صورت، خنده، حرف ها، شعرها، یادداشت ها و... همه این ها می تواند خوب باشد ولی مشکل این است که ممکن است ما به دلیل اینکه کودکان فرم های یکسانی را به کار می برند که در مورد نتیجه ی تحلیل محتوا هم پیداست، مثلاً همه خانه می کشند با فرمت ثابتی و همین باعث می شود، تحلیل گر فکر کند همه ی کودکان دارند یک حرف را می زنند. در تحلیل آثار کودکان به اعتقاد من کودک خودش باید حضور داشته باشد و نظرش را درباره محتوا بگوید تا ما بتوانیم واقعا صدای آنها را بشنویم. وگرنه از روی ظاهر نقاشی نمی شود دقیقاً آنچه که کودکان مد نظرشان هست را فهمید و نهایت کاری که می شود کرد همین مدل تحلیل محتواست که لزوماً حرف کودکان را منتقل نمی کند. به عنوان مثال می گویم یک کودک مسجد کشیده چون نزدیک خانه اش است و صدای آن آزارش میدهد و برای یکی مسجد جایی هست که دوست دارد حضور داشته باشد. هر دو یک مسجد در نقاشی می کشند اما معانی متفاوت است. یا مثلاً رنگ کردن سطوح های زباله که در نقاشی ها هست، ممکن است گویای یک ناراحتی و مشکل کودک باشد، برای مثال جلوی خانه شان یک سطل زباله است که همیشه محیط جلوی خانه را آلوده کرده. بچه ممکن است به همین واسطه بخواهد ناراحتی اش از سطل زباله را نشان دهد. مثلاً فرض کنید، رنگ یا شکل بهتری در نظر بگیرد. ممکن است از اینکه سطل زباله هست دغدغه ی نظافت و پاکیزگی را دارد و از آلودگی محیطی رنج می کشد. بنابراین ما نمی توانیم بدون اینکه به خود کودکان برای تفسیر اثر برگردیم، اثر آنها را تحلیل کنیم. ما بدون توضیح کودکان نمی توانیم نیت ذهنی آنها را متوجه شویم. نهایتاً به همین شمارش و تحلیل کمی می رسیم. تحلیل کمی آثار به نظر من ما را به جای خیلی خاصی نمی رساند و اکثر کودکان از چیزهایی که در اطرافشان می بینند الهام می گیرند برای رساندن مطلبشان، بنابراین در استفاده از المان های شهری یا نمادها، یا سایر مفاهیم من فکر نمی کنم که آگاهانه انتخاب شده باشند و صرفاً چیزهایی هستند که دور و برشان دیده اند و کشیده اند.

؟ با توجه به اهمیت مشارکت حداکثری کودکان، مسئولین برنامه تصمیم گرفتند که فرم اجرای برنامه به صورت مسابقه باشد، نظر شما در رابطه با این فرم چیست؟ چگونه می توان از صوری شدن مشارکت کودک جلوگیری کرد؟

به نظر من مسابقه حتماً بدترین فرمی است که می تواند یک برنامه در آن اجرا شود. در مسابقه موضوع این است که کودکان باید از هم جلو بیفتند و نوعی رقابت کاذب ایجاد می شود. در حالی که کودکان مشارکت و واقعیشان باید جلب بشود. اینکه ما به آنها هدیه ای مناسب بدهیم، یا اینکه بخواهیم آنها را حتی در دسته های مختلف با گروه های بزرگتر رتبه بندی کنیم، باز هم بد هست. به نظر من بهتر هست بعد از چند سال که این مسابقه برگزار شده و تا حدی شناخته شده است، کودکان را تشویق کنیم که نقاشی های جمعی بکشند در ابعاد بزرگتر و هرچه تعداد افراد بیشتری با هم توانسته باشند مفهوم مشترکی را بسازند، اگر هم قرار هست جایزه ای داده شود به صورت گروهی داده شود. جایزه ها باید به همه داده شود، بهتر هست جنبه ی مادی نداشته باشد و مثلاً چیزی شبیه بن کتاب باشد که بچه خودش چیزی که می خواهد را تهیه کند. بنابراین من فکر میکنم این جنبه ی رقابت آمیز مسابقه نقاشی به خصوص برای بچه های دبستان مضر هست.

؟ با توجه به حضورتان در نمایشگاه و بازدید از آثار کودکان، اگر همچنان در خاطر

منابع

وندر زندن، جیمز. ۱۳۹۳. روانشناسی رشد ۱ و ۲، با ترجمه حمزه گنجی، تهران، نشر ساوالان
هات، راجر ای. ۱۳۸۰. مشارکت کودکان و نوجوانان. با ترجمه فریده طاهری. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

UNICEF , 2017: CHILD PARTICIPATION IN LOCAL GOVERNANCE –UNICEF COUNTRY OFFICE
CASE STUDIES
Edmonton, 2017: INVOLVING YOUNG PEOPLE IN CIVIC MATTERS, SUPPLEMENTARY GUIDE IDE

یکی از دغدغه‌های مدیریت شهری در شهر تهران، شنیده شدن صدای کودکان و حق اظهار نظر آنها درباره محل زندگی خودشان می‌باشد. برنامه مسابقه نقاشی کودکان شهر تهران به عنوان یکی از تکنیک‌هایی که می‌توانیم از طریق آن از کودک اخذ نظر کنیم و در چارچوب حق شنیده شدن صدای کودکان و در قالب استراتژی جلب مشارکت و احترام گذاشتن به دیدگاه‌های آنها طراحی گردید. اداره کل آموزش‌های شهروندی شهرداری تهران برای تحقق این مهم از سال ۱۳۹۸ تاکنون، اجرای مسابقه نقاشی کودک با عنوان «شهری که من دوست دارم» در سال اول و «شهری که من دوست دارم (از پشت پنجره خانه‌مان)» در سال دوم را در دستور کار خود قرار داده است و در هر دو دوره ۱۱ گروه سنی از ۴ تا ۱۴ سال به عنوان مخاطب برنامه دعوت به مشارکت شدند. در دوره اول نه هزار و چهارصد اثر و در دوره دوم بارشد ۴۰ درصدی چهارده هزار و هشتصد و پنجاه اثر در این مسابقه شرکت داده شد. در این گزارش که در پنج بخش تنظیم شده است، نگاهی خواهیم انداخت بر سیاستگذاری کلان برنامه، پیشینه، عملکرد اجرایی برنامه، تحلیل شرکت‌کنندگان و آثار آنها و در نهایت بررسی انتقادی عملکرد مسابقه نقاشی.



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی